

فهرست

تست	درس نامه	
		بخش ۱ آشنایی با اقتصاد
۱۰۴	۸	فصل اول اقتصاد چیست؟
۱۱۱	۱۵	فصل دوم تولید
۱۱۸	۲۶	فصل سوم بازار
۱۲۷	۳۴	فصل چهارم آشنایی با شاخص‌های اقتصادی
		بخش ۲ نهادهای پولی و مالی
۱۴۲	۴۹	فصل اول پول
۱۴۹	۵۴	فصل دوم بانک
۱۵۵	۶۰	فصل سوم بازار سرمایه
		بخش ۳ توسعه اقتصادی
۱۶۰	۶۳	فصل اول رشد، توسعه و پیشرفت
۱۶۶	۶۷	فصل دوم فقر و توزیع درآمد
		بخش ۴ مدیریت کلان اقتصادی
۱۷۳	۷۲	فصل اول دولت و اقتصاد
۱۷۹	۷۶	فصل دوم بودجه و امور مالی دولت
		بخش ۵ اقتصاد جهان و ایران
۱۸۹	۸۶	فصل اول اقتصاد بین‌الملل
۱۹۷	۹۳	فصل دوم اقتصاد ایران
۲۰۳	۹۸	فصل سوم اقتصاد ایران در مسیر پیشرفت
۲۰۸		پاسخ‌نامه تشریحی
۲۶۱		سؤالات کنکور ۹۸
۲۷۱		پاسخ‌نامه کلیدی

فصل ۱ آشنایی با شاخص‌های اقتصادی

توی درس‌های قبلی با تعریف علم اقتصاد و موضوعات اون آشنا شدیم و انواع فعالیت‌های اقتصادی (مثل تولید، توزیع و مصرف) رو شناختیم؛ حالا توی این درس قراره بریم ببینیم چه پوری می‌تونیم مهم این همه فعالیت اقتصادی رو که هر روزه توی جامعه انجام می‌شه، اندازه بگیریم؟! البته واضحه که واسه این اندازه‌گیری هتماً به شاخص نیاز داریم و باید این شاخص‌ها رو هم بشناسیم. حالا که با موضوع درس آشنا شدی بریم سراغ اصل مطلب!

چگونه می‌توانیم میزان فعالیت‌های اقتصادی را در سطح جامعه اندازه‌گیری کنیم؟

بیا فرض کنیم اقتصاد یه انسانه که می‌تونه سالم یا بیمار باشه! بعرض بیا فرض کنیم که اقتصاددان هم قراره نقش پزشک رو بازی کنه! نتیجه چی می‌شه؟! این‌که؛ همون‌طور که یه پزشک برای تشخیص بیماری یه آدم و درمان اون، به معاینات پزشکی و اندازه‌گیری شاخص‌های حیاتی (مثل نبض، فشار خون، تنفس و ...) نیازمنده، اقتصاددان هم برای بررسی وضعیت اقتصاد جامعه به شاخص‌هایی واسه ارزیابی و اندازه‌گیری نیاز داره! به همین سادگی!

اقتصاددانان برای بررسی وضعیت موجود، اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی و مطالعه روند تغییرات و یا نتایج سیاست‌های اقتصادی، نیازمند استفاده از آمار و شاخص‌های اقتصادی هستند.

سنجه‌ها و شاخص‌های اقتصادی بسیار مهم هستند؛ زیرا هرگونه اشتباه در اندازه‌گیری آن‌ها موجب اشتباه در تشخیص بیماری اقتصادی و یا روند بهبود می‌شود.

نکته...

۱ خرد (خانوارها یا شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی)

۲ شهری

۳ منطقه‌ای

۴ کلان (ملی و بین‌المللی)

آمارهای اقتصادی در چهار سطح ارائه می‌شوند:

حسابداری ملی

تعریف: شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی است که با ارائه شاخص‌های گوناگون به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد. **حسابداری ملی** به بررسی موارد زیر در سطح ملی می‌پردازد:

- ۱۱ میزان تولید کالا و خدمات
- ۱۲ میزان مصرف و پس‌انداز کل کشور
- ۱۳ سطح عمومی قیمت‌ها
- ۱۴ میزان، صادرات و واردات
- ۱۵ حجم نقدینگی (که در درس پول می‌گیریم پیه؟!)
- ۱۶ سایر متغیرهای کلان

اهمیت حسابداری ملی: بررسی و اندازه‌گیری‌های «مرکز آمار»، «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی» و یا «بانک مرکزی»، می‌تواند تصویری روشن از اقتصاد و روند تغییرات آن و رفاه مردم ارائه کند.^۱

تولید کل و اندازه‌گیری آن

«تولید کل» یعنی هر پی (از شیر مرغ گرفته تا چون آدمیزاد) که در مدت یک سال در سر تاسر کشور تولید شده! تولید کل یا «میزان کل تولید کالا و خدمات» در جامعه، یکی از مهم‌ترین متغیرهایی است که حسابداری ملی به مطالعه آن می‌پردازد. **اهمیت تولید کل:** این که یک جامعه، ظرف یک سال، چه میزان کالا و خدمات تولید کرده، اهمیت فراوان دارد؛

- ۱۱ قدرت و توان اقتصادی جامعه
 - ۱۲ سطح رفاه و درآمد اعضای جامعه
 - ۱۳ میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری
 - ۱۴ امکان پیشرفت جامعه در آینده
- زیرا تولید کل نشان‌دهنده این موارد است:

شرایط محاسبه یک فعالیت در تولید کل

باید توجه داشت که در حسابداری ملی فقط آن دسته از فعالیت‌های تولیدی (اعم از تولید کالا یا خدمات) که شرایط زیر را داشته باشد، در محاسبه «تولید کل» منظور می‌شود:

- ۱۱ از بازار عبور کند.
 - ۱۲ به تولید کالا و خدمات نهایی منتهی شود.
 - ۱۳ قانونی و مجاز باشد.
- اینک به شرح و بسط هر یک از موارد فوق می‌پردازیم:

۱) از بازار عبور کنند

یعنی تولیدکننده کالا یا ارائه‌دهنده خدمات در قبال آن، از دیگری پول دریافت کند. (از قدیم گفتن: هیچ‌گربه‌ای مفض رضای خدا موش نمی‌گیرد!) **مثال:** کشاورزی که سبزی می‌کارد و آن را می‌فروشد یا تعمیرکاری که تلویزیون تعمیر می‌کند و دستمزد می‌گیرد، هر دو تولیدکننده محسوب می‌شوند و فعالیت تولیدی آن‌ها جزء تولید کل محاسبه می‌شود.

این‌ها «پول» فیلی مهمه! یعنی آگه پولی ردوبدل نشه، فعالیت تولیدی هم در حسابداری ملی و محاسبه تولید کل لحاظ نمی‌شه!

نکته...

زنی که به عنوان خدمتکار در منزل دیگری کار می‌کند (اعم از آشپزی و شست‌وشو و ...) و در قبال آن مزد می‌گیرد، یک تولیدکننده است، اما فعالیت همین زن هنگام انجام امور مربوط به خانه‌داری در منزل خود (چون پولی بابت آن دریافت نمی‌کند)، در محاسبه تولید کل منظور نمی‌شود.

یه مثال دیگه، آگه یه زن روستایی به شوهرش بگه به پای این که کارگر بگیرم، من خودم همپای تو توی مزرعه کار می‌کنم و به پاش آفر هر ماه، فلان مقدار دستمزد به من بده، فعالیت این زن در تولید کل محاسبه می‌شه، اما آگه همین زن به فاطر عشق و این که بیشتر کنار شوهرش باشه، بره توی مزرعه کارکنه و یه ریال هم مزد بگیره، فعالیتش در تولید کل حساب نمی‌شه! کار همون کاره‌ها! اما این پول که تعیین می‌کنه یه کار در تولید کل محاسبه بشه یا نه! هالا هی بگن پول مهم نیست!

۲) به تولید کالا یا خدمات «نهایی» منجر شود

به عنوان مقدمه لازم است نوعی از طبقه‌بندی کالاها را یادآور شویم:

نوع کالا	توضیحات	مثال
نهایی	کالایی که تولیدکنندگان به بازار عرضه می‌کنند و مصرف‌کنندگان آن‌ها خریداری کرده را مصرف می‌کنند.	دستمال کاغذی
واسطه‌ای	کالایی که تولیدکنندگان به بازار عرضه می‌کنند و تولیدکنندگان دیگر (نه مصرف‌کنندگان) آن‌ها را می‌خرند تا از آن‌ها در ساخت کالاهای دیگری استفاده کنند.	موتور خودرو

۱- شفافیت اقتصادی و ارائه آمارهای درست و واقعی، نقش فیلی مهمی در مدیریت وضعیت اقتصادی جامعه دارد؛ این موضوع وقتی اهمیت خودش رو بیشتر نشون می‌ده که بدونیم بعضی وقتا مثلاً در زمان درگیری جامعه با جنگ اقتصادی، ارائه آمارهای غلط، می‌تونه واسه مردم ذهنیت غلط ایجاد کنه یا موجب اشتباه محاسباتی بین مسئولان و نمایان کشور بشه!

در حسابداری ملی و محاسبه تولید کل، فقط ارزش کالاهای نهایی محاسبه می‌شود؛ زیرا ارزش کالاهای واسطه‌ای در بطن کالاهای نهایی منظور شده است و اگر بخواهیم ارزش آن‌ها را نیز محاسبه کنیم، گویی دو بار محاسبه شده‌اند؛ یک بار به عنوان کالای نهایی و مستقل و بار دیگر به صورت کالای واسطه‌ای و بخشی از کالای نهایی.

مثال: زنی برای ساخت گل‌های مصنوعی، ۱۰۰۰ تومان پارچه، رنگ، چسب و ... می‌خرد و پس از ساخت گل‌ها، آن‌ها را ۲۵۰۰ تومان می‌فروشد؛ بنابراین:

ارزش کار و فعالیت تولیدکننده + ارزش کالاهای واسطه‌ای = قیمت کالای نهایی
پارچه، رنگ، چسب و ...

۱۵۰۰ تومان + ۱۰۰۰ تومان = ۲۵۰۰ تومان

مشاهده می‌شود که قیمت کالاهای واسطه‌ای در قیمت کالای نهایی منظور شده است و برای محاسبه تولید کل نمی‌توان بار دیگر ارزش کالاهای واسطه‌ای (پارچه، رنگ، چسب و ...) را لحاظ نمود.

پس فقط «قیمت نهایی» کالا و خدمات رو در «تولید کل» منظور می‌کنیم؛ مثلاً در مثال بالا در محاسبه تولید کل نمایم به بار ۲۵۰۰ تومان رو که قیمت نهایی کالاست محاسبه کنیم و به بار هم ۱۰۰۰ تومان رو که پول مواد اولیه است؛ چون پول مواد اولیه به بار توی همون قیمت نهایی محاسبه شده و آگه دوباره محاسب کنیم، حساب کتابمون غلط از آب درمیار!

۳) قانونی و مجاز باشد

فعالیت‌های غیرقانونی اقتصادی (مانند قاچاق) که به آن‌ها تجارت و اقتصاد زیرزمینی هم گفته می‌شود، در تولید کل کشور محاسبه نمی‌شوند؛ زیرا

از این فعالیت‌ها آمار دقیقی در دست نیست.

محاسبه آن‌ها در تولید کل، نوعی مشروعیت‌دادن و مجازشمردن آن‌هاست که تالی فاسد دارد.

یعنی فعالیت افرادی رو که کالای قاچاق به کشور وارد می‌کنن نباید در تولید کل محاسبه کنیم؛ منظورمون همون آدم‌هایی هست که آگه کالای قاچاق رو از راه فشکی بیارن، بهوشون می‌کنن «کولبر» و آگه از راه دریا بیارن، بهوشون می‌کنن «پترباز»! و البته رئیس و رؤسای اون‌ا که همشون قاچاق و فلافه!

تولید ملی و داخلی

در اندازه‌گیری تولید هر کشور، براساس این که ملاک اصلی، محل تولید باشد یا ملت تولیدکننده، شاخص تولید به دو دسته داخلی و ملی تقسیم می‌شود؛ به این شرح که:

	تولید داخلی	تولید کل
اگر تولید داخل مرزهای یک کشور صورت گرفته باشد - اعم از این که تولیدکنندگان از اتباع آن کشور باشند یا خارجیان مقیم در کشور - به آن «تولید داخلی» می‌گویند. (از اسمش پیداست دیگه! تولید داخلی، یعنی تولید داخل مرزهای یک کشور! عجب راهنمایی‌ای کرد من!!)		
اگر تولید توسط اتباع (ملت) یک کشور انجام شده باشد - اعم از این که تولید داخل مرزهای یک کشور صورت گرفته باشد یا خارج از کشور - به آن «تولید ملی» می‌گویند. (اینم از اسمش پیداست دیگه! ملت و تولید ملی!)		

پس هواسمون باشه؛

تولید «داخلی» ایران، یعنی هرچی داخل مرزهای ایران تولید شده؛ چه اتباع ایرانی اون‌ا رو تولید کرده باشن و چه فارغی‌هایی که مقیم ایران هستن! پس اون چیزی که اهمیت داره «مکان» تولیدیه که باید ایران باشه!

تولید «ملی» ایران، یعنی هرچی فقط ایرانی‌ها تولید کردن؛ حالا هرکجای دنیا که بوده باشن! از ایرانی‌های مقیم ایران گرفته تا ایرانی‌های مقیم نیویورک! پس اون چیزی که اهمیت داره «ملیت» افراد تولیدکننده است که باید ایرانی و از اتباع ایران باشن!

تولید «ناخالص» ملی و داخلی

در بخش قبلی با اصطلاح «تولید کل» آشنا شدیم و اونو به دو بخش «تولید ملی» و «تولید داخلی» تقسیم کردیم! حالا می‌فوایم هرکدوم از این دو بخش رو نیز به دو دسته «خالص» و «ناخالص» تقسیم کنیم؛ مینامون واسه این تقسیم‌بندی چیه؟! «استهلاک»! یعنی آگه از تولید «ناخالص»، هزینه استهلاک رو کم کنیم، به تولید «خالص» می‌رسیم! تا این‌جا رو داشته باش تا بعداً مفصل درباره استهلاک بفرماییم! با این تقسیم‌بندی‌ها به جدول زیر می‌رسیم:

	ناخالص	داخلی
ارزش پولی کلیه کالاها و خدمات نهایی تولیدشده داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور در یک سال بدون کسر هزینه‌های استهلاک		
ارزش پولی کلیه کالاها و خدمات نهایی تولیدشده داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور در یک سال پس از کسر هزینه‌های استهلاک		
ارزش پولی کلیه کالاها و خدمات نهایی تولیدشده توسط افراد یک ملت در یک سال بدون کسر هزینه‌های استهلاک		
ارزش پولی کلیه کالاها و خدمات نهایی تولیدشده توسط افراد یک ملت در یک سال پس از کسر هزینه‌های استهلاک		

حالا «خالص»‌ها رو به گوشه ذهننت گه‌دار؛ چون الان باهاشون کاری نداریم! اول می‌فوایم بریم با «ناخالص» آشنا بشیم، بعدش می‌رسیم سراغ «خالص»‌ها! باشه؟!

الف) تولید ناخالص داخلی

در باره تولید ناخالص داخلی باید دانست:

- 1) تولید ناخالص داخلی عبارت است از: ارزش پولی تمام کالاها و خدمات نهایی که در طول یک سال داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور تولید می‌شود.
- 2) این نوع از تولید کل با علامت اختصاری GDP شناخته می‌شود که مخفف عبارت انگلیسی Gross Domestic Product می‌باشد.
- 3) از نامش پیداست! تولید داخلی، یعنی ارزش پولی تمام کالاها و خدماتی که ظرف یک سال در داخل کشور تولید شده؛ چه توسط ایرانیان مقیم در کشور و چه توسط خارجیان مقیم در کشور. به بیان بهتر در این نوع از تولید، «مکان تولید» مهم است (نه ملیت تولیدکنندگان).
- 4) در محاسبه تولید داخلی، تولیدات اتباع کشور (مثلاً ایرانیانی) که در خارج از کشور اقامت دارند، محاسبه نمی‌شود.
- 5) در محاسبه تولید داخلی، تولیدات بیگانگان و خارجیانی که در کشور مقیم هستند، منظور می‌گردد.

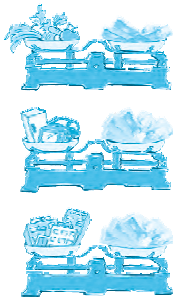
ب) تولید ناخالص ملی

در باره تولید ناخالص ملی لازم است بدانیم:

- 1) تولید ناخالص ملی عبارت است از: ارزش پولی تمام کالاها و خدمات نهایی که در طول یک سال توسط یک ملت تولید شده است.
- 2) این نوع از تولید کل با علامت اختصاری GNP شناخته می‌شود که مخفف عبارت انگلیسی Gross National Product می‌باشد.
- 3) از نامش پیداست! تولید ملی، یعنی ارزش پولی تمام کالاها و خدماتی که ظرف یک سال توسط ملت و اتباع یک کشور تولید شده؛ چه در داخل و چه در خارج از کشور. به بیان دیگر، در تولید ملی، «تابعیت و ملیت تولیدکنندگان مهم است» (نه مکان تولید).
- 4) در محاسبه تولید ملی، تولیدات خارجیان مقیم در کشور محاسبه نمی‌شود.
- 5) در محاسبه تولید ملی، تولیدات اتباع کشور (مثلاً ایرانیانی) که در خارج از کشور سکونت دارند، منظور می‌گردد.

(البعد وفاق گفته بودیم مفهوم «ارزش پولی» رو بعدن توضیح می‌دیم که الان همون بعدنه!)

در محاسبه تولید کل (چه ملی و چه داخلی) تمام تولیدات اعم از سبزی خوردن، ساختمان، ماشین‌آلات و ... لحاظ می‌شوند و بدیهی است که نمی‌توان ارزش تمام این موارد را با هم مقایسه نمود؛ یعنی نمی‌توان گفت: دو کیلو سبزی خوردن + یک برج ۱۰۰ طبقه + ۳ تراکتور = تولید کل!!



از آنجا که این تولیدات هم‌نوع نیستند، نمی‌توان آن‌ها را به همین شکل با هم جمع نمود تا به تولید کل رسید؛ بنابراین اقتصاددانان ارزش پولی این محصولات را با هم جمع می‌کنند؛ یعنی ابتدا قیمت آن‌ها را محاسبه می‌کنند و سپس این قیمت‌ها را با هم جمع می‌کنند تا میزان تولید کل به دست آید؛ مثلاً:

(ارزش پولی یک برج) یک میلیارد تومان + (ارزش پولی ۳ تراکتور) ۳ میلیون تومان = تولید کل
تومان ۱,۰۰۳,۰۰۲,۰۰۰ = (ارزش پولی ۲ کیلو سبزی) ۲۰۰۰ تومان +

جدول زیر در یک نگاه کلی، تفاوت تولید ناخالص داخلی و ملی را به نمایش می‌گذارد:

نوع تولید ناخالص	علامت اختصاری	معیار محاسبه	محاسبه تولیدات خارجی‌های مقیم در کشور	محاسبه تولیدات اتباع کشور مقیم در خارج
داخلی	GDP	مکان تولید (داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور)	✓	×
ملی	GNP	ملیت تولیدکنندگان (اتباع یک کشور)	×	✓

اهمیت تولید ناخالص داخلی یا ملی: تولید ناخالص داخلی (GDP) و تولید ناخالص داخلی (GNP)، هر دو از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی به شمار می‌روند که میزان زیاد آن‌ها، بیانگر موارد زیر است:

- 1) قدرت اقتصادی و تولیدی بیشتر
- 2) بهره‌وری بالاتر کشور
- 3) استفاده بهینه از همه عوامل تولید
- 4) درجه پیشرفت هر ملت و سطح زندگی اعضای آن

نکته...

اگرچه تعریف تولید داخلی و تولید ملی با هم تفاوت دارد، اما در غالب کشورهای جهان معمولاً مقدار این دو شاخص به هم نزدیک است، مگر در کشورهایی که:

- 1) نیروی کار و سرمایه‌های زیادی از آن‌ها در خارج از مرزهایشان کار می‌کنند. (مانند لبنان که تولید ملی آن بیشتر از تولید داخلی است).
- 2) مهاجرپذیر هستند و سرمایه‌های زیادی را در قالب تولیدکنندگان چندملیتی به کشور خود وارد می‌کنند. (مانند هنگ‌کنگ که تولید داخلی آن بیشتر است).

نتیجه: در اغلب کشورهای جهان (مانند ایران) می‌توان این دو شاخص را به جای هم به کار برد؛ زیرا جز در موارد استثنایی فوق، در سایر کشورها، میزان این دو شاخص به هم نزدیک است و تفاوت فاحشی میان آنها وجود ندارد.

حالا وقتشه به مسئله حل کنیم و ببینیم از مطالبی که تا این‌جا یاد گرفتیم، طرح مترم په پوری می‌تونه سؤال طراحی کنه! موافقی؟!

مسئله: در یک جامعه فرضی در مدت یک سال، کالاهای زیر تولید شده است. با توجه به ارزش کالاهای مذکور و سایر داده‌ها؛ مطلوب است:

الف) تولید ناخالص داخلی

ب) تولید ناخالص ملی

۱	ارزش ماشین‌آلات تولیدشده توسط اتباع مقیم در کشور	۷,۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۲	ارزش پوشاک تولیدشده توسط اتباع مقیم در کشور	۲,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۳	ارزش مواد غذایی تولیدشده توسط اتباع مقیم در کشور	$\frac{1}{5}$ مجموع ردیف‌های ۱ و ۲
۴	ارزش خدمات ارائه‌شده توسط اتباع مقیم در کشور	$\frac{1}{10}$ ارزش مواد غذایی
۵	ارزش کل کالاها و خدمات تولیدی توسط اتباع کشور مقیم در خارج کشور	$\frac{1}{4}$ ردیف ۶
۶	ارزش کل کالاها و خدمات تولیدی توسط خارجیان مقیم در داخل کشور	۲,۲۲۰,۰۰۰,۰۰۰
۷	هزینه استهلاك	$\frac{1}{3}$ ارزش ماشین‌آلات

(۱) الف) ۱۳,۸۷۱ میلیون ریال - ب) ۱۴,۱۰۱ میلیون ریال

(۲) الف) ۱۱,۴۲۱ میلیون ریال - ب) ۱۲,۶۵۱ میلیون ریال

(۳) الف) ۱۴,۱۰۱ میلیون ریال - ب) ۱۳,۸۷۱ میلیون ریال

پاسخ: گزینه «۱» اول بیا مواردی رو که توی جدول به صورت کسری و نامشخص نوشته شدن، مناسبه کنیم:

میلیون ریال $1,910 = \frac{1}{5} \times (9,550) = \frac{1}{5} \times (7,350 + 2,200) = \frac{1}{5} \times 9,550$ = مجموع ردیف‌های ۱ و ۲ $\times \frac{1}{5}$ = ارزش مواد غذایی تولیدشده توسط اتباع مقیم در کشور
 داری می‌پرسی بقیه صفرهای این اعداد کجا رفتن؟! نترس! جایی نرفتن! من موقتی اونا رو گذاشتم توی بییم تا اعداد کوتاه تر بشن و راحت تر محاسبات رو انجام بدیم؛ یعنی من با برداشتن ۶ تا صفر از همه اعدادی که به ریال بودن، اونا رو تبدیل به «میلیون ریال» کردم! به همین سادگی! تو هم توی حل مسائل از این روش استفاده کن! باور کن ضرر نمی‌کنی!

میلیون ریال $1,910 = \frac{1}{10} \times (1,910) = \frac{1}{10} \times$ ارزش مواد غذایی = ارزش خدمات ارائه‌شده توسط اتباع مقیم در کشور

میلیون ریال $1,110 = \frac{1}{4} \times 2,220 = \frac{1}{4} \times 6 = \frac{1}{4} \times$ ارزش کل کالاها و خدمات تولیدی توسط اتباع کشور مقیم در خارج کشور

میلیون ریال $2,450 = \frac{1}{3} \times 7,350 = \frac{1}{3} \times$ ارزش ماشین‌آلات = هزینه استهلاك

حالا اعدادی رو که به دست آوردیم توی جدول جایگزین می‌کنیم تا داده مجهولی نداشته باشیم و می‌ریم سراغ باقی محاسبات:

مجموع ارزش پولی کل کالاها و خدمات تولیدشده در داخل کشور (توسط اتباع کشور یا خارجیان مقیم در کشور) = تولید ناخالص داخلی

\Rightarrow (۱۹۱) ارزش خدمات + (۱,۹۱۰) ارزش مواد غذایی + (۲,۲۰۰) ارزش پوشاک + (۷,۳۵۰) ارزش ماشین‌آلات = تولید ناخالص داخلی

میلیون ریال $13,871 = (2,220)$ ارزش کل کالاها و خدمات تولید شده توسط خارجیان مقیم در کشور +

مجموع ارزش پولی کل کالاها و خدمات تولیدشده توسط اتباع کشور (در داخل یا خارج از کشور) = تولید ناخالص ملی

\Rightarrow (۱۹۱) ارزش خدمات + (۱,۹۱۰) ارزش مواد غذایی + (۲,۲۰۰) ارزش پوشاک + (۷,۳۵۰) ارزش ماشین‌آلات = تولید ناخالص ملی

میلیون ریال $14,101 = (2,450)$ ارزش کل کالاها و خدمات تولیدشده توسط اتباع کشور مقیم در خارج کشور +

اگه خوب دقت کنی، می‌بینی که تفاوت تولید داخلی و تولید ملی فقط در مورد آفر از محاسبات بالاست؛ یعنی «تولیدات اتباع کشور در خارج کشور» و «تولیدات خارجیان مقیم در کشور»؛

حالا دو زاریت کامل افتاد؟!

نکته...

همتا داری می‌پرسی چرا از عدد مربوط به «استهلاك» که در سطر آفر جدول اومده بود، هیچ استفاده‌ای نکردیم؟! جوابش اینه که سؤال از ما فقط تولیدات «ناخالص» (اعم از داخلی یا ملی) رو خواسته بود و تولید «خالص» را نخواست بود! باید هواسمون باشه که در محاسبه تولیدات «ناخالص»، به هزینه استهلاك هیچ کاری نداریم و توی محاسباتمون منظور ش نمی‌کنیم! شاید برای گمراه کردن ما به استهلاك اشاره شده باشه! اما ما که هواسمون جمع تر از این حرف‌هاست! مگه نه؟!

در مباحث قبلی، در فصول «تولید ناخالص داخلی» و «تولید ناخالص ملی» بیشتر توضیح دادیم، چون کتاب درسی هم بیشتر توضیح داده بود! حالا یاد می‌گیریم که وقتی از هر کدام

از اونا «هزینه‌های استهلاك» رو کم کنیم به تولید «خالص» می‌رسیم! به همین راحتی! اما لازمه که بیشتر در مورد استهلاك بدونیم؛

گفتیم که از مفهوم «استهلاک» برای توضیح تفاوت میان تولید ناخالص (ملی یا داخلی) و تولید خالص (ملی یا داخلی) استفاده می‌کنیم. یعنی برای محاسبه تولیدات خالص (داخلی / ملی) باید هزینه‌های استهلاک را از میزان تولیدات ناخالص (داخلی / ملی) کسر کنیم. **هالا استهلاک چیه؟ گوش کن تا بگم!**

استهلاک یعنی فرسوده شدن، خراب شدن و کاهش کارایی؛ یعنی بخشی از سرمایه‌های یک کشور (مانند ماشین‌آلات، ساختمان‌ها، ابزارها و وسایل و ...) به مرور زمان و در اثر استفاده مداوم از آنها فرسوده و مستهلک می‌شوند و یا حتی از بین می‌روند، بنابراین لازم است سالیانه هزینه‌هایی صرف تعمیر یا جایگزینی آنها شود. بنابراین:

$$\text{هزینه استهلاک} = \frac{\text{قیمت کالای سرمایه‌ای}}{\text{تعداد سال‌های عمر مفید کالای سرمایه‌ای}}$$

مثال: یک دستگاه چاپ ممکن است فقط ده سال عمر مفید داشته باشد و پس از گذشت ده سال، دیگر قابل استفاده نباشد و لازم باشد دستگاه جدیدی خریداری و جایگزین آن شود. مقدار پولی که خرج این جایگزینی می‌شود؛ «هزینه استهلاک» نام دارد.

نکته...

هزینه استهلاک = میزان سرمایه‌گذاری و پس‌انداز (برای کالای موردنظر)

مسائل مربوط به «استهلاک»

تیپ اول: محاسبه میزان استهلاک و درصد آن

مسئله ۱: اگر یک کالا ۲۰ سال عمر مفید داشته باشد و به قیمت ده میلیون تومان خریداری شده باشد، هزینه استهلاک سالیانه آن چه قدر است؟

- (۱) ۵,۰۰۰,۰۰۰ تومان (۲) ۵۰۰,۰۰۰ تومان (۳) ۱,۰۰۰,۰۰۰ تومان (۴) ۱۰۰,۰۰۰ تومان

پاسخ: گزینه «۲» برای محاسبه میزان استهلاک یک کالا در سال باید از فرمول زیر استفاده کنیم:

$$\text{هزینه استهلاک سالیانه} = \frac{\text{قیمت کالا}}{\text{تعداد سال‌های عمر مفید کالا}} = \frac{۱۰,۰۰۰,۰۰۰}{۲۰} = ۵۰۰,۰۰۰ \text{ تومان}$$

مسئله ۲: اگر تراکتوری به مبلغ ۳۰ میلیون تومان خریداری شده باشد و ۱۰ سال عمر مفید داشته باشد، هر سال چند درصد آن مستهلک می‌شود؟

- (۱) ۱ درصد (۲) ۳ درصد (۳) ۵ درصد (۴) ۱۰ درصد

پاسخ: گزینه «۴» برای محاسبه درصد استهلاک، ابتدا باید میزان استهلاک را به دست آوریم و سپس از فرمول زیر استفاده کنیم:

$$\text{درصد استهلاک} = \frac{\text{میزان استهلاک}}{\text{قیمت کالا}} \times ۱۰۰$$

بنابراین ابتدا داریم:

$$\text{تومان} = \frac{۳۰,۰۰۰,۰۰۰}{۱۰} = ۳,۰۰۰,۰۰۰ \text{ هزینه استهلاک در هر سال}$$

$$\text{درصد استهلاک} = \frac{۳,۰۰۰,۰۰۰}{۳۰,۰۰۰,۰۰۰} \times ۱۰۰ = ۱۰ \text{ درصد}$$

تیپ دوم: محاسبه عمر مفید کالا یا قیمت اولیه آن

مسئله ۱: اگر یک کالا به قیمت ۲۰ میلیون تومان خریداری شده باشد و هزینه استهلاک آن در هر سال ۵۰۰,۰۰۰ تومان باشد، عمر مفید این کالا

چند سال است؟

- (۱) ۴۰ سال (۲) ۵۰ سال (۳) ۱۰ سال (۴) ۲۰ سال

پاسخ: گزینه «۱» برای محاسبه تعداد سال‌های عمر مفید یک کالا، باید فرمول قبلی را اندکی تغییر دهیم و از فرمول زیر استفاده کنیم:

$$\text{عمر مفید کالا} = \frac{\text{قیمت کالا}}{\text{میزان استهلاک سالیانه}} = \frac{۲۰,۰۰۰,۰۰۰}{۵۰۰,۰۰۰} = ۴۰ \text{ سال}$$

مسئله ۲: اگر هزینه استهلاک یک کالا در سال، ۲۰۰ هزار تومان و عمر مفید این کالا ۱۰۰ سال باشد، قیمت اولیه کالا چه قدر بوده است؟

- (۱) ۲۰ میلیون ریال (۲) ۱۰ میلیون ریال (۳) ۲۰۰ میلیون ریال (۴) ۱۰۰ میلیون ریال

پاسخ: گزینه «۳» برای محاسبه قیمت اولیه کالا با توجه به میزان استهلاک و عمر مفید آن، باید از فرمول زیر استفاده کنیم:

$$\text{تومان} = ۲۰۰,۰۰۰ \times ۱۰۰ = ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ \text{ قیمت اولیه کالا}$$

دلیل استفاده از این فرمول هم که روشته دیگه! هزینه استهلاک، یعنی هر سال چه قدر از کالا، فرسوده و مستهلک می‌شه؛ هالا آگه این میزان فرسودگی رو در تعداد سال‌های عمر مفید هر کالا ضرب کنیم، می‌رسیم به همون قیمت اولیه‌ای که کالا رو باهاش فریدیم! هالا واسه این که جوابی رو که به دست آوردیم امتحان کنیم و ببینیم درسته یا نه، می‌تونیم جواب رو بنذاریم توی همون فرمول اولیه‌ای که از استهلاک یاد گرفته بودیم:

$$\text{تومان } 200,000,000 = \frac{20,000,000}{100} = \text{هزینه استهلاك در هر سال}$$

$$\frac{\text{قیمت کالا}}{\text{تعداد سال‌های عمر مفید کالا}} = \text{هزینه استهلاك در هر سال}$$

دیدي درست بود؟ توی هر مسئله آگه به پوایی که به دست آورده پوری شک کردی؛ سریع با فرمول اولیه امتحانش کن! به همین سادگی!
در ضمن حواسه که هست پرگزینه «ا» درست نیست؟ چون صورت سؤال به تومان و گزیننه‌ها به ریال! پوایی که به دست آوردیم ۲۰ میلیون تومان بود که می‌شه ۲۰۰ میلیون ریال؛ یعنی گزیننه «۳»!

تیب سوم: محاسبه قیمت جدید کالا

مسئله: یک دستگاه کالای سرمایه‌ای را به قیمت ۳۰ میلیون تومان خریداری کرده‌ایم؛ با فرض این‌که عمر مفید این کالا ۱۰۰ سال است، به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

(الف) هر سال چه مقدار به عنوان هزینه استهلاكی باید کنار گذاشته شود؟

(ب) اگر در دو سال آخر عمر مفید این کالا، قیمت آن ۲۰٪ افزایش داشته باشد، مجموع هزینه استهلاك دو سال آخر چه میزان خواهد بود؟
(پ) قیمت جدید این کالا کدام است؟

- (۱) ۶۰۰ هزار تومان - ۷۲۰ هزار تومان - ۷۲ میلیون تومان
(۲) ۳۰۰ هزار تومان - ۳۶۰,۰۰۰ هزار تومان - ۷۲ میلیون تومان
(۳) ۶۰۰ هزار تومان - ۳۶۰,۰۰۰ هزار تومان - ۳۶ میلیون تومان
(۴) ۳۰۰ هزار تومان - ۷۲۰ هزار تومان - ۳۶ میلیون تومان

پاسخ: گزیننه «۴» برای پاسخ به این مسئله، باید مراحل زیر را گام به گام طی کنیم:
(الف) محاسبه میزان استهلاك سالیانه

$$\text{تومان } 300,000,000 = \frac{30,000,000}{100} = \text{هزینه استهلاك سالیانه}$$

$$\frac{\text{قیمت کالا}}{\text{تعداد سال‌های عمر مفید کالا}} = \text{هزینه استهلاك سالیانه}$$

(پ) باید ۲۰٪ افزایش قیمت را محاسبه کنیم و سپس آن را به قیمت اولیه کالا اضافه کنیم:

$$\text{تومان } 6,000,000 = 30,000,000 \times 20\% = \text{میزان افزایش قیمت}$$

$$\text{تومان } 36,000,000 = 30,000,000 + 6,000,000 = \text{قیمت جدید کالا}$$

(ب) حال با توجه به قیمت جدید کالا، هزینه استهلاك سالیانه را محاسبه می‌کنیم:

$$\frac{\text{قیمت کالا}}{\text{تعداد سال‌های عمر مفید کالا}} = \text{هزینه استهلاك سالیانه با توجه به قیمت جدید کالا}$$

$$\text{تومان } 360,000 = \frac{36,000,000}{100} = \text{هزینه استهلاك سالیانه با توجه به قیمت جدید کالا}$$

چون صورت مسئله، مجموع استهلاك دو سال آخر را خواسته است، میزان استهلاك در یک سال را باید در عدد ۲ ضرب کنیم تا مجموع استهلاك دو سال را به دست آوریم:
 $\text{تومان } 720,000 = 360,000 \times 2 = \text{مجموع هزینه استهلاك دو سال آخر}$

نکته: ممکن است طراح محترم سؤال کنکور، به جای افزایش قیمت، «کاهش قیمت» کالا را مورد توجه قرار دهد، مثلاً در قسمت (ب) مسئله چنین بگوید:
«اگر در دو سال آخر عمر مفید این کالا، قیمت آن ۲۰٪ کاهش داشته باشد، ...»

در این مورد نیز ابتدا میزان کاهش را محاسبه می‌کنیم ($30,000,000 \times 20\% = 6,000,000$)، اما در ادامه، عدد به دست آمده را به جای آن‌که به قیمت اولیه کالا اضافه کنیم، از قیمت اولیه، کم می‌کنیم ($30,000,000 - 6,000,000 = 24,000,000$) که در این صورت قیمت جدید از قیمت اولیه کم‌تر می‌شود و سپس مجموع استهلاك دو سال آخر را با توجه به این قیمت محاسبه می‌کنیم.

آگه تویه کرده باشی، ما اول پاسخ قسمت (ب) رو به دست آوردیم و بعد پاسخ قسمت (ب) رو! گاهی وقتاً نمی‌شه پاسخ قسمت‌های مختلف به سؤال رو به ترتیب به دست آورد؛ بلکه باید ببینیم از چه طریقی سریع‌تر و آسون‌تر به جواب می‌رسیم و همون راهو دنبال کنیم!

تولید «خالص» داخلی یا ملی

در بخش‌های قبلی با روش محاسبه «تولید ناخالص (اعم از داخلی یا ملی)» و نیز با روش محاسبه «هزینه استهلاك» آشنا شدیم. حال اگر از تولید ناخالص، هزینه‌های استهلاك را کسر کنیم، به تولید «خالص» می‌رسیم؛ بنابراین:

$$\text{هزینه‌های استهلاك} - \text{تولید ناخالص ملی} = \text{تولید خالص ملی}$$

$$\text{هزینه‌های استهلاك} - \text{تولید ناخالص داخلی} = \text{تولید خالص داخلی}$$

آگه پندتا مسئله رو با هم حل کنیم، بهتر و دقیق‌تر مطلب رو متوجه می‌شی؛ مگه نه؟!

مسئله ۱: با توجه به اطلاعات زیر که مربوط به یک جامعه فرضی است، هزینه‌های استهلاك چند واحد پولی بوده است؟

- تولید خالص داخلی: ۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ واحد پولی

- تولید خالص ملی: ۹۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ واحد پولی

- تولید ناخالص داخلی: ۱۷۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ واحد پولی

- (۱) ۸۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (۲) ۳۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (۳) ۵۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (۴) ۴۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

پاسخ: گزینه «۳» همه اعداد داده شده در صورت سؤال، در داشتن ۹ صفر، مشترک هستند، پس ابتدا برای سهولت محاسبه، این صفرها را کنار می‌گذاریم و به اعداد، ۹۰، ۱۲۰ و ۱۷۵ می‌رسیم.

می‌دانیم که: هزینه‌های استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی

بنابراین: $۱۲۰ = ۱۷۵ - \text{هزینه‌های استهلاک}$ → هزینه‌های استهلاک = ۵۵

۹۰ صفر تا صفر رو به عدد به دست آمده اضافه می‌کنیم و به سراغ گزینه‌ها می‌رویم! گزینه «۳» پاسخ درسته!

نکته: به یاد داشته باشیم که برای محاسبه تولید خالص داخلی باید هزینه‌های استهلاک را از تولید ناخالص داخلی و برای محاسبه تولید خالص ملی باید هزینه‌های استهلاک را از تولید ناخالص ملی کسر کنیم؛ پس یعنی توی این سؤال نمی‌تونیم تولید قائل ملی (۹۰) رو از تولید ناخالص داخلی (۱۷۵) کسر کنیم و بگیریم هزینه استهلاک می‌شه ۸۵؛ چون یکیش ملی و یکیش داخلیه و از به پانس نیستن! این باست که می‌گیریم توی این سؤال تولید قائل ملی فقط واسه مردم آزاری درج شده و نباید هواس تو رو پرت کنه!

مسئله ۲: در کشوری، کالاهای زیر در مدت یک سال تولید شده است: مطلوب است:

مواد غذایی	تولید ناخالص داخلی
۴۰ تن از قرار هر تن ۲۰۰,۰۰۰ ریال	(الف) ۸۴۸ میلیون ریال - (ب) ۸۳۴ میلیون ریال
۳۵۰ دستگاه از قرار هر دستگاه ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال	(ب) تولید خالص داخلی
۵۰۰ عدد از قرار هر عدد ۲۰,۰۰۰ ریال	(۱) (الف) ۸۴۸ میلیون ریال - (ب) ۸۳۴ میلیون ریال
۴۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	(۲) (الف) ۸۳۴ میلیون ریال - (ب) ۸۴۸ میلیون ریال
۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال	(۳) (الف) ۸۴۳ میلیون ریال - (ب) ۸۴۸ میلیون ریال
	(۴) (الف) ۸۴۸ میلیون ریال - (ب) ۸۴۳ میلیون ریال

پاسخ: گزینه «۴» اول باید ارزش کالاها رو محاسبه کنیم و بعد بریم سراغ محاسبه تولید قائل و ناخالص داخلی، یعنی جمع کردن اعداد و یافتن پرتقال فروش!!

میلیون ریال ۸ = ریال ۸,۰۰۰,۰۰۰ = $۴۰ \times ۲۰۰,۰۰۰$ = ارزش مواد غذایی

میلیون ریال ۷۰۰ = $۳۵۰ \times ۲,۰۰۰,۰۰۰$ = ارزش ماشین‌آلات

میلیون ریال ۱۰۰ = ریال ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = $۵۰۰ \times ۲۰,۰۰۰$ = ارزش پوشاک

میلیون ریال ۸۴۸ = $۸ + ۷۰۰ + ۱۰۰ + ۴۰$ = تولید ناخالص داخلی

میلیون ریال ۸۴۳ = $۸۴۸ - ۵$ = هزینه‌های استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی

مسئله ۳: در یک جامعه فرضی در مدت یک سال کالاهای زیر تولید شده است. با توجه به ارزش کالاهای مذکور و سایر داده‌ها:

A	ارزش ماشین‌آلات	ارزش مواد غذایی	تولید خالص داخلی
B	ارزش پوشاک	ارزش مواد غذایی	(الف) تولید ناخالص داخلی در کشور به ترتیب از راست به چپ چند میلیون ریال است؟
C	ارزش پوشاک	ارزش مواد غذایی	(۱) ۳,۶۷۰ - ۳,۸۷۰
D	خدمات ارائه شده	ارزش پوشاک	(۲) ۳,۷۶۰ - ۳,۸۷۰
E	هزینه استهلاک	ارزش پوشاک	(۳) ۳,۶۷۰ - ۳,۷۸۰
	ارزش ماشین‌آلات	ارزش پوشاک	(۴) ۳,۷۸۰ - ۳,۷۶۰

پاسخ: گزینه «۱» برای حل این مسئله مراحل زیر را طی می‌کنیم:

(۱) با توجه به این که پاسخ سؤال به میلیون ریال خواسته شده است، در گام اول اعداد را به میلیون ریال تبدیل می‌کنیم؛ یعنی ۶ صفر آن‌ها را برمی‌داریم. (۲) باید با توجه به اطلاعات داده شده، ارزش خدمات و هزینه استهلاک را محاسبه کنیم؛ این گونه:

میلیون ریال ۹ = $۱ \times ۹ = ۱ \times ۹$ = ارزش پوشاک $\times \frac{1}{9}$ = خدمات ارائه شده

میلیون ریال ۲۰۰ = $۳۶۰ \times \frac{1}{18} = ۳۶۰ \times \frac{1}{18}$ = ارزش ماشین‌آلات $\times \frac{1}{18}$ = هزینه استهلاک

(۳) حال به سراغ محاسبه تولید ناخالص داخلی می‌رویم؛ برای این کار ارزش تمام تولیدات (تولید کالا + خدمات) را با هم جمع می‌کنیم، بدون این که به هزینه استهلاک توجهی داشته باشیم:

میلیون ریال ۳,۸۷۰ = $۹ + ۱۸۰ + ۸۱ + ۳,۶۰۰$ = تولید ناخالص داخلی

(۴) برای محاسبه تولید خالص داخلی، کار ساده‌ای پیش رو داریم، کافی است هزینه‌های استهلاک را از تولید ناخالص داخلی کم کنیم:

تولید خالص داخلی = هزینه‌های استهلاک - تولید ناخالص داخلی

میلیون ریال ۳,۶۷۰ = $۳,۸۷۰ - ۲۰۰$

مسئله ۴: در یک کشور فرضی، کالاهای جدول زیر در مدت یک سال تولید شده است. با توجه به رقم این تولیدات و سایر داده‌ها: (سراسری ۹۱)

الف) تولید ناخالص داخلی و تولید خالص داخلی این کشور به ترتیب (از راست به چپ) چند میلیون ریال است؟
ب) چنانچه جمعیت کل این کشور ۵۰ میلیون نفر باشد، «تولید خالص داخلی سرانه» آن کدام است؟

A	مواد غذایی	۵۰۰ تن از قرار هر تن	۳۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
B	ماشین‌آلات	۵,۰۰۰ دستگاه از قرار هر دستگاه	۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
C	پوشاک	۱۵,۰۰۰ عدد از قرار هر عدد	۵۰۰,۰۰۰ ریال
D	خدمات ارائه شده	$\frac{2}{3}$ ارزش پوشاک	
E	هزینه استهلاک	$\frac{1}{25}$ ارزش ماشین‌آلات	

- (۱) الف) ۲۷۵۵۹۹، ۲۶۷۵۰۰ (ب) ۵۲۰
(۲) الف) ۲۷۵۵۰۰، ۲۷۶۵۰۰ (ب) ۵۳۵۰
(۳) الف) ۲۲۷۵۰۰، ۲۶۷۵۰۰ (ب) ۵۲۵۰
(۴) الف) ۲۷۷۵۰۰، ۲۶۷۵۰۰ (ب) ۵۳۵۰

پاسخ: گزینه «۴» الف)

تولید خالص داخلی = تولید ناخالص داخلی پس از کسر هزینه‌های استهلاک

$$۵۰۰ \times ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \text{ ارزش کل مواد غذایی}$$

$$۵۰۰ \times ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۲۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \text{ ارزش کل ماشین‌آلات}$$

$$۱۵,۰۰۰ \times ۵۰۰,۰۰۰ = ۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \text{ ارزش کل پوشاک}$$

$$\frac{2}{3} \times ۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ \text{ ارزش خدمات}$$

حالا از اعدادی که داریم، ۶ تا صفر کم می‌کنیم (چون صورت سؤال گفته: میلیون ریال) و عمل جمع‌زدن رو انجام می‌دیم:

$$\text{میلیون ریال } ۲۷۷,۵۰۰ = ۱۵,۰۰۰ + ۲۵,۰۰۰ + ۷,۵۰۰ + ۵,۰۰۰ \text{ = تولید ناخالص داخلی}$$

$$\text{ریال هزینه استهلاک} = \frac{1}{25} \times ۲۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

$$\text{هزینه استهلاک} - \text{تولید ناخالص داخلی} = \text{تولید خالص داخلی}$$

$$\text{ریال } ۲۶۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۲۷۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

$$\text{میلیون ریال } ۲۶۷,۵۰۰ = \text{تولید خالص داخلی}$$

در صورت سؤال با توجه به حذف گزینه‌ها، دیگر نیازی به ادامه پاسخگویی نیست و گزینه (۴) را انتخاب می‌کنیم.

$$\text{ریال } ۵۳۵۰ = \frac{۲۶۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۵۰,۰۰۰,۰۰۰} = \text{تولید خالص داخلی سرانه} \quad \text{ب)}$$

$$\frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{جمعیت}} = \text{تولید خالص داخلی سرانه}$$

نکته...

برای محاسبه «تولید ناخالص داخلی سرانه» باید میزان تولید ناخالص داخلی را بر جمعیت کل کشور تقسیم نمود؛ یعنی:

$$\frac{\text{تولید ناخالص داخلی}}{\text{جمعیت کل کشور}} = \text{تولید ناخالص داخلی «سرانه»}$$

البته این فرمول فقط اختصاص به تولید ناخالص داخلی داخلی ندارد! این، به قاعده کلی هست که هر جا واژه «سرانه» رو دیدی، باید عددی که به دست آوردی رو بر جمعیت کل کشور تقسیم کنی! پس آگه مثلاً توی یه سؤال ازت پرسیدن تولید ناخالص «ملی» سرانه چه قدره؟ برو ببین تولید ناخالص ملی چه قدره، همون عدد رو بر تعداد کل جمعیت تقسیم کن!

البته مسائل مربوط به سرانه رو می‌شه به صورت‌های دیگه‌ای هم مطرح کرد؛ مثلاً:

مثال ۱: اگر تولید ناخالص داخلی کشوری ۸۰۰ میلیارد واحد پولی و تولید ناخالص داخلی سرانه همان کشور ۲۰۰ هزار واحد پولی باشد، این کشور چند نفر جمعیت دارد؟

پاسخ: برای پاسخ به چنین پرسشی تنها لازم است از فرمول زیر استفاده کنیم:

$$\text{نفر } ۴,۰۰۰,۰۰۰ = \frac{۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{۲۰۰,۰۰۰} = \text{تعداد جمعیت}$$

مثال ۲: اگر تولید خالص داخلی سرانه کشوری در سال گذشته ۲ میلیون واحد پولی بوده باشد و کشور مذکور ۳ میلیون نفر جمعیت داشته باشد، تولید خالص داخلی این کشور در سال گذشته چه قدر بوده است؟

پاسخ: از آن‌جا که تولید خالص داخلی سرانه عبارت است از حاصل تقسیم تولید خالص داخلی بر جمعیت کشور، پس برای پاسخ به این پرسش باید

$$\text{تولید خالص داخلی} = \text{تولید خالص داخلی سرانه} \times \text{تعداد جمعیت}$$

$$\text{واحد پولی } ۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۳,۰۰۰,۰۰۰ \times ۲,۰۰۰,۰۰۰ = \text{تولید خالص داخلی}$$

مسئله ترکیبی

توی مسئله بعد قراره هر پی تا این‌جا فوندریم رو به‌جا ببینیم! آگه آماده‌ای که بریم سراغ مسئله، آگه فکر می‌کنی هنوز آماده نیستی، برو به نگاه دیگه به مطالب قبلی بنداز و برگرد! آه‌باریکلا!

مسئله: جدول روبه‌رو دربارهٔ تولیدات یک کشور عربی

مواد غذایی	۳۰۰ تن از قرار هر تن ۲۰,۰۰۰ دینار
پوشاک	۴۰۰ عدد از قرار هر عدد ۱۰,۰۰۰ دینار
ماشین‌آلات	۱۵۰ دستگاه از قرار هر دستگاه ۶۰,۰۰۰ دینار
تولیدات اتباع کشور مقیم در خارج	۵,۰۰۰,۰۰۰ دینار
تولیدات شرکت‌های خارجی در کشور	۱۶,۰۰۰,۰۰۰ دینار
هزینهٔ استهلاک	۱۰٪ ارزش ماشین‌آلات
ارزش خدمات ارائه‌شده	یک سوم ارزش مواد غذایی
جمعیت کل	۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر

مفروض است؛ به ترتیب مطلوب است:

الف) GDP؟

ب) تولید خالص ملی؟

پ) تولید خالص داخلی سرانه؟

۱) ۳۷,۰۰۰,۰۰۰ دینار - ۳۴,۱۰۰,۰۰۰ دینار - ۵/۵ دینار

۲) ۳۷,۰۰۰,۰۰۰ دینار - ۲۵,۱۰۰,۰۰۰ دینار - ۱۰ دینار

۳) ۲۶,۰۰۰,۰۰۰ دینار - ۳۴,۱۰۰,۰۰۰ دینار - ۵/۵ دینار

۴) ۲۶,۰۰۰,۰۰۰ دینار - ۲۵,۱۰۰,۰۰۰ دینار - ۱۰ دینار

پاسخ: گزینهٔ «۲»

ابتدا باید اعداد مجهول در جدول را معلوم سازیم:

دینار ۶,۰۰۰,۰۰۰ = ۳۰۰ × ۲۰,۰۰۰ = ارزش مواد غذایی

دینار ۴,۰۰۰,۰۰۰ = ۴۰۰ × ۱۰,۰۰۰ = ارزش پوشاک

دینار ۹,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۵۰ × ۶۰,۰۰۰ = ارزش ماشین‌آلات

دینار ۹۰۰,۰۰۰ = ۱۰٪ × ۹,۰۰۰,۰۰۰ = هزینهٔ استهلاک

۱۰٪ یعنی یک دهم؛ پس برای محاسبهٔ هزینهٔ استهلاک به پای ضرب کردن ارزش ماشین‌آلات در ۱۰٪ می‌شه این عدد رو بر ۱۰ تقسیم کرد؛

دینار ۹۰۰,۰۰۰ = ۹,۰۰۰,۰۰۰ ÷ ۱۰ = هزینهٔ استهلاک

دینار ۲,۰۰۰,۰۰۰ = ۱/۳ × ۶,۰۰۰,۰۰۰ = ارزش خدمات

حالا ارزش مواد غذایی، پوشاک، ماشین‌آلات و خدمات را با هم جمع می‌کنیم:

۲۱,۰۰۰,۰۰۰ = ۶,۰۰۰,۰۰۰ + ۴,۰۰۰,۰۰۰ + ۹,۰۰۰,۰۰۰ + ۲,۰۰۰,۰۰۰ = مجموع ارزش مواد غذایی، پوشاک و ماشین‌آلات

الف) حالا که بفوایم تولید ناخالص داخلی رو حساب کنیم باید به این رقم، ارزش تولیدات شرکت‌های خارجی در کشور رو اضافه کنیم و آنگه بفوایم تولید ناخالص ملی رو حساب کنیم، باید به این رقم، ارزش تولیدات اتباع کشور مقیم در خارج رو اضافه کنیم؛ پس داریم:

دینار ۳۷,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۶,۰۰۰,۰۰۰ (تولیدات شرکت‌های خارجی در کشور) + ۲۱,۰۰۰,۰۰۰ = تولید ناخالص داخلی (GDP)

دینار ۲۶,۰۰۰,۰۰۰ = ۵,۰۰۰,۰۰۰ (تولیدات اتباع کشور مقیم در خارج) + ۲۱,۰۰۰,۰۰۰ = تولید ناخالص ملی (GNP)

ب) سؤال از ما رقم «تولید خالص ملی» را خواسته است، بنابراین هزینه‌های استهلاک را از تولید ناخالص ملی کسر می‌کنیم:

هزینهٔ استهلاک - تولید ناخالص ملی = تولید خالص ملی

دینار ۲۵,۱۰۰,۰۰۰ = ۲۶,۰۰۰,۰۰۰ - ۹۰۰,۰۰۰ = تولید خالص ملی

پ) سؤال از ما رقم «تولید ناخالص داخلی سرانه» را خواسته است، بنابراین باید رقم تولید ناخالص داخلی را بر جمعیت کشور تقسیم کنیم:

تولید ناخالص داخلی / جمعیت کشور = تولید ناخالص داخلی سرانه

دینار ۱۰ = ۳۷,۰۰۰,۰۰۰ / ۳,۷۰۰,۰۰۰ = تولید ناخالص داخلی سرانه

درآمد ملی

گفتیم که تولیدات خالص و ناخالص (اعم از ملی یا داخلی)، از جمله شاخص‌های مهم اقتصادی هستند و بدیهی است که هر تولیدی - اعم از ملی یا داخلی - درآمدی را برای تولیدکنندگان آن ایجاد می‌کند، بنابراین می‌توان درآمد (ملی / داخلی) را نیز که دقیقاً معادل تولید است، از شاخص‌های کلان و مهم اقتصادی دانست.

درآمد ملی، مجموع درآمدهایی است که در طول یک سال نصیب یک ملت می‌شود.

۱) درآمد حقوق‌بگیران (دستمزدها)

۲) درآمد صاحبان سرمایه (قیمت خدمات سرمایه)

۳) درآمد صاحبان املاک و مستغلات (اجاره)

۴) درآمد صاحبان مشاغل آزاد

۵) سود شرکت‌ها و مؤسسه‌ها

این درآمدها عبارت‌اند از:

برای محاسبهٔ درآمد، بر مبنای این‌که چه اطلاعاتی در اختیار ما قرار گرفته باشد، حسب مورد از یکی از فرمول‌های زیر استفاده می‌کنیم:

درآمد ملی = مزد + سود + اجاره

درآمد ملی = درآمد خدمات + درآمد کالاها

درآمد ملی = درآمد کشاورزی + درآمد صنعت

سودی که نصیب شرکت‌ها و مؤسسات می‌شود + درآمد صاحبان املاک + درآمد صاحبان سرمایه + حقوق (دستمزد) = درآمد ملی

درآمد صاحبان مشاغل آزاد +

مسئله: با توجه به اطلاعات مندرج در جدول روبه‌رو

در خصوص یک جامعه فرضی؛ مطلوب است:

دو برابر سود شرکت‌ها و مؤسسات	دستمزدها
۲۰۰ میلیارد واحد پولی	سود شرکت‌ها و مؤسسات
مجموع دستمزدها و درآمد صاحبان املاک و مستغلات	درآمد صاحبان سرمایه
یک سوم درآمد صاحبان مشاغل آزاد	درآمد صاحبان املاک و مستغلات
۶۰۰ میلیارد واحد پولی	درآمد صاحبان مشاغل آزاد
۲۰ میلیون نفر	جمعیت کل

- (الف) درآمد ملی؟
 (ب) درآمد سرانه؟
 (۱) الف) ۱۰۰۰ میلیارد - ب) ۲۰۰,۰۰۰
 (۲) الف) ۲۰۰۰ میلیارد - ب) ۲۰۰,۰۰۰
 (۳) الف) ۱۰۰۰ میلیارد - ب) ۱۰۰,۰۰۰
 (۴) الف) ۲۰۰۰ میلیارد - ب) ۱۰۰,۰۰۰

پاسخ: گزینه «۴»

برای پاسخ به این سؤال، ابتدا باید عدد دقیق همه ستون‌های درآمدی جدول را به دست بیاوریم؛ یعنی:

میلیارد واحد پولی $400 = 200 \times 2 =$ دستمزدها $\rightarrow 2 \times$ سود شرکت‌ها و مؤسسات = دستمزدها
 میلیارد واحد پولی $200 = 600 \div 3 =$ درآمد صاحبان املاک و مستغلات \rightarrow یک سوم درآمد صاحبان مشاغل آزاد = درآمد صاحبان املاک و مستغلات
 میلیارد واحد پولی $600 = 400 + 200 =$ درآمد صاحبان سرمایه \rightarrow مجموع دستمزدها و درآمد صاحبان املاک و مستغلات = درآمد صاحبان سرمایه
 برای محاسبه درآمد ملی باید همه ارقام درآمدی را با هم جمع بزنیم:

درآمد صاحبان مشاغل آزاد + درآمد صاحبان املاک و مستغلات + درآمد صاحبان سرمایه + سود شرکت‌ها و مؤسسات + دستمزدها = درآمد ملی
 میلیارد واحد پولی $2000 = 400 + 200 + 600 + 200 + 600 =$

قبل از محاسبه درآمد سرانه، ابتدا باید همه صفرهای «میلیارد» را به واحد پولی برگردانیم و سپس محاسبه را انجام دهیم:

واحد پولی $100,000 = \frac{2,000,000,000,000}{20,000,000} =$ درآمد سرانه

$\frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت}} =$ درآمد سرانه

محاسبه تولید کل جامعه

با توجه به این که کجا و در چه موقعیتی تولیدات یک کشور را اندازه‌گیری کنیم، روش‌های مختلفی برای محاسبه تولید کل کشور وجود دارد؛ این روش‌ها عبارت‌اند از:

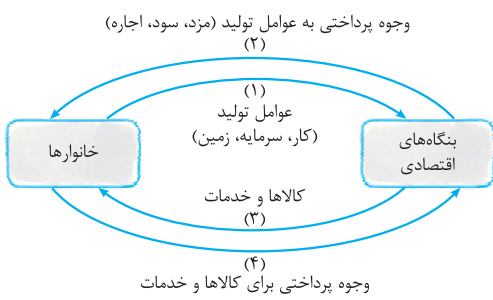
۱) روش هزینه‌ای

از اسمش پیداست دیگه؛ یعنی هر پولی رو که کل خانواده‌های جامعه برای تأمین کالاهای مصرفی خودتون هزینه کردن، با هم جمع می‌زنیم و به عدد حاصل می‌گیم «تولید کل»! پس؛ مجموع ارزش پولی تولیدات نهایی که به خانوارها فروخته می‌شود = تولید کل به روش «هزینه‌ای» همان‌گونه که از نام این روش پیداست، معیار محاسبه، هزینه‌ای است که برای خرید کالا و خدمات پرداخت می‌شود؛ یعنی در این روش، ارزش پولی (قیمت) تولیدات نهایی که به خانوارها فروخته می‌شود را جمع می‌زنیم و تولید کل را محاسبه می‌کنیم؛ بنابراین در روش هزینه‌ای: **۱** فرقی ندارد به دست فروشنده نگاه کنیم یا به دست مصرف‌کننده، زیرا ارزش پولی (قیمت) کالا و خدمات مشخص است و آنچه مصرف‌کننده برای خرید کالا و خدمات پرداخت می‌کند؛ دقیقاً معادل همان مبلغی است که فروشنده از فروش آن کالاها و خدمات به دست می‌آورد. **۲** نگران محاسبه تولیدات واسطه‌ای و مواد اولیه نیستیم، زیرا همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفتیم، هزینه کالاهای واسطه‌ای در بطن قیمت نهایی کالا یا خدمات منظور شده است؛ یعنی ارزش پولی تمام کالاهای واسطه‌ای را در محاسبه ارزش و قیمت کالاها و خدمات نهایی اندازه‌گیری کرده‌ایم.

۲) روش درآمدی

گفتیم که انجام هر فعالیت تولیدی برای تولیدکنندگان آن با ایجاد درآمد همراه است. بنابراین چون هر تولیدی که در کشور صورت می‌گیرد، درآمدی در پی دارد که بین عوامل تولید تقسیم شده است، با جمع‌زدن همه این درآمدها (مزدها / سودها / اجاره‌ها)، می‌توان درآمد همه بازیگران و فعالان اقتصادی داخلی یا ملی، یعنی همان تولید کل را محاسبه نمود.

مجموع درآمدها (مزد، اجاره، سود) در میان تمام خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی فعال در جامعه = تولید کل به روش «درآمدی»



روش‌های «هزینه‌ای» و «درآمدی» رو می‌شه در قالب نمودار مقابل هم نشون داد، این نمودار توی کتاب‌های درسی قدیمی اقتصاد بود و از کتاب درسی پرید حذف شده اما حالا تو به گگاهی بوش بندازی بد نیست! مطالبش همونایی هست که فوندی و بلدی!
 آگه بارت باشه گفتیم روش «هزینه‌ای» یعنی محاسبه پولی که خانوارها برای تهیه کالا و خدمات مورد نیاز خودتون پرداخت می‌کنن! خانوارها این پول‌ها رو به بنگاه‌های اقتصادی می‌دن و در ازایش، از اوتا کالا و خدمات دریافت می‌کنن! پس مسیر شماره (۴) که پریان و پویه پردفتی برای کالاها و خدمات رو از سوی خانوارها به سمت بنگاه‌های اقتصادی نشون می‌ده، بیابگر روش هزینه‌ای است!

حالا تو بگو روش «درآمدی» رو کدوم مسیر نشون می‌ده! آباریکلا! مسیر شماره ۲؛ چون آگه یادت باشه گفتیم در روش درآمدی، درآمدهای کسب شده از فعالیت‌های تولیدی رو با هم جمع می‌زنیم و گفتیم که این درآمد هم به صورت‌های «مزد، اجاره و سود» به افراد یعنی همون فانوارها پرداخت می‌شه! دیدی چه قدر مطالب این نمودار ساده بود؟!

۳۰ روش ارزش افزوده (= روش تولید)

در این روش تمام ارزش افزوده‌هایی که در مراحل مختلف تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی ایجاد می‌شوند، با هم جمع شده و تولید کل محاسبه می‌شود. (با مفهوم ارزش افزوده در درس‌های قبلی آشنا شده بودیم! یادته؟!)

مجموع ارزش افزوده در بخش‌های مختلف اقتصادی جامعه = تولید کل به روش «ارزش افزوده»

نکته...

محاسبه تولید کل از هر کدام از روش‌های فوق، به جواب یکسانی خواهد رسید؛ بنابراین برای جلوگیری از اشتباه، متولیان حسابداری کشور، تولید کل را حداقل با دو روش محاسبه و نتایج را با هم مقایسه می‌کنند.

مسئله: با فرض این‌که: کشاورزان هر کیلو گندم خود را به قیمت ۱۰۰۰ تومان به کارخانه‌های تولید آرد می‌فروشند، کارخانه‌های تولید آرد، گندم را به آرد تبدیل کرده و با قیمت هر کیلو ۱۵۰۰ تومان به فروشگاه‌های بسته‌بندی کننده آرد می‌فروشند، فروشگاه‌ها نیز پس از بسته‌بندی آرد در کیسه‌های یک کیلوگرمی و با احتساب هزینه‌های این کار، هر بسته آرد را به قیمت ۲۰۰۰ تومان به قنادی‌ها می‌فروشند، قنادی‌ها نیز پس از تبدیل هر کیلو آرد به شیرینی، آن را به قیمت ۳۵۰۰ تومان به خانوارها می‌فروشند؛ (شیرینی رو ارزون حساب کردیم مشتری بشی!) الف) در چند مرحله به ارزش کالا افزوده شده است؟ ب) ارزش افزوده در کدام مرحله بیشتر بوده است؟ پ) مجموع ارزش افزوده دو مرحله آخر چه قدر بوده است؟

- ۱) الف) سه مرحله - ب) مرحله سوم - پ) ۲۰۰۰ تومان
 ۲) الف) سه مرحله - ب) مرحله دوم - پ) ۱۵۰۰ تومان
 ۳) الف) چهار مرحله - ب) مرحله چهارم - پ) ۲۰۰۰ تومان
 ۴) الف) چهار مرحله - ب) مرحله سوم - پ) ۱۵۰۰ تومان

پاسخ: گزینه «۳» الف) به تعداد دفعاتی که بر روی یک کالا قیمت‌گذاری می‌شود، به ارزش آن کالا افزوده می‌گردد؛ بنابراین در این مسئله چون با ۴ قیمت مواجه هستیم، ۴ مرحله ارزش افزوده مشاهده می‌شود. یادمون نره که قیمت کالای اولیه (در این مسئله ۱۰۰۰ تومان) هم خودش به مرحله از ارزش افزوده به حساب میاد و توی شمارش مراحل باید اون رو هم منظور کنیم!

ب) برای پاسخ به این قسمت از سؤال، باید ارزش افزوده همه مراحل را جداگانه حساب کنیم و بعد ببینیم ارزش افزوده کدام مرحله از بقیه بیشتر بوده است:

قیمت کالای اولیه = ارزش افزوده مرحله اول

تومان ۱۰۰۰ = ارزش افزوده مرحله اول

قیمت کالا در مرحله اول - قیمت کالا در مرحله دوم = ارزش افزوده مرحله دوم

تومان ۵۰۰ = ۱۰۰۰ - ۱۵۰۰ = ارزش افزوده مرحله دوم

قیمت کالا در مرحله دوم - قیمت کالا در مرحله سوم = ارزش افزوده مرحله سوم

تومان ۵۰۰ = ۱۵۰۰ - ۲۰۰۰ = ارزش افزوده مرحله سوم

قیمت کالا در مرحله سوم - قیمت کالا در مرحله چهارم = ارزش افزوده مرحله چهارم

تومان ۱۵۰۰ = ۲۰۰۰ - ۳۵۰۰ = ارزش افزوده مرحله چهارم

پس ارزش افزوده مرحله آخر (مرحله چهارم) از سایر مراحل بیشتر بوده است.

پ) برای محاسبه پاسخ این قسمت از سؤال باید ارزش افزوده مراحل سوم و چهارم را با هم جمع کنیم: تومان ۲۰۰۰ = ۵۰۰ + ۱۵۰۰

GDP سبز: با توجه به این‌که رشد تولید از طریق افزایش تولیدات صنعتی موجب تخریب محیط زیست می‌شود، اقتصاددانان با کسر تخریب‌های زیست‌محیطی از کل تولیدات، GDP سبز را محاسبه می‌کنند.

(به پیروی توی همون مایه‌های تولید فاصله که با کسر هزینه‌های استهلاک به دست می‌اومد! یعنی GDP سبز هم با کسر هزینه‌های تقریب محیط زیست از تولید کل مناسبه می‌شه!)

شاخص‌های نسبی

کتاب درسی مثال فوبی زده که ما هم از همون استفاده می‌کنیم!

اگر صرفاً به عدد مطلق وزنه‌ای که هر کدام بلند می‌کنند، توجه شود، همیشه فیل برنده است!

در یک مسابقه وزنه‌برداری بین فیل و مورچه: اما اگر رکورد هر کدام را با توجه به وزن آن مقایسه کنیم (تقسیم وزنه بر وزن آن‌ها)، چه بسا که مورچه برنده شود!

با استفاده از تمثیل قبل می‌توان گفت: گاهی شاخص‌های مطلق اقتصادی، تصویر خوب و درستی از واقعیت نشان نمی‌دهند و برای رفع نقص آن‌ها باید از شاخص‌های نسبی استفاده کرد. دو نمونه از شاخص‌های نسبی را به شرح زیر می‌توان معرفی کرد:

الف) تقسیم متغیرهای مورد مقایسه بر تولید ملی

چون تولید ملی، حجم و بزرگی اقتصاد را نشان می‌دهد، معمولاً برای مقایسه میان عملکرد دو کشور (مثلاً میزان صادرات آن‌ها)، متغیرهای مورد نظر را بر تولید ملی تقسیم می‌کنند تا شاخص نسبی به دست آید؛ یعنی:

$$\text{شاخص نسبی} = \frac{\text{شاخص مورد نظر}}{\text{حجم کل اقتصاد (تولید ملی)}}$$

مثال: اگر میزان صادرات کشور مالزی ۵۰ میلیارد دلار و صادرات کشور جیبوتی ۵ میلیارد دلار باشد، به طور قطع نمی‌توان گفت که صادرات مالزی ۱۰ برابر صادرات جیبوتی است! **نقطه** با تقسیم اندازه صادرات بر حجم کل اقتصاد (تولید ملی) هر یک از این دو کشور، چه بسا به صورت نسبی، صادرات جیبوتی بیشتر باشد.
در مثال بالا اگر فرض کنیم تولید ملی مالزی برابر با ۵۰۰ میلیارد دلار و تولید ملی جیبوتی برابر با ۱۰ میلیارد دلار باشد، «شاخص نسبی» دو کشور به شرح زیر خواهد بود:

$$\text{شاخص نسبی جیبوتی} = \frac{۵}{۱۰} = ۰/۵ \quad \text{شاخص نسبی مالزی} = \frac{۵۰}{۱۰۰} = ۰/۱$$

ملاحظه می‌شود که از حیث وضعیت «شاخص نسبی»، جیبوتی در وضعیت بهتری نسبت به مالزی قرار دارد، چون عددش بزرگ‌تره درگه!

ب) تقسیم درآمد یا تولید ملی بر جمعیت کل کشور (شاخص‌های سرانه)

گاهی عامل مورد توجه در حجم اقتصاد، جمعیت است؛ یعنی برای مقایسه بهتر و دقیق‌تر بین دو کشور (یا یک کشور در طول زمان)، درآمد یا تولید ملی را بر جمعیت کشور تقسیم می‌کنند و شاخص نسبی با نام «درآمد سرانه» می‌سازند؛ یعنی:

$$\text{درآمد سرانه} = \frac{\text{درآمد (یا تولید) کل}}{\text{جمعیت کشور}}$$

قبلاً گفته بودیم، این با ۴ یادآوری می‌کنیم که شافص «سرانه»، از تقسیم شافص‌های دیگه اقتصادی بر جمعیت کل کشور به دست می‌آید!

نکته... با توجه به تفاوت چشمگیر جمعیت کشورهای مختلف، محاسبه شاخص‌ها به صورت «سرانه» می‌تواند معیار بهتری برای مقایسه سطح زندگی و رفاه افراد در جوامع مختلف باشد؛ **نقطه** شاخص سرانه بیانگر سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه است.

محاسبه تولید کل به قیمت جاری و قیمت ثابت

گفتیم که تولید کل جامعه (اعم از داخلی و ملی و اعم از خالص یا ناخالص) عبارت است از مجموع کالاهای تولیدشده و خدمات ارائه‌شده در یک سال؛ اما بدیهی است که نمی‌توان بیست تن سیب را با هزار جلد کتاب و تعمیرات ده یخچال و نظایر آن‌ها جمع کرد، ولی می‌توان ارزش پولی هر کدام را محاسبه و سپس ارزش‌های پولی آن‌ها را با هم جمع کنیم.

مثال: قیمت بیست تن سیب = ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال / قیمت هزار جلد کتاب = ۳,۵۰۰,۰۰۰ ریال / قیمت تعمیرده یخچال = ۱,۷۰۰,۰۰۰ ریال بنابراین تولید کل براساس ارزش پولی کالاها و خدمات برابر می‌شود با:

$$\text{ریال} \quad ۱۰,۲۰۰,۰۰۰ = ۵,۰۰۰,۰۰۰ + ۳,۵۰۰,۰۰۰ + ۱,۷۰۰,۰۰۰ = \text{تولید کل}$$

مسئله: اگر ارزش پولی تولید کل جامعه‌ای در سه سال متوالی به ترتیب ۱۰۰۰ و ۱۱۰۰ و ۱۲۵۰ میلیارد ریال باشد، آیا می‌توان گفت تولید کل این جامعه هر سال نسبت به سال قبل رشد داشته است؟

پاسخ: خیر؛ به مثال زیر توجه کنید:

اگر پایه قیمت را ۵۰۰ ریال و پایه تعداد کالا را ۱۰۰۰ عدد فرض کنیم:

قیمت هر کالا به ریال × تعداد کالاهای تولیدشده = تولید کل هر سال (به روش درآمدی)

$$\text{ریال} \quad ۵۰۰,۰۰۰ = ۱۰۰۰ \times ۵۰۰ = \text{تولید کل}$$

افزایش رقم تولید کل در یک سال نسبت به سال گذشته می‌تواند ناشی از یکی از عوامل زیر باشد:

الف) افزایش تعداد کالاهای تولیدشده؛ مثلاً به جای ۱۰۰۰ واحد، ۱۵۰۰ واحد کالا تولید شده باشد: ریال ۷۵۰,۰۰۰ = ۱۵۰۰ × ۵۰۰ = تولید کل

ب) افزایش قیمت هر واحد کالا؛ مثلاً قیمت هر واحد کالا، به جای ۵۰۰ ریال، ۷۰۰ ریال بوده باشد: ریال ۷۰۰,۰۰۰ = ۱۰۰۰ × ۷۰۰ = تولید کل

پ) افزایش قیمت هر واحد کالا در کنار افزایش تعداد کالاهای تولیدشده؛ مثلاً در سال دوم هم تعداد بیشتری کالا تولید شده باشد و هم قیمت کالا گران‌تر شده باشد: ریال ۹۰۰,۰۰۰ = ۱۲۰۰ × ۷۵۰ = تولید کل

پس افزایش رقم تولید کل همیشه به معنای افزایش تولید (= تولید شدن کالاهای بیشتر) نیست؛ گاهی ناشی از افزایش تولید (یعنی تعداد بیشتری کالا تولید کردیم)؛ گاهی ناشی از افزایش قیمت (یعنی کالای بیشتری تولید نکردیم بلکه همون اندازه کالا رو گرون‌تر فروختیم) و گاهی هم ناشی از افزایش توان تولید و قیمت (یعنی هم تعداد بیشتری کالا تولید کردیم و هم اونارو گرون‌تر فروختیم)؛ حالا موضوع برات روشن شد؟!

اگر جامعه دچار تورم باشد، مقدار تولید کل محاسبه شده در هر سال، رقم بزرگ تری را نشان می دهد که البته این رقم بزرگ لزوماً نشان دهنده افزایش تولید نیست. (بلکه ناشی از تورم و افزایش سطح قیمت ها است.)

به جدول زیر توجه کنید:

کالا	مقدار تولید در سال ۱۳۹۴	قیمت در سال ۱۳۹۴	مقدار تولید در سال ۱۳۹۵	قیمت در سال ۱۳۹۵	مقدار تولید در سال ۱۳۹۶	قیمت در سال ۱۳۹۶
سیب	۳۰۰۰ کیلو	۱۰	۳۰۰۰	۱۵	۳۲۰۰	۱۲
لوح فشرده	۲۰۰۰ عدد	۲۰	۱۵۰۰	۲۲	۲۵۰۰	۱۵

فرض کنید ایران فقط دو کالا (سیب و لوح فشرده) تولید می کند. برای محاسبه تولید کل (داخلی یا ملی) در سال های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵، باید مقدار تولید هر سال را در قیمت کالا در همان سال، ضرب و مجموع ارزش پولی آن را محاسبه کنیم:

$$\text{واحد پولی } ۷۰,۰۰۰ = (۱۰ \times ۳۰۰۰) + (۲۰ \times ۲۰۰۰) = \text{تولید کل در سال } ۱۳۹۴$$

$$\text{واحد پولی } ۷۸,۰۰۰ = (۱۵ \times ۳۰۰۰) + (۲۲ \times ۱۵۰۰) = \text{تولید کل در سال } ۱۳۹۵$$

به ظاهر تولید کل در سال ۹۵ نسبت به سال ۹۴، ۸۰۰۰ واحد پولی افزایش یافته است (۸,۰۰۰ = ۷۸,۰۰۰ - ۷۰,۰۰۰)؛ اما نگاهی به ارقام نشان می دهد تولید سیب نسبت به سال قبل ثابت مانده و تولید لوح فشرده کم تر شده است. در نتیجه انتظار می رفت که بگوییم تولید کل در مجموع کاهش یافته است؛ اما محاسبه این گونه نشان نداد؛ علت چیست؟

چون در محاسبه تولید ملی، ارزش پولی کالاها و خدمات را با هم جمع می کنیم، به دلیل افزایش قیمتی که در هر دو محصول پدید آمده بود، خروجی محاسبه، افزایش تولید کل را نشان داد، در حالی که اقتصاد طی یک سال گذشته در حقیقت تولید کم تری داشته است.

مشاهده کردیم که افزایش رقم تولید کل، همیشه نشان دهنده افزایش مقدار تولید نیست، بنابراین رقم تولید یک سال را نمی توان به صورت مستقیم با سال های قبل یا بعد از آن مقایسه کرد؛ زیرا مشخص نیست که افزایش یا کاهش تولید کل ناشی از تغییر در کدام عامل بوده است، مقدار یا قیمت یا هر دو؟

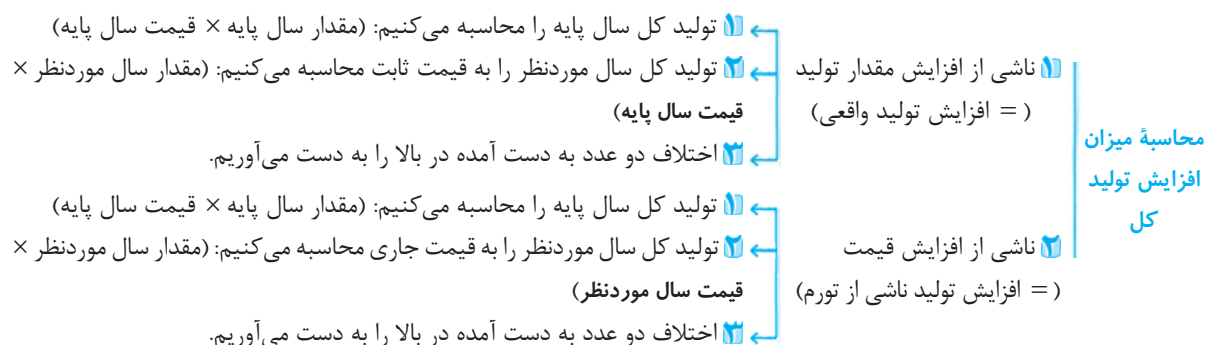
راه حل چیست و چگونه می توان تولید کل سال های مختلف را به طریقی صحیح با هم مقایسه نمود؟

باید قیمت کالاها و خدمات یک سال را به عنوان پایه قرار دهیم و تولید کل سال های دیگر را براساس قیمت کالاها و خدمات در سال پایه محاسبه کنیم؛ زیرا در این صورت اثر تغییرات قیمت در محاسبه تولید کل خنثی می شود و تغییرات در رقم تولید کل فقط حکایت از تغییر میزان تولید کالاها و خدمات خواهد داشت. در این مثال، اگر سال ۱۳۹۴ را سال پایه در نظر بگیریم، تولیدات سال ۱۳۹۵ را می باید براساس قیمت های سال ۱۳۹۴ ارزش گذاری کنیم. در این صورت تولید کل معادل می شود با:

$$\text{واحد پولی } ۶۰,۰۰۰ = (۱۰ \times ۳۰۰۰) + (۲۰ \times ۱۵۰۰)$$

بر این اساس، تولید کل در سال دوم به قیمت جاری برابر با ۷۸,۰۰۰ ریال و به قیمت ثابت (با در نظر گرفتن سال اول به عنوان سال پایه)، برابر با ۶۰,۰۰۰ ریال است که به درستی کاهش تولید کل کشور را نشان می دهد.

از مباحث پیش گفته می توان به صورت زیر نتیجه گیری نمود:



با توجه به تقسیم بندی بالا، تفاوت محاسبات فقط در استفاده از «قیمت سال پایه» و «قیمت سال موردنظر» است.

حالا قبل از این که بریم مسئله حل کنیم، چندتا فرمول رو با هم مرور کنیم:

$$\text{قیمت همان سال} \times \text{مقدار تولید هر سال} = \text{درآمد جاری}$$

$$\text{قیمت سال پایه} \times \text{مقدار تولید هر سال} = \text{درآمد ثابت}$$

$$\text{درآمد سال پایه} - \text{درآمد ثابت سال موردنظر} = \text{رشد درآمد حاصل از افزایش تولید}$$

$$\text{درآمد ثابت سال موردنظر} - \text{درآمد جاری سال موردنظر} = \text{رشد درآمد حاصل از افزایش قیمت ها (تورم)}$$

$$\text{درآمد سال پایه} - \text{درآمد جاری سال موردنظر} = \text{رشد درآمد}$$

حالا به مسئله حل می‌کنیم ببینیم مطلب رو درست فهمیدیم یا نه؟!

مسئله: تولید کل کشوری در سه سال متوالی، به ترتیب سال اول ۱,۵۰۰، سال دوم ۱,۷۰۰ و سال سوم ۱,۸۷۵ هزار میلیارد ریال بوده است. با گزینش سال اول به عنوان «سال پایه» تولید کل در سه سال موردنظر برحسب قیمت‌های «سال پایه» به ترتیب به ۱۵۰، ۱۶۵ و ۱۷۱ تغییر یافته است. براساس این محاسبات به ترتیب از (راست به چپ):

الف) کدام اعداد مربوط به «پدیده تورم» در سال دوم و سال سوم در این جامعه است؟

ب) افزایش مقدار تولید در سال دوم و سال سوم کدام است؟

- (۱) الف) ۵۰، ۱۶۵ - ب) ۱۵۰، ۲۱۰
(۲) الف) ۱۶۵، ۵۰ - ب) ۲۱۰، ۱۵۰
(۳) الف) ۵۰، ۱۶۵ - ب) ۲۱۰، ۱۵۰
(۴) الف) ۱۶۵، ۵۰ - ب) ۱۵۰، ۲۱۰

پاسخ: گزینه «۱» تورم یعنی افزایش قیمت؛ پس برای به دست آوردن عدد تورم (قسمت الف در پرسش فوق) باید از فرمول زیر استفاده کنیم:

تولید در سال دوم به قیمت پایه - تولید در سال دوم به قیمت جاری = تورم در سال دوم (افزایش قیمت‌ها در سال دوم)

هزار میلیارد ریال $50 = 165 - 170$

تولید در سال سوم به قیمت پایه - تولید در سال سوم به قیمت جاری = تورم در سال سوم (افزایش قیمت‌ها در سال سوم)

هزار میلیارد ریال $165 = 171 - 1875$

تولید در سال پایه - تولید در سال دوم به قیمت پایه = افزایش مقدار تولید در سال دوم

هزار میلیارد ریال $150 = 165 - 150$

تولید در سال پایه - تولید در سال سوم به قیمت پایه = افزایش مقدار تولید در سال سوم

هزار میلیارد ریال $210 = 171 - 150$

افزایش قیمت‌ها در سال دوم و سوم همان اعداد مربوط به پدیده تورم در این سال‌هاست که در قسمت اول محاسبه شدند.

البته باید توجه داشت که این دقت و ظرافت فقط در محاسبه تولید جامعه مورد توجه اقتصاددانان نیست، بلکه آن‌ها در محاسبه سایر شاخص‌های اقتصادی نیز (مانند میزان مصرف، صادرات، واردات و ...) به جای متغیرهای با قیمت‌های جاری (= متغیرهای اسمی)، از متغیرهای با قیمت ثابت (= متغیرهای حقیقی یا واقعی) استفاده می‌کنند.

اقتصاددانان به همه سیاست‌گذاران، اهالی رسانه و مردم توصیه می‌کنند که در تحلیل‌های خود (به ویژه وقتی پای مقایسه در میان است)، متغیرهای اقتصادی را به قیمت‌های ثابت محاسبه کنند، زیرا استفاده از متغیرهای اسمی به جای متغیرهای حقیقی، بسیار غلط‌انداز است.

مثال: اگر در رسانه‌ای اعلام شود که صادرات کشور ۲٪ افزایش داشته است، این اعلام چندان معنادار نیست، چرا که معلوم نیست افزایش در وزن و حجم بوده است و یا افزایش به قیمت‌های جاری یا به قیمت‌های ثابت سال پایه. چه بسا اگر مثلاً تورم جهانی ۳ درصد بوده و صادرات اسمی ۲ درصد افزایش یافته باشد، در حقیقت صادرات واقعی ۱۰ درصد هم کاهش یافته است. $(10\% = 20\% - 30\%)$

همچنین است حقوق و دستمزها و میزان سود بانکی یا سودهای سهام در بازار سرمایه که باید آن‌ها را به قیمت‌های ثابت (تورم در رفته = واقعی) مورد توجه قرار داد.

مثال: اگر دستمزد کارکنان دولت ۱٪ افزایش یابد و در همان زمان تورم ۱۰٪ باشد، در واقع قدرت خرید واقعی آنان تغییری نکرده است و یا اگر در همان حالت بانک‌ها به سپرده‌های مردم ۱۲٪ سود اسمی بپردازند، در واقع بعد از کسر تورم فقط ۲٪ سود واقعی داشته‌ایم. $(2\% = 12\% - 10\%)$

پرسش‌های چهارگزینه‌ای فصل چهارم

۱۶۸- کدام گزینه کامل‌ترین و بهترین تعریف از «حسابداری ملی» را ارائه می‌کند؟

- (۱) شاخه‌ای از علم اقتصاد که به اندازه‌گیری پارامترهای مهم اقتصادی در سطح جهانی و سطح داخلی می‌پردازد.
- (۲) شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی که با ارائه شاخص‌های گوناگون به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد.
- (۳) شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی که با ارائه شاخص‌های گوناگون، تولید خالص داخلی و تولید ناخالص ملی را اندازه‌گیری می‌کند.
- (۴) شاخه‌ای از علم اقتصاد که میزان صادرات و واردات و حجم نقدینگی، سطح عمومی قیمت‌ها و میزان مصرف و پس‌انداز خانوارها را محاسبه می‌کند.

۱۶۹- کدام مورد زیر کمک می‌کند تا تصویری روشن از اقتصاد و روند تغییرات آن و رفاه مردم ببینیم؟

- (۱) سطح رفاه ظاهری جامعه و میزان درآمد سرانه مردم
- (۲) بررسی و اندازه‌گیری‌های مرکز آمار، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و بانک مرکزی
- (۳) محاسبه تولید خالص ملی و تولید ناخالص داخلی
- (۴) محاسبه درآمد ملی و سطح فعالیت‌های تولیدی

۱۷۰- آمارهای اقتصادی در چند سطح ارائه می‌شوند؟

- (۱) در سه سطح: تولید خالص ملی - تولید خالص داخلی - درآمد ملی
- (۲) در سطوح چهارگانه: دولت - مصرف‌کنندگان - تولیدکنندگان - سازمان‌های ملی و بین‌المللی
- (۳) در چهار سطح: خرد - شهری - منطقه‌ای - کلان
- (۴) سطوح سه‌گانه: خانوار - شهری - ملی و بین‌المللی

۱۷۱- اقتصاددانان در چه مواردی نیازمند استفاده از آمارها و شاخص‌های اقتصادی هستند؟

- (۱) محاسبه تولید خالص و ناخالص ملی و داخلی و درآمد ملی برای تقسیم عادلانه بارانه‌ها
- (۲) بررسی وضعیت موجود و اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی و مطالعه روند تغییرات و یا نتایج سیاست‌های اقتصادی
- (۳) مطالعه روند صعودی یا نزولی سیاست‌های اقتصادی یک کشور و نوع دریافت مالیات و پرداخت یارانه
- (۴) بررسی وضعیت کنونی کشور و اعمال سیاست‌های انقباضی و انبساطی در صورت لزوم

۱۷۲- «این که جامعه‌ای در طول یک سال چه تعداد کالا و خدمت تولید می‌کند، اهمیت زیادی دارد»، عبارت کدام گزینه مصداق این اهمیت نمی‌باشد؟

- (۱) قدرت و توان اقتصادی جامعه را نشان می‌دهد.
- (۲) نشان‌دهنده سطح رفاه و درآمد اعضای جامعه می‌باشد.
- (۳) میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و امکان پیشرفت آتی جامعه را نشان می‌دهد.
- (۴) قانونی و مجاز بودن فعالیت‌های تولیدی و در نهایت، میزان واقعی GDP و GNP را مشخص می‌کند.

۱۷۳- «در حسابداری ملی فقط آن دسته از فعالیت‌های تولیدی (اعم از تولید کالا یا خدمات) در محاسبه و سنجش منظور می‌شود که شرایط خاصی

داشته باشد»، کدام گزینه بیان‌کننده این شرایط نمی‌باشد؟

- (۱) از بازار عبور کند.
- (۲) به تولید کالا یا خدمات نهایی منتهی شود.
- (۳) قانونی و مجاز باشد.
- (۴) در محدوده زمانی و مکانی معینی انجام شده باشند.

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۱۷۴- کدام یک از فعالیت‌های زیر در حسابداری ملی مورد محاسبه و سنجش قرار نمی‌گیرد؟

- | | |
|--------------------------------------|--|
| (الف) فعالیت تولیدی زنان در مزرعه‌ها | (ب) تعمیر جاروبرقی منزل توسط تعمیرکار |
| (پ) فعالیت زنان خانه‌دار در خانه | (ت) فروش سی‌دی‌های غیرمجاز در چهارراه‌ها توسط دست‌فروشان |
| (ث) تولید قطعات خودرو در کارخانه | |

(۴) الف، ب و ت

(۳) پ، ت و ث

(۲) الف، ت و ث

(۱) ب، پ و ت

۱۷۵- خانم جمالیان تمام زمان خود را به ارائه خدمات در منزل به همسر و فرزندان خود اختصاص می دهد و حتی در منزل به تولید و بافت فرش ابریشم برای استفاده در منزل مشغول است؛ آیا ارزش ربالی کالاها و خدمات تولیدی او در حسابداری ملی محاسبه می شود؟ چرا؟
 (۱) بله، زیرا شوهر ایشان به او نفقه می پردازد.
 (۲) بله، زیرا فعالیت های او قانونی و مجاز است.
 (۳) خیر، زیرا فعالیت های وی از بازار عبور نمی کند.
 (۴) خیر، زیرا کالا و خدمات نهایی تولید می کند.

(کلاننویس فرهنگی آموزش ۹۸)

۱۷۶- هر یک از موارد زیر به ترتیب فاقد کدام ویژگی برای محاسبه شدن در تولید کل جامعه است؟
 الف) چرمی که توسط یک کارگاه تولید کیف و کفش برای تولید محصولات چرمی خریداری می شود.
 ب) فردی برای مهمانی که در منزل خود برگزار می کند به پخت ۴۰۰ سیخ کباب اقدام می کند.
 پ) تلویزیون و یخچال هایی که توسط کولبران وارد کشور می شود.

- (۱) الف) به تولید کالا یا خدمات نهایی منتهی شدن - ب) از بازار عبور کردن - پ) قانونی و مجاز بودن
- (۲) الف) از بازار عبور کردن - ب) به تولید کالا یا خدمات نهایی منتهی شدن - پ) از بازار عبور کردن
- (۳) الف) به تولید کالا یا خدمات نهایی منتهی شدن - ب) به تولید کالا یا خدمات نهایی منتهی شدن - پ) قانونی و مجاز بودن
- (۴) الف) از بازار عبور کردن - ب) قانونی و مجاز بودن - پ) از بازار عبور کردن

۱۷۷- کدام یک از فعالیت های زیر در حسابداری ملی، محاسبه و در تولید کل کشور، منظور می گردد؟

- (۱) آقای کربلایی جعفر بسیار فنی هستند و لوازم برقی منزل اقوام را مجانی تعمیر می کنند.
- (۲) خانم نیکرویان فوق لیسانس زبان انگلیسی دارند و به فرزندان خود زبان درس می دهند.
- (۳) آقای میرزاجانی به تولید شماره گیر تلفن در بخشی از کارخانه تلفن سازی مشغول است و شماره گیرهایی به ارزش ۱۰۰۰ تومان تولید می کند.
- (۴) در روستایی در شمال کشور، زنان در شالیزارهای برنج برای تولید برنج ایرانی و اصل برای هم نوعان خود فعالیت می کنند.

(کلاننویس فرهنگی آموزش ۹۸)

۱۷۸- چند مورد از موارد زیر، هم زمان در حسابداری ملی و تولید ناخالص داخلی ایران محاسبه می شوند؟

«فروش رادیوی ماشین سرقتی به مال خر، تولید یک دوچرخه توسط دو فرد چینی در ایران، تعمیر کولر همسایه در ازای دریافت پول، فروش لامپ تصویر به کارخانه تولید تلویزیون و تولید پوشاک توسط یک ایرانی در هند»

- (۱) یک
- (۲) دو
- (۳) سه
- (۴) چهار

۱۷۹- چرا ارزش کالاها یا خدمات واسطه ای در تولید کل جامعه محاسبه نمی شود؟

- (۱) عمدتاً قانونی و مجاز نیستند.
 - (۲) نهایتاً در بطن کالاها نهایی محاسبه می شوند.
 - (۳) مبلغ آن ها آن چنان زیاد نیست که ارزش محاسبه را داشته باشند.
 - (۴) کالاها یا خدمات واسطه ای در محدوده مکانی معینی تولید نمی شوند تا قابل محاسبه باشند.
- ۱۸۰- عده ای از کشاورزان در یکی از استان های شمالی ایران، ۲۰۰ کیلو برنج تولید کرده اند که از این مقدار، ۵۰ کیلو توسط خانوارهایشان به مصرف رسیده است و ۵۰ کیلو دیگر در بازار توسط خود کشاورزان مستقیماً به مردم برای مصارف خانگی فروخته شده است و ۱۰۰ کیلو دیگر توسط تولیدکنندگان شیرینی خریده شده و برای تهیه ۱۰۰ کیلو شیرینی برنجی مورد استفاده قرار گرفت. اگر قیمت برنج کیلویی ۲۵۰۰ تومان و قیمت شیرینی برنجی کیلویی ۴۰۰۰ تومان باشد؟

(کلاننویس فرهنگی آموزش ۹۸)

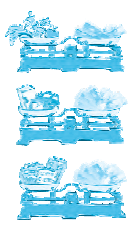
الف) با توجه به فعالیت های ذکر شده چه میزان به عنوان تولید کل جامعه، در نظر گرفته می شود؟

ب) ارزش کلای واسطه ای تولید شده در این جامعه چه قدر است؟

- (۱) الف) ۶۲۵,۰۰۰ تومان - ب) ۲۵۰,۰۰۰ تومان
- (۲) الف) ۵۲۵,۰۰۰ تومان - ب) ۲۵۰,۰۰۰ تومان
- (۳) الف) ۶۲۵,۰۰۰ تومان - ب) ۱۲۵,۰۰۰ تومان
- (۴) الف) ۵۲۵,۰۰۰ تومان - ب) ۱۲۵,۰۰۰ تومان

۱۸۱- شکل روبه رو به چه مسئله ای اشاره دارد؟

- (۱) تولید، گونه های مختلفی دارد و در حسابداری ملی، همه این گونه ها با یک ترازو و معیار، یعنی پول سنجیده می شود.
- (۲) تولیدات داخلی (داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور) به واحد پولی همان کشور و تولیدات خارجی به دلار آمریکا محاسبه می شود.
- (۳) در حسابداری ملی، فقط تولیداتی محاسبه می شوند که از بازار عبور کنند؛ این فعالیت ها چه در محاسبه داخلی، چه ملی لحاظ می گردد.
- (۴) ارزش کالاها واسطه ای را یک بار در بطن کالاها نهایی و یک بار به طور مستقل محاسبه می کنیم که نشانگر اهمیت آن هاست.



۱۸۲- هر یک از موارد زیر، تعریف کدام نوع از تولید است؟

- الف) ارزش کلیه تولیدات سالانه یک کشور با در نظر گرفتن تولید خارجیان مقیم آن کشور منهای هزینه استهلاک
- ب) جمع تولیدات کل سالانه یک کشور را به اضافه تولیدات کل آن ملت در هر کجای دنیا منهای کلیه تجهیزات و هر آن چه مستهلک شده
- (۱) الف) تولید ناخالص ملی - ب) تولید ناخالص داخلی
- (۲) الف) تولید ناخالص داخلی - ب) تولید ناخالص ملی
- (۳) الف) تولید خالص ملی - ب) تولید ناخالص داخلی
- (۴) الف) تولید خالص داخلی - ب) تولید خالص ملی

۱۸۳- خالص یا ناخالص بودن تولید ملی و داخلی، ناشی از چیست؟

- (۱) کسر هزینه های جایگزینی سرمایه های فرسوده شده
- (۲) تقسیم تولیدات ملی یا داخلی به جمعیت مقیم یا اتباع خارج از کشور
- (۳) محاسبه کالاها واسطه ای در بطن کالاها نهایی یا محاسبه مستقل آن ها
- (۴) کسر هزینه فعالیت های اقتصادی اشخاص بدون دریافت پول

۱۸۴- نقاط اشتراک GDP و GNP در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) هر دو بیانگر بالابودن نیروی کار و سرمایه‌های داخلی در برخی کشورها و ازدیاد منابع طبیعی و معادن در برخی دیگر از کشورها است.
 (۲) میزان زیاد آن‌ها بیانگر قدرت تولیدی و اقتصادی بیشتر و بهره‌وری بالاتر و استفادهٔ بهینه از همهٔ عوامل تولید است.
 (۳) ازدیاد آن‌ها بیانگر اشتغال کامل و حل مشکل بیکاری در کشورهای در حال توسعه و حرکت به سمت رشد اقتصادی است.
 (۴) حضور چشمگیر تولیدکنندگان چندملیتی موجب اختلاف در سطح تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی می‌شود.
- ۱۸۵- در برخی موارد از این دو شاخص به عنوان درجهٔ پیشرفت هر ملت و سطح زندگی اعضای آن نیز استفاده می‌شود. منظور از این دو شاخص در کدام گزینه آمده؟

- (۱) تولید خالص ملی و تولیدات خالص داخلی
 (۲) تولید خالص داخلی و درآمد سرانه
 (۳) تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی
 (۴) تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه

۱۸۶- چه رابطه‌ای بین تولید ناخالص ملی و داخلی وجود دارد؟

- (۱) هم در تعریف، با هم تفاوت دارند و هم در عمل، خصوصاً در مواردی همچون کشور هنگ کنگ یا لبنان.
 (۲) در تعریف، با هم تفاوت دارند، اما در عمل همواره به جای هم به کار می‌روند، زیرا همواره عدد یکسان یا مشابهی را نشان می‌دهند.
 (۳) در تعریف، با هم تفاوت ندارند، ولی در عمل جز در مواردی استثناً، به جای هم به کار می‌روند.
 (۴) در تعریف، با هم تفاوت دارند، اما در عمل جز در مواردی استثناً، تفاوت فاحشی با هم ندارند و به جای یکدیگر به کار می‌روند.

۱۸۷- «کشوری، تولید ناخالص ملی‌اش بیشتر از تولید داخلی‌اش است.» کدام کشور نمونه‌ای از این شرایط است؟ چرا؟

- (۱) هنگ‌کنگ، زیرا نیروی کار در این کشور بسیار ارزان است و صادرات نیروی انسانی به خارج از کشور بالاست.
 (۲) لبنان، زیرا نیروی کار و سرمایه‌های زیادی از آن در خارج از مرزها کار می‌کنند.
 (۳) هنگ‌کنگ، زیرا در این کشور، حضور چشمگیری از تولیدکنندگان چندملیتی وجود دارد.
 (۴) لبنان، زیرا این کشور دچار جنگ بوده و بهره‌وری نیروی کار آن به طور کلی پایین آمده است.

۱۸۸- چرا در کشوری همچون هنگ‌کنگ تفاوت فاحشی بین مقدار GDP و GNP وجود دارد؟

- (۱) زیرا در کشور هنگ‌کنگ حضور چشمگیری از تولیدکنندگان چندملیتی وجود دارد.
 (۲) برای این‌که این کشور به میزان بالایی، صادرات نیروی کار و سرمایه دارد.
 (۳) زیرا این کشور در حال طی مسیر توسعه‌یافتگی است، اما با فزونی جمعیت مواجه است.
 (۴) چون ارزش دلار در این کشور بسیار بالاست و در مقابل، پول خودش به دلیل بی‌درایتی اقتصادی کم‌ارزش گشته است.

۱۸۹- در کشوری فرضی، عدهٔ زیادی از جوانان به علت پایین بودن دستمزدها به کشورهای همسایه مهاجرت کرده‌اند. هم‌چنین بسیاری از ثروتمندان این کشور به علت شرایط بد اقتصادی، سرمایه‌های خود را از کشور خارج کرده و از طریق ویزای سرمایه‌گذاری به کانادا مهاجرت کرده‌اند. کدام گزینه در مورد توضیح بالا صحیح‌تر می‌باشد؟

- (۱) تولید ناخالص داخلی دو برابر میزان تولید ناخالص ملی است.
 (۲) تولید خالص ملی و داخلی برابر اما تولید ناخالص داخلی و ملی با هم برابر است.
 (۳) تولید ناخالص ملی این کشور به مراتب بیشتر از تولید ناخالص داخلی است.
 (۴) تولید خالص و ناخالص ملی با تولید خالص و ناخالص داخلی کاملاً برابر است.
- ۱۹۰- در جامعه‌ای فرضی، میزان تولید خالص ملی ۹۸۱,۰۰۰,۰۰۰ تومان است. اگر ارزش کلی ماشین‌آلات، معادل ۵۰ میلیون تومان و عمر مفید آن‌ها ۵۰ سال باشد،

الف) درصد استهلاک سالیانه کدام است؟

- (۱) الف) ۲۰٪ - ب) ۹۸,۰۰۰,۰۰۰ تومان
 (۲) الف) ۲٪ - ب) ۹۸۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان
 (۳) الف) ۲۰٪ - ب) ۹۷۱,۰۰۰,۰۰۰ تومان
 (۴) الف) ۲٪ - ب) ۹۷۱,۰۰۰,۰۰۰ تومان

۱۹۱- با توجه به جدول مقابل تولید ناخالص داخلی کدام است؟

مواد غذایی ۳۰ تن از قرار هر تن	۲۰۰,۰۰۰ ریال	۱) ۱,۶۲۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال
پوشاک ۲۰۰۰ عدد از قرار هر عدد	۲۰,۰۰۰ ریال	۲) ۲۴,۲۲۰,۰۰۰ ریال
ماشین‌آلات ۴۰۰ دستگاه از قرار هر دستگاه	۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال	۳) ۱,۶۶۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال
خدمات ارائه‌شدهٔ سالیانه	۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	۴) ۱,۶۴۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۱۹۲- در کشوری فرضی، کالاهای زیر در مدت یک سال تولید شده است. با توجه به رقم این تولیدات، تولید ناخالص داخلی و تولید خالص داخلی این کشور (به ترتیب) کدام‌اند؟

- مواد غذایی ۵۰ تن از قرار هر تن ۲۰۰,۰۰۰ ریال
 ماشین‌آلات ۶۰۰ دستگاه از قرار هر دستگاه ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال
 استهلاک در هر سال ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
 (۱) ۲۰۵,۲۳۰,۰۰۰ - ۵۵,۲۳۰,۰۰۰
 (۲) ۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۳,۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰
 (۳) ۳,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۳,۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰
 (۴) ۹۴,۷۷۰,۰۰۰ - ۵۵,۲۳۰,۰۰۰

۱۹۳- در جامعه‌ای فرضی، میزان تولید ناخالص ملی معادل ۴۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد، اگر هزینهٔ استهلاک ۱۰٪، GNP باشد، آن‌گاه تولید خالص ملی این جامعه چه قدر است؟

- (۱) ۴۳,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (۲) ۵۰,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (۳) ۴,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (۴) ۴۱,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۱۹۴- یک پیمانکار ساختمانی، برای یکی از دستگاه‌های بالابر خود، سالانه ۵ میلیون ریال، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری جدید می‌کند. اگر هزینه استهلاک این دستگاه، $\frac{1}{25}$ قیمت اولیه آن باشد،

(الف) قیمت اولیه دستگاه چه مبلغی است؟

(ب) عمر مفید آن، چند سال است؟

(پ) هزینه استهلاک سالیانه دستگاه، چه میزان است؟

(ت) اگر در دو سال آخر عمر دستگاه، ۵۰ میلیون ریال به قیمت آن افزوده شده باشد، هزینه استهلاک دو سال آخرش چه قدر است؟

(۱) الف) ۲۳۰ میلیون ریال - ب) ۲۵ سال - پ) ۵ میلیون ریال - ت) ۱۴ میلیون ریال

(۲) الف) ۱۲۵ میلیون ریال - ب) ۲۵ سال - پ) ۵ میلیون ریال - ت) ۱۴ میلیون ریال

(۳) الف) ۲۳۰ میلیون ریال - ب) ۲۰ سال - پ) ۱۰ میلیون ریال - ت) ۳ میلیون ریال

(۴) الف) ۱۲۵ میلیون ریال - ب) ۲۰ سال - پ) ۱۰ میلیون ریال - ت) ۳ میلیون ریال

۱۹۵- در کشوری فرضی، سالانه معادل ۵۰ تن مواد غذایی از قرار هر تن ۲۰۰،۰۰۰ ریال و ۳۱۰ دستگاه ماشین از قرار هر یک ۳،۰۰۰،۰۰۰ ریال تولید می‌گردد. همچنین در این کشور در هر سال ۵۰۰ پوشاک از قرار هر عدد ۲۰،۰۰۰ ریال تولید می‌گردد. همچنین اگر خدمات ارائه‌شده در هر سال معادل ۵،۰۰۰،۰۰۰ و استهلاک سالیانه نیز معادل ۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال باشد، مقدار GDP و تولید خالص داخلی کدام است؟ (در حالی که تولیدات ایرانیان مقیم کانادا معادل ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ دلار باشد).

(۱) ۱،۱۳۵،۰۰۰،۰۰۰ - ۱۱۳۴ میلیارد ریال

(۲) ۱،۱۳۶،۰۰۰،۰۰۰ - ۱،۱۳۵،۰۰۰،۰۰۰

(۳) ۱،۱۵۵،۰۰۰،۰۰۰ - ۱۱۵۵ میلیارد ریال

(۴) ۱،۱۵۶،۰۰۰،۰۰۰ - ۱،۱۵۵،۰۰۰،۰۰۰

۱۹۶- در کشور هنگ‌کنگ جدول روبه‌رو مفروض است. تولید خالص

ملی و تولید ناخالص داخلی در کدام گزینه به ترتیب آمده است؟

(۱) ۳،۷۷۸،۰۰۰،۰۰۰ - ۳،۷۸۱،۰۰۰،۰۰۰

(۲) ۳،۹۰۳،۰۰۰،۰۰۰ - ۳،۷۸۱،۰۰۰،۰۰۰

(۳) ۳،۷۷۸،۰۰۰،۰۰۰ - ۳،۹۰۶،۰۰۰،۰۰۰

(۴) ۳،۷۸۱،۰۰۰،۰۰۰ - ۳،۹۰۳،۰۰۰،۰۰۰

مواد غذایی معادل ۳۰۰ تن از قرار هر تن ۸۰۰،۰۰۰ ریال

پوشاک ۴۰۰۰ عدد از قرار هر یک ۴۰،۰۰۰ ریال

ماشین‌آلات ۵۰۰ دستگاه از قرار هر دستگاه ۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال

تولید هنگ‌کنگی‌های مقیم ژاپن معادل ۳،۰۰۰،۰۰۰ ریال

تولید سرمایه‌گذاران چندملیتی مقیم هنگ‌کنگ معادل ۶،۰۰۰،۰۰۰ ریال

خدمات ارائه‌شده معادل ۱،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال

استهلاک سالیانه معادل ۵٪ ارزش کل ماشین‌آلات

۱۹۷- در صورتی که:

درآمد حقوق بگیران ۲۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ تومان

عایدی صاحبان املاک و مستغلات ۳۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ تومان

سود دریافتی شرکت‌ها و مؤسسات ۱۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ تومان

درآمد ملی و درآمد سرانه این کشور با جمعیت ۱۰۰ میلیون نفر به ترتیب کدام است؟

(۱) ۱۳۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ تومان - ۱۲۹،۹۰۰ تومان

(۲) ۱۰۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ تومان - ۱۰۴،۹۰۰ تومان

(۳) ۱۳۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ تومان - ۱،۳۰۰ تومان

(۴) ۱۰۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ تومان - ۱،۰۵۰ تومان

۱۹۸- در کشور A واقع در جنوب شرقی آسیا، درآمدهای زیر در طول یک سال به صاحبان عوامل تولید رسیده است و کل صادرات این کشور در همان سال ۳۸۶۰ میلیارد واحد پولی بوده است؛ اگر جمعیت این کشور ۵۰ میلیون نفر باشد، در این صورت:

(الف) درآمد ملی کشور چه قدر است؟

(ب) اگر تولید کل این کشور را از روش «هزینه‌ای» محاسبه کنیم، مقدار آن چه تغییری خواهد کرد؟

(پ) اگر کشور B در همسایگی این کشور، دارای صادراتی برابر با ۷۷۲۰ میلیارد واحد پولی و تولید کل ۱۵،۴۴۰ میلیارد واحد پولی باشد، کدام کشور در صادرات، موفق‌تر بوده است؟

(ت) درآمد سرانه کشور A چه میزان است؟

(ث) به ترتیب کدام ردیف از درآمدها، «قیمت خدمات سرمایه» و «اجاره» است؟

(ج) درآمد کارکنان و کارگران، موضوع ردیف‌های ۴ و ۵ به تفکیک محاسبه شده‌اند.

(د) درآمد صاحبان املاک و مستغلات ۳۸۶،۰۰۰ واحد پولی - (ت) کشور B - (پ) کشور A - (ث) ۱ و ۶

(ه) درآمد صاحبان سرمایه ۳۹،۱۰۰ میلیارد واحد پولی - (ب) برابر با ۳۹،۱۰۰ میلیارد واحد پولی خواهد شد. - (پ) کشور A - (ت) ۷۸۲،۰۰۰ واحد پولی - (ث) ۱ و ۶

(و) درآمد صاحبان املاک و مستغلات ۱۹،۳۰۰ میلیارد واحد پولی - (ب) برابر با ۱۹،۳۰۰ میلیارد واحد پولی خواهد شد. - (پ) کشور B - (ت) ۳۸۶،۰۰۰ واحد پولی - (ث) ۱ و ۶

(ز) درآمد کارکنان و کارگران، موضوع ردیف‌های ۴ و ۵ به تفکیک محاسبه شده‌اند. - (پ) کشور A - (ت) ۷۸۲،۰۰۰ واحد پولی - (ث) ۱ و ۶

ردیف	اقلام درآمدی	مبلغ به میلیارد واحد پولی
۱	درآمد صاحبان سرمایه	۶۴۰۰
۲	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	۱۸۰۰
۳	سود شرکت‌ها و مؤسسات	۲۴۵۰
۴	دستمزدها	۳۲۰۰
۵	درآمد کارمندان	$\frac{1}{4}$ درآمد صاحبان سرمایه
۶	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	۳۸۵۰

تذکر: درآمد کارکنان و کارگران، موضوع ردیف‌های ۴ و ۵ به تفکیک محاسبه شده‌اند.

(۱) الف) ۱۹،۳۰۰ میلیارد واحد پولی - (ب) مقدار آن کمتر خواهد شد. - (پ) کشور B - (ت) ۳۸۶،۰۰۰ واحد پولی - (ث) ۱ و ۶

(۲) الف) ۳۹،۱۰۰ میلیارد واحد پولی - (ب) برابر با ۳۹،۱۰۰ میلیارد واحد پولی خواهد شد. - (پ) کشور A - (ت) ۷۸۲،۰۰۰ واحد پولی - (ث) ۱ و ۶

(۳) الف) ۱۹،۳۰۰ میلیارد واحد پولی - (ب) برابر با ۱۹،۳۰۰ میلیارد واحد پولی خواهد شد. - (پ) کشور B - (ت) ۳۸۶،۰۰۰ واحد پولی - (ث) ۱ و ۶

(۴) الف) ۱۹،۳۰۰ میلیارد واحد پولی - (ب) مقدار آن کمتر خواهد شد. - (پ) کشور A - (ت) ۷۸۲،۰۰۰ واحد پولی - (ث) ۱ و ۶

کشورها	تولید ناخالص ملی (به میلیون ریال)	استهلاک (به میلیون ریال)	جمعیت (به نفر)
A	۹,۵۰۰	۱۵۰	۸۰,۰۰۰
B	۲۶۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۷۵۰,۰۰۰
C	۶,۰۰۰	۲۵۰	۲۰,۰۰۰
D	۸۵,۰۰۰	۵,۰۰۰	۱۶۰,۰۰۰

- ۱۹۹- با توجه به اطلاعات روبه‌رو در مورد چهار کشور A, B, C و D ترتیب تولید خالص ملی سرانه این کشورها، در کدام گزینه درست آمده است؟
(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)
- (۱) $D > B > C > A$
(۲) $B > D > C > A$
(۳) $B > C > D > A$
(۴) $C > B > A > D$

۲۰۰- در کدام یک از روش‌های محاسبه تولید کل کشور، نگران اندازه‌گیری تولیدات واسطه‌ای و مواد اولیه نیستیم؛ چرا که ارزش پولی همه آن‌ها را در محاسبه کالاها و خدمات نهایی خودبه‌خود اندازه‌گیری می‌کنیم؟

- (۱) روش درآمدی (۲) روش ارزش افزوده (۳) روش هزینه‌ای (۴) روش تولید

۲۰۱- متولیان حسابداری کشوری، می‌خواهند از صحت محاسبه تولید کل جامعه یقین حاصل کنند. کدام گزینه پاسخ صحیح‌تری را ارائه می‌کند؟

- (۱) برای جلوگیری از اشتباه، باید تولید کل را حداقل با دو روش محاسبه و نتایج آن‌ها را با هم مقایسه کنند.
(۲) برای از بین رفتن خطا، باید چندین حسابدار خیره هم‌زمان محاسبات را انجام دهند.
(۳) باید به دو روش دستی و نرم‌افزاری، کار را پیش ببرند و نتایج نهایی را با هم مقایسه کنند.
(۴) باید روش ارزش افزوده را حذف کنند و با روش درآمدی یا هزینه‌ای محاسبه کنند که احتمال خطا به حداقل برسد.
- ۲۰۲- با توجه به مثال زیر، در نهایت چه مبلغی از فعالیت تولیدکنندگان پوشاک کشور در تولید کل کشور محاسبه می‌شود؟ و این روش محاسبه، کدام یک از روش‌های محاسبه تولید کل کشور است؟

«کشاورزان هر واحد پنبه تولیدی خود را به ارزش ۵۰۰ ریال به کارگاه‌های ریسندگی می‌فروشند. کارگاه‌های ریسندگی، این مقدار پنبه را به تعدادی نخ تبدیل می‌کنند و آن را به ارزش ۱۵۰۰ ریال به کارگاه‌های پارچه‌بافی می‌فروشند. کارگاه‌های پارچه‌بافی نیز نخ را به پارچه تبدیل می‌کنند و آن را به مبلغ ۳۰۰۰ ریال به کارگاه‌های تولید پوشاک می‌فروشند. در این کارگاه‌ها پارچه به پوشاک تبدیل می‌شود و سرانجام به مبلغ ۵۰۰۰ ریال به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد.»

(۱) ۱۰,۰۰۰ ریال - روش هزینه‌ای (۲) ۳,۰۰۰ ریال - روش درآمدی (۳) ۲۵,۰۰۰ ریال - روش ارزش افزوده (۴) ۵,۰۰۰ ریال - روش تولید

۲۰۳- در کشوری فرضی، با توجه به اطلاعات زیر:

- مزد تمام کارگران ساده و نیمه‌ماهر جمعاً ۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان
- حقوق تمام مدیران و متخصصان ۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان
- عایدی فعالان اقتصادی در خارج از مرزهای کشور ۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان
- تولید کل کدام است و این محاسبات با چه روشی انجام شده است؟
- (۱) ۲۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - روش درآمدی (۲) ۲۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - روش ارزش افزوده
- (۳) ۱۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - روش درآمدی (۴) ۱۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ - روش ارزش افزوده

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۲۰۴- کدام گزینه نشان‌دهنده پاسخ درست پرسش‌های زیر است؟

- (الف) به ترتیب هر یک از عبارات زیر مربوط به کدام روش محاسبه تولید کل است؟
ارزش پولی تولیدات نهایی را آن‌جا که به خانوارها فروخته می‌شود، جمع می‌زنیم و تولید کل را به دست می‌آوریم.
ارزش مزدها، سودها و اجاره‌ها را جمع می‌زنیم و تولید کل را به دست می‌آوریم.
ارزش تولیدشده در مراحل مختلف تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی را جمع می‌زنیم و تولید کل را به دست می‌آوریم.
- (ب) متولیان حسابداری ملی برای جلوگیری از اشتباه در محاسبه تولید کل، دست به چه اقدامی می‌زنند؟
(۱) الف) روش درآمدی - روش هزینه - روش ارزش افزوده - (ب) از هر سه روش، تولید کل را محاسبه می‌کنند و میانگین را در نظر می‌گیرند.
(۲) الف) روش هزینه - روش درآمدی - روش ارزش افزوده - (ب) حداقل با دو روش محاسبه و نتایج را با هم مقایسه می‌کنند.
(۳) الف) روش هزینه - روش درآمدی - روش ارزش افزوده - (ب) از هر سه روش، تولید کل را محاسبه می‌کنند و میانگین را در نظر می‌گیرند.
(۴) الف) روش ارزش افزوده - روش هزینه - روش درآمدی - (ب) حداقل با دو روش محاسبه و نتایج را با هم مقایسه می‌کنند.
- ۲۰۵- در کشوری فرضی، مزد تمام کارگران (اعم از ساده تا متخصص) سالانه معادل ۱۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان می‌باشد، سود سرمایه آنان معادل ۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان است و عایدی فعالان اقتصادی داخلی و ملی معادل ۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان می‌باشد. مجموع ارزش افزوده‌های مراحل مختلف تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی نیز معادل ۴۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان می‌شود. با توجه به روش درآمدی، تولید کل این کشور چه قدر است؟
(۱) ۸۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان (۲) ۲۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان (۳) ۴۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (۴) ۳۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان

۲۰۶- به هر یک از موارد زیر پاسخ دهید.

- (الف) دو شاخص کلان اقتصادی که دقیقاً می‌توانند معادل یکدیگر قرار گیرند، کدام‌اند؟
(ب) به طور متوسط، عمر مفید سرمایه‌های فیزیکی کشور، ۲۰ سال است. سالانه چند درصد باید به عنوان استهلاک در نظر گرفته شود؟
(پ) چه کلمه‌ای را به عنوان معادلی برای درآمد صاحبان سرمایه و اجاره می‌توان در نظر گرفت؟
- (۱) الف) درآمد ملی (داخلی) و تولید - (ب) ۵٪ - (پ) قیمت خدمات سرمایه - درآمد صاحبان املاک و مستغلات
(۲) الف) درآمد سرانه و تولید - (ب) ۴٪ - (پ) قیمت خدمات سرمایه - درآمد زمین‌داران و املاک
(۳) الف) درآمد ملی و تولید - (ب) ۴٪ - (پ) سود سرمایه - درآمد دارندگان اموال غیرمنقول
(۴) الف) درآمد ملی (داخلی) و درآمد سرانه - (ب) ۵٪ - (پ) سود سرمایه - درآمد صاحبان مستغلات و زمین

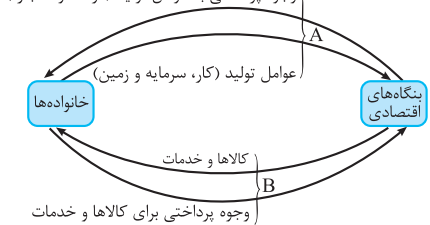
۲۰۷- تولید ملی کشور A معادل ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان و تولید ملی کشور B معادل ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان است. اگر اندازه صادرات کشور A، ۵۰ میلیارد تومان و صادرات کشور B، ۱۰ میلیارد تومان باشد؛ آن گاه کدام کشور در زمینه صادرات موفق تر عمل کرده است؟

- (۱) کشور A موفق تر از کشور B عمل کرده است.
 (۲) کشورهای A و B هر دو در صادرات کالا بسیار ضعیف هستند.
 (۳) کشور B موفق تر از کشور A عمل کرده است.
 (۴) کشورهای A و B هر دو صادرکنندگانی قدرتمند هستند.

۲۰۸- کشور قطر ۹۱۰ هزار نفر جمعیت و کشور مالزی ۱۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد. اگر تولید ملی کشور قطر معادل ۹۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار باشد و تولید ملی کشور مالزی، ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار باشد، کدام کشور در مقایسه سطح زندگی و رفاه افراد موفق تر بوده است؟ با چه میزان تفاوت؟

- (۱) مالزی - \$ ۱۰,۰۰۰ (۲) قطر - \$ ۹۹۰,۰۰۰ (۳) قطر - \$ ۱,۰۰۰,۰۰۰ (۴) مالزی - \$ ۹۹۰,۰۰۰

۲۰۹- با توجه به نمودار مقابل، روش A و روش B به ترتیب جزء کدام روش های محاسبه تولید کل می باشند؟



- (۱) روش درآمدی = A - روش هزینه‌ای = B
 (۲) روش ارزش افزوده = A - روش درآمدی = B
 (۳) روش هزینه‌ای = A - روش ارزش افزوده = B
 (۴) روش هزینه‌ای = A - روش درآمدی = B

۲۱۰- کدام گزینه در خصوص انواع متغیرها با قیمت جاری و ثابت درست است؟

- (۱) اگر دستمزد کارکنان دولت ۱۲٪ افزایش یابد و در همان زمان، نرخ تورم ۷٪ باشد، قدرت خرید واقعی کارکنان دولت ۶٪ افزایش یافته است.
 (۲) اگر تورم جهانی ۲۰٪ باشد و صادرات اسمی ۱۲٪ افزایش یافته باشد، صادرات واقعی ۱۰٪ افزایش یافته است.
 (۳) اگر سود اسمی سهام در بازار سرمایه ۱۰٪ باشد و نرخ تورم در همان زمان برابر با ۴٪ باشد، آن گاه سود واقعی سهام ۱۴٪ خواهد بود.
 (۴) اگر نرخ تورم ۱۵٪ باشد و سود اسمی که بانک به سپرده‌های مردم می‌پردازد ۲۰٪ باشد، آن گاه سود واقعی ۵٪ است.

۲۱۱- چنانچه در جامعه‌ای میزان تولید کل، در طی سه سال متوالی به ترتیب ۳۰۰ - ۳۳۰۰ - ۳۵۰۰ هزار میلیون ریال باشد؛ با انتخاب سال اول به عنوان سال پایه، میزان تولید جامعه در سه سال موردنظر برحسب قیمت‌های سال اول به ترتیب ۳۰۰ - ۳۱۰۰ - ۳۳۰۰ هزار میلیون ریال است. براساس این محاسبات، میزان افزایش واقعی تولید و میزان افزایش تولید ناشی از افزایش قیمت در سال سوم (به ترتیب از راست به چپ) کدام است؟

(۱) ۵۰۰ - ۲۰۰ (۲) ۳۰۰ - ۲۰۰ (۳) ۵۰۰ - ۳۰۰ (۴) ۳۰۰ - ۲۰۰

۲۱۲- جدول فرضی زیر، نمایانگر مقدار کالا و قیمت آن‌ها در سه سال متوالی ۹۴، ۹۵ و ۹۶ است.

طبق اطلاعات مندرج در جدول (با فرض این که سال ۹۴ به عنوان سال پایه در نظر گرفته می‌شود) کدام گزینه پاسخ صحیح پرسش‌های زیر است؟

کالا	سال ۹۴		سال ۹۵		سال ۹۶	
	مقدار تولید	قیمت	مقدار تولید	قیمت	مقدار تولید	قیمت
نفت	۱۰۰۰ بشکه	از قرار هر بشکه ۳۰ تومان	۱۰۰۰ بشکه	از قرار هر بشکه ۳۵ تومان	۱۵۰۰ بشکه	از قرار هر بشکه ۴۰ تومان
فرش	۱۰۰۰ تخته	از قرار هر تخته ۲۰ تومان	۱۵۰۰ تخته	از قرار هر تخته ۲۵ تومان	۲۰۰۰ تخته	از قرار هر تخته ۳۵ تومان

(الف) میزان افزایش تولید کل جامعه ناشی از افزایش مقدار تولید در سال ۹۵ چند تومان است؟
 (ب) کدام گزینه در خصوص سال ۹۶ صحیح است؟

- (۱) الف (۱۰ - ب) از ۸۰,۰۰۰ تومان افزایش تولید کل در سال ۹۶ نسبت به سال پایه، ۳۰,۰۰۰ تومان آن ناشی از افزایش مقدار تولید است.
 (۲) الف (۱۰ - ب) از ۸۰,۰۰۰ تومان افزایش تولید کل در سال ۹۶ نسبت به سال پایه، ۴۵,۰۰۰ تومان آن ناشی از افزایش قیمت‌ها است.
 (۳) الف (۵,۰۰۰ - ب) از ۷۰,۰۰۰ تومان افزایش تولید کل در سال ۹۶ نسبت به سال پایه، ۳۵,۰۰۰ تومان آن ناشی از افزایش قیمت‌ها است.
 (۴) الف (۵,۰۰۰ - ب) از ۷۰,۰۰۰ تومان افزایش تولید کل در سال ۹۶ نسبت به سال پایه، ۴۵,۰۰۰ تومان آن ناشی از افزایش مقدار تولید است.

۲۱۳- با توجه به جدول زیر به ترتیب از راست به چپ: (سال ۹۱ به عنوان سال پایه در نظر گرفته شده است).

کالا	سال ۱۳۹۱		سال ۱۳۹۲	
	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت
A	۱۰۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰
B	۱۲۰۰	۵۰۰	۸۰۰	۱۵۰۰

- (الف) تولید کل به قیمت ثابت در سال ۱۳۹۲؟
 (ب) تولید کل به قیمت جاری در سال ۱۳۹۲؟
 (۱) ۲,۱۶۰,۰۰۰ - ۴۰۰,۰۰۰ (۲) ۱,۲۲۰,۰۰۰ - ۱,۰۶۰,۰۰۰
 (۳) ۱,۰۶۰,۰۰۰ - ۲,۱۶۰,۰۰۰ (۴) ۱,۰۶۰,۰۰۰ - ۱,۲۲۰,۰۰۰

۲۱۴- در یک جامعه فرضی در مدت یک سال، کالاهای زیر تولید شده است.

A	ارزش ماشین‌آلات	۳,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
B	ارزش پوشاک	۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
C	ارزش مواد غذایی	۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
D	خدمات ارائه شده	$\frac{1}{4}$ ارزش پوشاک
E	هزینه استهلاک	$\frac{1}{16}$ ارزش ماشین‌آلات

- با توجه به ارزش کالاهای مذکور و سایر داده‌ها:
 الف) تولید خالص داخلی
 ب) تولید ناخالص داخلی
 در این کشور به ترتیب (از راست به چپ) چند میلیون ریال است؟
 (۱) ۳,۶۵۰ - ۳,۵۴۰ (۲) ۳,۵۶۰ - ۳,۵۴۰
 (۳) ۳,۶۵۰ - ۳,۴۵۰ (۴) ۳,۵۶۰ - ۳,۵۴۰

۲۱۵- کشاورزان هر کیلوگرم پنبه تولیدی خود را به ارزش ۶۵۰۰ ریال به کارگاه‌های ریسندگی می‌فروشند. کارگاه‌های ریسندگی، این مقدار پنبه را به مقداری نخ تبدیل می‌کنند و آن را به ارزش ۷۵۰۰ ریال به کارگاه‌های پارچه‌بافی می‌فروشند. کارگاه‌های پارچه‌بافی نیز نخ را به پارچه تبدیل می‌کنند و آن را به مبلغ ۹۰۰۰ ریال به کارگاه‌های «تولید پوشاک» می‌فروشند. در این کارگاه‌ها، پارچه به «پوشاک» تبدیل می‌شود و سرانجام به مبلغ ۱۶۰۰۰ ریال به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد. با این شرایط:

(سراسری ۹۰)

الف) ارزش افزوده مرحله اول و مرحله آخر کدام است؟

ب) نام دیگر این روش محاسبه ارزش کل کالاها و خدمات نهایی چیست؟

پ) برای محاسبه ارزش کل کالاها و خدمات نهایی چند روش وجود دارد؟

ت) کارشناسان برای جلوگیری از اشتباه در محاسبه ارزش کل کالاها و خدمات نهایی به چه اقدامی متوسل می‌شوند؟

۱) الف) ۷۰۰۰ و ۶۵۰۰ (ب) روش هزینه‌ای (پ) دو روش - ت) هر دو روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را با هم مقایسه می‌کنند.

۲) الف) ۶۵۰۰ و ۷۰۰۰ (ب) روش تولید (پ) سه روش - ت) حداقل دو روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را با هم مقایسه می‌کنند.

۳) الف) ۷۵۰۰ و ۹۰۰۰ (ب) روش تولید (پ) سه روش - ت) هر سه روش را هم به کار می‌گیرند هر کدام بیش‌تر بود، آن را می‌پذیرند.

۴) الف) ۹۰۰۰ و ۷۵۰۰ (ب) روش هزینه‌ای (پ) دو روش - ت) هر دو روش را به کار می‌گیرند و میانگین آن‌ها را منظور می‌دارند.

۲۱۶- در یک جامعه فرضی در مدت یک سال، کالاهای زیر تولید شده است. با توجه به ارزش کالاهای مذکور و سایر داده‌ها: (سراسری خارج از کشور ۹۰)

الف) تولید خالص داخلی	A	ارزش ماشین‌آلات	ریال
ب) تولید ناخالص داخلی	B	ارزش پوشاک	۸۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال
در این کشور به ترتیب (از راست به چپ) چند میلیون است؟	C	ارزش مواد غذایی	۱۸,۰۰۰,۰۰۰
۱) الف) ۳,۶۷۰ (ب) ۳,۸۷۰	D	خدمات ارائه‌شده	$\frac{1}{9}$ ارزش پوشاک
۲) الف) ۳,۷۶۰ (ب) ۳,۸۷۰	E	هزینه استهلاک	$\frac{1}{18}$ ارزش ماشین‌آلات
۳) الف) ۳,۷۸۰ (ب) ۳,۶۷۰			
۴) الف) ۳,۷۸۰ (ب) ۳,۶۷۰			

۲۱۷- در یک کشور فرضی، کالاهای جدول زیر در مدت یک سال تولید شده است، با توجه به رقم این تولیدات و سایر داده‌ها: (سراسری ۹۱)

الف) تولید ناخالص داخلی و تولید خالص داخلی این کشور	A	مواد غذایی	۵۰۰ تن از قرار هر تن	ریال
ب) تولید ناخالص داخلی و تولید خالص داخلی این کشور <td>B</td> <td>ماشین‌آلات</td> <td>دستگاه از قرار هر دستگاه</td> <td>۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال</td>	B	ماشین‌آلات	دستگاه از قرار هر دستگاه	۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال
به ترتیب (از راست به چپ) چند میلیون ریال است؟	C	پوشاک	عدد از قرار هر عدد	۵۰۰,۰۰۰ ریال
ب) چنانچه جمعیت کل این کشور ۵۰ میلیون نفر باشد،	D	خدمات ارائه‌شده	$\frac{2}{3}$ ارزش پوشاک	
«تولید خالص داخلی سرانه» آن کدام است؟	E	هزینه استهلاک	$\frac{1}{25}$ ارزش ماشین‌آلات	
۱) الف) ۲۷۵,۵۰۰، ۲۶۷,۵۰۰ (ب) ۵۲۵۰				
۲) الف) ۲۷۵,۵۰۰، ۲۷۶,۵۰۰ (ب) ۵۳۵۰				
۳) الف) ۲۷۷,۵۰۰، ۲۷۶,۵۰۰ (ب) ۵۲۵۰				
۴) الف) ۲۷۷,۵۰۰، ۲۶۷,۵۰۰ (ب) ۵۳۵۰				

۲۱۸- تولید کل کشوری در سه سال متوالی، به ترتیب سال اول ۱۵۰۰، سال دوم ۱۷۰۰ و سال سوم ۱۸۷۵ هزار میلیارد ریال بوده است. با گزینش سال اول به عنوان «سال پایه» تولید کل در سه سال موردنظر برحسب قیمت‌های «سال پایه» به ترتیب به ۱۶۵۰، ۱۷۱۰ و ۱۶۵۰ تغییر یافته است. براساس این محاسبات به ترتیب (از راست به چپ):

(سراسری ۹۱)

الف) کدام اعداد مربوط به «پدیده تورم» در سال دوم و سال سوم در این جامعه است؟

ب) افزایش مقدار تولید در «سال دوم و سال سوم» کدام است؟

۱) الف) ۱۶۵، ۵۰ (ب) ۲۱۰، ۱۵۰ (پ) ۱۶۵، ۵۰

۲) الف) ۱۶۵، ۵۰ (ب) ۲۱۰، ۱۵۰ (پ) ۱۶۵، ۵۰

۳) الف) ۱۶۵، ۵۰ (ب) ۲۱۰، ۱۵۰ (پ) ۱۶۵، ۵۰

۲۱۹- یک دستگاه وسیله سرمایه‌ای «تولیدی» را به بهای ۱۳ میلیارد خریداری کرده‌ایم. چنانچه عمر مفید این وسیله سرمایه‌ای ۵/۶ سال باشد، در این صورت:

(سراسری ۹۱)

الف) مقدار «هزینه استهلاکی سالانه» کدام است؟

ب) چنانچه در دو سال آخر عمر مفید این وسیله سرمایه‌ای ۱۰ درصد افزایش بها داشته باشد، مجموع «هزینه استهلاک» دو سال آخر چه میزان خواهد بود؟

پ) قیمت جدید این کالای سرمایه‌ای چیست؟ (توجه: ارقام به میلیون و میلیارد ریال است.)

۱) الف) ۲ (ب) ۴,۰۴۰ (پ) ۱۳,۴۰۰

۲) الف) ۲,۵ (ب) ۴,۰۴۰ (پ) ۱۳,۴۰۰

۳) الف) ۲ (ب) ۴,۰۴۰ (پ) ۱۳,۴۰۰

۲۲۰- با توجه به تولید کالاهای جدول زیر در مدت یک سال در یک جامعه فرضی و ۵۰ میلیون نفر جمعیت در این جامعه: (سراسری خارج از کشور ۹۱)

الف) تولید خالص داخلی آن چه قدر است؟	A	ماشین‌آلات	۲۵۰۰ دستگاه از قرار هر دستگاه	یک صد میلیون ریال
ب) تولید خالص داخلی سرانه این جامعه چیست؟	B	پوشاک	عدد از قرار هر عدد	یک میلیون ریال
پ) تولید ناخالص داخلی آن کدام است؟	C	مواد غذایی	۲۵۰ تن از قرار هر تن	شصت میلیون ریال
توجه: ارقام به میلیون و میلیارد است.	D	هزینه استهلاک	$\frac{2}{3}$ ارزش پوشاک	
۱) الف) ۲۶۷,۵۰۰ (ب) ۵۳۵۰ (پ) ۲۱۸,۵۰۰	E	خدمات ارائه‌شده	$\frac{3}{5}$ ارزش مواد غذایی	
۲) الف) ۲۶۷,۵۰۰ (ب) ۵۵۳۰ (پ) ۲۸۱,۵۰۰				
۳) الف) ۲۶۷,۵۰۰ (ب) ۵۳۵۰ (پ) ۲۱۸,۵۰۰				
۴) الف) ۲۷۶,۵۰۰ (ب) ۵۵۳۰ (پ) ۲۸۱,۵۰۰				

۲۲۱- فرض می‌کنیم که یک دستگاه کالای سرمایه‌ای را به بهای «۲۸ میلیارد ریال» خریده باشیم. عمر مفید این دستگاه ۷ سال است. در این صورت:

(سراسری خارج از کشور ۹۱)

الف) مقدار «هزینه استهلاکی سالانه» کدام است؟

ب) چنانچه در سه سال آخر عمر مفید این کالای سرمایه‌ای، ۱۵ درصد بهای آن افزایش یافته باشد، مجموع هزینه استهلاک سه سال آخر چه میزان خواهد بود؟

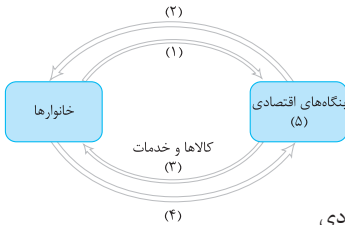
پ) «قیمت جدید» این کالای سرمایه‌ای چیست؟

(توجه: ارقام به میلیون و میلیارد است.)

- (۱) الف) ۴ - ب) ۱۳,۸۰۰ (پ) ۲۲,۳۰۰
 (۲) الف) ۴ - ب) ۱۳,۸۰۰ (پ) ۳۲,۲۰۰
 (۳) الف) ۵ - ب) ۱۸,۳۰۰ (پ) ۳۲,۲۰۰
 (۴) الف) ۵ - ب) ۱۸,۳۰۰ (پ) ۲۲,۳۰۰

(سراسری ۹۲-۹۰، با تغییر)

۲۲۲- با توجه به نمودار زیر، که تصویری ساده از اقتصاد یک جامعه را نشان می‌دهد:



الف) وجوه پرداختی به «عوامل تولید» چه نام دارد؟

ب) عناوین «عوامل تولید» چیست؟

پ) وجوه پرداختی برای «کالاها و خدمات» مربوط به کدام مسیر است؟

ت) محاسبه تولید کل به روش «درآمدی» مربوط به کدام مسیر است؟

ث) «اشخاص حقوقی» تصویر «اقتصاد جامعه» کدام است؟

- (۱) الف) مزد، سود و اجاره - ب) نیروی کار، سرمایه و زمین - پ) مسیر ۴ - ت) مسیر ۲ - ث) بنگاه‌های اقتصادی
 (۲) الف) مزد، سود، بهره و اجاره - ب) نیروی کار، سرمایه، منابع طبیعی، مدیریت و تکنولوژی - پ) مسیر ۳ - ت) مسیر ۴ - ث) خانوارها
 (۳) الف) مزد، سود، بهره و اجاره - ب) نیروی کار، سرمایه و زمین - پ) مسیر ۳ - ت) مسیر ۴ - ث) بنگاه‌های اقتصادی
 (۴) الف) مزد، سود، اجاره - ب) نیروی کار، سرمایه، منابع طبیعی، مدیریت و تکنولوژی - پ) مسیر ۴ - ت) مسیر ۲ - ث) خانوارها

۲۲۳- مندرجات جدول زیر، مربوط به اطلاعات استخراجی از «حساب‌های ملی» کشوری در سال جاری است. با توجه به داده‌های مذکور، سهم «تولید

(سراسری ۹۲-۹۰)

خارجیان مقیم کشور» کدام است؟ (توجه: ارقام به «میلیارد ریال» است.)

۱۰ (۱)	۱	تولید ناخالص ملی	۲۵۵
۱۱ (۲)	۲	سهم تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۱۵
۱۲ (۳)	۳	تولید ناخالص داخلی	۲۵۰
۱۴ (۴)			

۲۲۴- با توجه به مندرجات جدول زیر و همچنین چنانچه مجموع ارزش اقلام: «پوشاک، مواد غذایی و ماشین‌آلات» در یک جامعه فرضی ۱۴۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

(سراسری ۹۲، با اندکی تغییر)

الف) تولید ناخالص داخلی (ب) تولید خالص ملی (پ) «تولید خالص داخلی سرانه» کدام است؟
 (توجه: ارقام به میلیارد ریال است.)

A	جمعیت کل کشور	۴۵ میلیون نفر
B	تولید خارجیان مقیم کشور	۱۸ میلیارد ریال
C	هزینه استهلاک	$\frac{3}{5}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
D	خدمات ارائه شده	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
E	تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۴۵ میلیارد ریال

- (۱) الف) ۱۵۷ - ب) ۱۵۷ (پ) $\frac{2}{2382}$ - ت) $\frac{8}{3288}$
 (۲) الف) ۱۷۵ - ب) ۱۵۷ (پ) $\frac{2}{2382}$ - ت) $\frac{8}{3288}$

۲۲۵- در یک جامعه فرضی، چنانچه کشاورزان هر کیلوگرم پنبه تولیدی خود را به ارزش ۴۰۰۰ ریال به «کارگاه‌های ریسندگی» بفروشند، کارگاه ریسندگی، این مقدار پنبه را به مقداری نخ تبدیل کرده و به ارزش ۵۰۰۰ ریال به «کارگاه‌های پارچه‌بافی» بفروشند و در کارگاه‌های پارچه‌بافی نخ به «پارچه» تبدیل شده و به مبلغ ۸۰۰۰ ریال به کارگاه‌های «تولید پوشاک» فروخته شود و در این کارگاه‌ها «پارچه» به «پوشاک» تبدیل شود و به مبلغ ۱۶۰۰۰ ریال به دست مصرف‌کنندگان برسد، با توجه به این «داده‌ها و ستاده‌ها»:

(سراسری ۹۲- با اندکی تغییر)

الف) «ارزش افزوده مرحله اول و چهارم» کدام است؟

پ) نام روشی که در آن «کل پولی که از طرف خانوارها به سمت بنگاه‌ها جریان پیدا می‌کند» محاسبه می‌شود و همچنین نام روشی که در آن «کل پولی که از طرف بنگاه‌های اقتصادی به سمت خانوارها جریان می‌یابد» محاسبه می‌شود، به ترتیب کدام است؟

ت) «کارشناسان محاسبه ارزش تولید کل جامعه» برای جلوگیری از اشتباه در محاسبه به چه اقدامی متوسل می‌شوند؟

- (۱) الف) ۴۰۰۰، ۸۰۰۰ - ب) روش هزینه‌ای - پ) روش تولید و روش ارزش افزوده - ت) هر سه روش را به کار می‌گیرند و هر کدام که بیشتر بود، آن را منظور می‌کنند.
 (۲) الف) ۴۰۰۰، ۸۰۰۰ - ب) روش تولید - پ) روش هزینه‌ای و روش درآمدی - ت) حداقل دو روش برای محاسبه به کار می‌گیرند و جواب آن‌ها را مقایسه می‌کنند.
 (۳) الف) ۸۰۰۰، ۴۰۰۰ - ب) روش هزینه‌ای - پ) روش ارزش افزوده و روش تولید - ت) دو روش را به کار می‌گیرند و میانگین آن‌ها را منظور می‌دارند.
 (۴) الف) ۸۰۰۰، ۴۰۰۰ - ب) روش تولید - پ) روش درآمدی و روش هزینه‌ای - ت) حداقل دو روش برای محاسبه به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

۲۲۶- کدام گزینه می‌تواند پاسخ درست و کامل سؤالات زیر است؟

(سراسری خارج از کشور ۹۲، با تغییر)

الف) در چه وضعیتی مصرف‌کنندگان یک کشور مجبور می‌شوند، بخشی از درآمدهای خود را که قبلاً به کالاهای مصرفی داخلی اختصاص می‌یافت، به تولیدکنندگان خارجی بپردازند؟

ب) عنوان اصطلاح اقتصادی «آن دسته از خط‌مشی‌های دولت که با مالیات گرفتن تحقق می‌یابد» چیست؟

پ) ارزش پولی کلیه کالاها و خدمات نهایی که اعضای یک ملت در طول یک سال تولید کرده‌اند، چه نام دارد و نام اصطلاح خارجی آن چیست؟

ت) بسیاری از دانشمندان اقتصاد در زمینه «سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و آموزش عالی» معتقدند:

۱) الف) در صورت فقدان کالاهای مشابه داخلی «ارزان‌تر و مرغوب‌تر» - ب) سیاست «بازار باز» - پ) تولید خالص ملی (G.D.P - ت) منحصرأ باید هزینه‌های تربیت «نیروی انسانی» را به عنوان «سرمایه‌گذاری» منظور کنیم.

۲) الف) در صورت فقدان یا کمبود «درآمد صادراتی» - ب) سیاست مالی - پ) تولید ناخالص ملی (G.N.P - ت) نه فقط هزینه‌های ساخت مدارس، دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها بلکه باید تمامی هزینه‌های تربیت نیروی انسانی را به منظور «سرمایه‌گذاری» منظور کنیم.

۳) الف) در صورت فقدان کالاهای مشابه داخلی «ارزان‌تر و مرغوب‌تر» - ب) سیاست «بازار باز» - پ) تولید ناخالص ملی (G.N.P - ت) منحصرأ باید هزینه‌های تربیت «نیروی انسانی» را به عنوان «سرمایه‌گذاری» منظور کنیم.

۴) الف) در صورت فقدان یا کمبود «درآمد صادراتی» - ب) سیاست مالی - پ) تولید خالص ملی (G.D.P - ت) نه فقط هزینه‌های ساخت مدارس، دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها بلکه باید تمامی هزینه‌های تربیت نیروی انسانی را به عنوان «سرمایه‌گذاری» منظور کنیم.

۲۲۷- با توجه به مندرجات جدول زیر و همچنین چنانچه مجموع ارزش اقلام «مواد غذایی، ماشین‌آلات و پوشاک» در یک جامعه فرضی ۱۸۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

(سراسری خارج از کشور ۹۲)

ب) تولید ناخالص داخلی (میلیارد ریال)

الف) تولید خالص داخلی سرانه (ریال)

پ) تولید خالص ملی (میلیارد ریال) در این جامعه کدام است؟

A	هزینه «استهلاک»	$\frac{1}{5}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
B	ارزش خدمات ارائه شده	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
C	جمعیت کل کشور	۸۵ میلیون نفر
D	ارزش تولید خارجیان مقیم کشور	۳۰ میلیارد ریال
E	ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند	۸۵ میلیارد ریال

۲) الف) ۲,۶۵۴ - ب) ۲۵۳ - پ) ۲۱۵

۱) الف) ۲,۵۶۴ - ب) ۲۳۵ - پ) ۲۴۳

۴) الف) ۳,۶۵۴ - ب) ۲۵۳ - پ) ۲۵۱

۳) الف) ۳,۵۶۴ - ب) ۲۳۵ - پ) ۲۵۱

(سراسری خارج از کشور ۹۲، با تغییر)

۲۲۸- با توجه به نمودار زیر که تصویری ساده از اقتصاد یک جامعه را نشان می‌دهد:

الف) عنوان روش محاسبه تولید کل جامعه در مسیر ۴ کدام است؟

ب) محاسبه تولید کل جامعه به «روش درآمدی» مربوط به کدام مسیر است؟

۱) الف) روش ارزش افزوده - ب) مسیر ۳

۲) الف) روش ارزش افزوده - ب) مسیر ۲

۳) الف) روش هزینه‌ای - ب) مسیر ۳

۴) الف) روش هزینه‌ای - ب) مسیر ۲

۲۲۹- فرض کنیم کشاورزان هر کیلوگرم «پنبه تولیدی» خود را به ارزش ۴,۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «ریسندگی» بفروشند. کارگاه‌های ریسندگی، این مقدار پنبه را به مقداری نخ تبدیل کرده و به ارزش ۶,۰۰۰ ریال به کارگاه‌های «پارچه‌بافی» می‌فروشند. در کارگاه‌های پارچه‌بافی، نخ به «پارچه» تبدیل شده و به مبلغ ۸,۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «تولید پوشاک» فروخته می‌شود. در این کارگاه‌ها پارچه به پوشاک تبدیل شده و به مبلغ ۱۷,۰۰۰ ریال به دست «مصرف‌کنندگان» می‌رسد.

(سراسری خارج از کشور ۹۲)

الف) ارزش افزوده «مرحله اول و سوم» به ترتیب از راست به چپ کدام است؟

ب) نام دیگر این روش محاسبه «ارزش کل کالا و خدمات نهایی» چیست؟

پ) محاسبه «کل پولی» که از طرف بنگاه‌ها به سمت «خانوارها» جریان می‌یابد و همچنین، محاسبه مجموع «مزد، اجاره و سود» که در سطح جامعه بر اثر فعالیت‌های تولیدی جامعه ایجاد شده است، مربوط به کدام روش‌های محاسبه «تولید کل» جامعه می‌باشد؟

ت) برای این‌که در محاسبه اشتباه نشود، کارشناسان هنگام محاسبه ارزش کل کالا و خدمات نهایی چگونه عمل می‌کنند؟

۱) الف) ۲۵۰۰، ۴۵۰۰ - ب) روش تولید - پ) روش هزینه‌ای، روش هزینه‌ای - ت) حداقل دو روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

۲) الف) ۲۵۰۰، ۴۵۰۰ - ب) روش هزینه‌ای - پ) روش هزینه‌ای، روش درآمدی - ت) هر سه روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

۳) الف) ۲۵۰۰، ۴۵۰۰ - ب) روش تولید - پ) روش درآمدی، روش درآمدی - ت) حداقل دو روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

۴) الف) ۲۵۰۰، ۴۵۰۰ - ب) روش هزینه‌ای - پ) روش هزینه‌ای، روش درآمدی، روش هزینه‌ای - ت) هر سه روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

۲۳۰- یک دستگاه «کالای سرمایه‌ای» را به بهای ۹۸۰ میلیارد ریال خریداری کرده‌ایم. چنان‌چه عمر مفید آن ۱۴ سال باشد، در این صورت به ترتیب از راست به چپ:

- (الف) هر سال چه مقدار به عنوان «هزینه استهلاکی» باید کنار گذاشته شود؟
 (ب) چنان‌چه در چهار سال آخر عمر مفید این کالای سرمایه‌ای ۱۰٪ کاهش بها یافته باشد، مجموع «هزینه‌های استهلاک» ۴ سال آخر آن، چه میزان خواهد بود؟
 (پ) قیمت جدید این «کالای سرمایه‌ای» کدام است؟
 (توجه: ارقام به میلیون و میلیارد ریال است.)

- (الف) (الف) ۷۰ - (ب) ۲۲۵ - (پ) ۸۸۲
 (الف) ۷۳/۵ - (ب) ۲۲۵ - (پ) ۸۲۸
 (الف) ۷۰ - (ب) ۲۳۵ - (پ) ۸۸۲
 (الف) ۷۳/۵ - (ب) ۲۲۵ - (پ) ۸۲۸

۲۳۱- به فرض چنان‌چه یک دستگاه کالای سرمایه‌ای را به بهای ۸۴۰ میلیارد خریدیده باشیم و عمر مفید آن ۱۲ سال بوده باشد، در این صورت به ترتیب از راست به چپ:

- (الف) هر سال چه مقدار به عنوان «هزینه استهلاکی» باید کنار گذاشته شود؟
 (ب) چنان‌چه در سه سال آخر عمر مفید این کالای سرمایه‌ای ۱۲٪ بهای آن افزایش یافته باشد، مجموع «هزینه استهلاک» سه سال آخر آن چه میزان خواهد بود؟
 (پ) قیمت جدید این کالای سرمایه‌ای کدام است؟
 (توجه: ارقام به میلیون و میلیارد ریال است.)

- (الف) (الف) ۷۲/۵ - (ب) ۲۳۵,۲۰۰ - (پ) ۹۸۰,۴۰۰
 (الف) ۷۲/۵ - (ب) ۲۳۲,۵۰۰ - (پ) ۹۴۰,۸۰۰
 (الف) ۷۰ - (ب) ۲۳۵,۵۰۰ - (پ) ۹۴۰,۸۰۰
 (الف) ۷۰ - (ب) ۲۳۲,۲۰۰ - (پ) ۹۸۰,۴۰۰

۲۳۲- پاسخ درست و کامل پرسش‌های زیر در کدام گزینه مطرح شده است؟

- (الف) نشان‌دهنده «قدرت اقتصادی و مادی» و همچنین «سطح زندگی» مردم یک جامعه است.
 (ب) آن‌چه که دربرگیرنده اقلام مختلف «درآمدی» است و در طول یک سال نصیب اعضای جامعه می‌شود، چه نام دارد؟ دو نمونه شاخص از آن کدام است؟
 (پ) کالاهایی را که «تولیدکنندگان» تولید و به بازار، عرضه می‌کنند یا «مصرف‌کنندگان» می‌خرند و به مصرف می‌رسانند می‌گویند. کالاهایی را که «تولیدکنندگان» آن‌ها را خریداری می‌کنند و برای تولید کالاهای دیگر مورد استفاده قرار می‌دهند می‌نامند.
 (ت) چنان‌چه هدف محاسبه باشد باید ارزش همه خدمات و کالاهایی که مردم یک کشور در طول یک سال چه در داخل و چه خارج از کشور تولید کرده‌اند محاسبه شود.

(ث) از «کل تولید جامعه» در طول یک سال باید قسمتی را به «هزینه‌های جایگزینی» سرمایه‌های فرسوده شده اختصاص دهیم در «اصطلاح اقتصادی» به آن، چه می‌گویند؟

(ج) در کدام یک از روش‌های «محاسبه تولید کل جامعه» ارزش افزوده هر مرحله از تولید را با هم جمع می‌کنند و این رقم برابر با «ارزش نهایی محصول تولیدشده» است؟

- (۱) الف) میزان تولید کالا و خدمات - (ب) درآمد ملی، درآمد حقوق‌بگیران، درآمد صاحبان مشاغل آزاد - (پ) نهایی، واسطه‌ای - (ت) تولید ملی - (ث) هزینه استهلاکی - (ج) روش تولید
 (۲) الف) تفوق صادرات بر واردات - (ب) تولید ناخالص ملی، درآمد صاحبان سرمایه، سودی که به «سرمایه» تعلق می‌گیرد - (پ) واسطه‌ای، نهایی - (ت) تولید داخلی - (ث) هزینه نهایی - (ج) روش هزینه‌ای
 (۳) الف) غنا و فراوانی منابع طبیعی و اقتصادی - (ب) تولید ناخالص داخلی، اجاره‌بها یا مال‌الاجاره، درآمد صاحبان املاک و مستغلات - (پ) سرمایه‌ای، واسطه‌ای - (ت) تولید ناخالص داخلی - (ث) هزینه ثابت - (ج) روش «درآمدی»
 (۴) الف) استفاده از تکنولوژی مدرن در تمام بخش‌های اقتصادی - (ب) درآمد سرانه، دستمزدها، سودی که نصیب شرکت‌ها و مؤسسات می‌شود - (پ) تکمیلی، واسطه‌ای - (ت) تولید سرانه ملی - (ث) هزینه متغیر - (ج) روش استفاده از «سال پایه و قیمت ثابت»

۲۳۳- با توجه به مندرجات جدول زیر، چنان‌چه مجموع ارزش اقلام «ماشین‌آلات، پوشاک و مواد غذایی» در یک جامعه فرضی، ۱۶۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

الف) تولید خالص ملی (میلیارد ریال) ب) تولید «خالص داخلی سرانه» (ریال)
 (پ) تولید «ناخالص داخلی» (میلیارد ریال) کدام است؟

A	تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند	۶۵ میلیارد ریال
B	تولید خارجیان مقیم کشور	۱۵ میلیارد ریال
C	خدمات ارائه شده	$\frac{3}{5}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند
D	هزینه استهلاک	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
E	جمعیت کل کشور	۶۵ میلیون نفر

- (الف) (الف) ۲۹۵ - (ب) ۳,۲۱۵ - (پ) ۲۱۹
 (الف) ۲۵۹ - (ب) ۴,۱۲۵ - (پ) ۲۹۱
 (الف) ۲۵۹ - (ب) ۳,۲۱۵ - (پ) ۲۱۹
 (الف) ۲۹۵ - (ب) ۴,۲۱۵ - (پ) ۲۹۱

۲۳۴- پاسخ درست و کامل پرسش‌های زیر در کدام گزینه است؟

(سراسری قارج از کشور ۹۳)

الف) شاخه‌ای از است که به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت اقتصادی در «سطح ملی» می‌پردازد؛ مثلاً میزان تولید «کالاها و خدمات» را در جامعه بررسی می‌کند.

ب) دربرگیرنده همه فعالیت‌های تولیدی است که در داخل کشور یعنی محدوده مرزهای جغرافیایی آن کشور قرار می‌گیرد، خواه توسط مردم همان کشور و خواه توسط خارجیانی که در آن کشور مقیم‌اند.

پ) فعالیت‌های غیرقانونی و زیرزمینی نظیر «قاچاق»:

ت) با روش می‌توان «ارزش کل تولیدات جامعه» را محاسبه کرد. در کل پولی که از طرف «خانوارها» به سمت «بنگاه‌ها» جریان پیدا می‌کند، محاسبه می‌شود. این مقدار پول، نشان‌دهنده ارزش کل کالاها و خدماتی است که «خانوارها» خریداری و مصرف کرده‌اند؛ زیرا در مقابل خرید این «کالاها و خدمات از بنگاه‌ها» مبالغی به آن‌ها پرداخت شده است.

ث) چه «ارزش پولی کالاها و خدمات نهایی» یک محصول را محاسبه کنیم و چه مقدار ارزش افزوده در هر مرحله تولید را با هم جمع کنیم:

ج) اگر جامعه‌ای دچار «تورم» باشد، مقدار «تولید کل محاسبه‌شده» هر سال، رقم بزرگ‌تری را نشان می‌دهد در حالی که این رقم بزرگ:

۱) (الف) حسابداری ملی، مطالعات اقتصادی - ب) تولید داخلی - پ) جزء «تولید کشور» محسوب نمی‌شود - ت) سه، روش هزینه‌ای - ث) به جوابی واحد می‌رسیم - ج) به معنای «افزایش تولید» نیست.

۲) (الف) مالیه عمومی، علوم اجتماعی - ب) تولید ملی - پ) در صورت کشف و ضبط، جزء «تولید کشور» تلقی می‌شود - ت) دو، روش تولیدی - ث) از یک روش استفاده کرده‌ایم - ج) نشان‌دهنده هم «افزایش قیمت» هم «افزایش تولید» است.

۳) (الف) بودجه عمومی، علم مدیریت - ب) تولید خالص داخلی - پ) جزء «تولید کشور» محسوب می‌شود. - ت) چهار، روش درآمدی - ث) در واقع از دو روش «تولید و ارزش افزوده» استفاده کرده‌ایم - ج) در اصل حاصل ضرب مقدار کلای تولیدشده در قیمت واحد از آن کالا است.

۴) (الف) درآمد ملی، علم اقتصاد - ب) تولید ناخالص ملی - پ) در صورت تولید در داخل کشور جزء تولید «ناخالص داخلی» تلقی می‌شود. - ت) پنج، روش ارزش افزوده - ث) به دو جواب مختلف می‌رسیم - ج) را می‌توان با توجه به ارقام اعلام‌شده حتماً به حساب «افزایش تولید کل کشور» گذاشت.

۲۳۵- مندرجات جدول روبه‌رو، مربوط به اطلاعات استخراجی از حساب‌های ملی سال گذشته

یک کشور فرضی است. با توجه به داده‌های مذکور، سهم تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند، کدام است؟ (توجه: ارقام به میلیارد ریال است.)

(سراسری قارج از کشور ۹۳)

۱۵ (۱)	۲۰ (۲)
۳۰ (۳)	۳۵ (۴)

۲۳۶- به فرض چنانچه کشاورزان هر کیلوگرم «پنبه تولیدی» خود را به ارزش ۳,۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «ریسندگی» بفروشند، «کارگاه‌های ریسندگی» این مقدار پنبه را به مقداری «نخ» تبدیل کرده و به ارزش ۵,۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «پارچه‌بافی» می‌فروشند. در کارگاه‌های پارچه‌بافی، «نخ» به «پارچه» تبدیل شده و به مبلغ ۷,۵۰۰ ریال به کارگاه‌های تولید پوشاک فروخته می‌شود. در این کارگاه‌ها پارچه به «پوشاک» تبدیل می‌شود و به مبلغ ۱۴,۰۰۰ ریال به دست «مصرف‌کنندگان» می‌رسد. با توجه به این «داده‌ها و ستاده‌ها»:

(سراسری قارج از کشور ۹۳)

الف) ارزش افزوده «مرحله دوم و چهارم» کدام است؟
ب) محاسبه آن مقدار پول که نشان‌دهنده «ارزش کل کالاها و خدماتی» است که «خانوارها» خریداری و مصرف کرده‌اند و همچنین محاسبه «کل پولی» که از طرف خانوارها به سمت «بنگاه‌های اقتصادی» جریان پیدا می‌کند، مربوط به کدام روش‌های محاسبه «تولید کل جامعه» است؟

ت) برای اجتناب از اشتباه در محاسبه «ارزش کل کالاها و خدمات نهایی» از دید کارشناسان اقتصادی، توسل به چه اقدامی ضروری است؟

۱) (الف) ۶,۵۰۰، ۲,۰۰۰ - ب) روش هزینه‌ای - پ) روش درآمدی، روش هزینه‌ای - ت) از دو روش «درآمدی» و «روش تولید» توأم استفاده می‌کنند.

۲) (الف) ۲,۰۰۰، ۶,۵۰۰ - ب) روش تولید - پ) روش هزینه‌ای، روش درآمدی - ت) از دو روش «ارزش افزوده و هزینه‌ای» توأم استفاده می‌کنند.

۳) (الف) ۶,۵۰۰، ۲,۰۰۰ - ب) روش هزینه‌ای - پ) روش درآمدی، روش درآمدی - ت) حداقل دو روش را برای محاسبه به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

۴) (الف) ۶,۵۰۰، ۲,۰۰۰ - ب) روش ارزش افزوده - پ) روش هزینه‌ای، روش هزینه‌ای - ت) حداقل دو روش را برای محاسبه به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

۲۳۷- با توجه به مندرجات جدول زیر، چنانچه مجموع ارزش اقلام «پوشاک، ماشین‌آلات و مواد غذایی» در یک جامعه فرضی ۱۶۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت:

A	ارزش «تولید خارجیان مقیم کشور»	۳۰ میلیارد ریال (سراسری ۹۴)
B	جمعیت کل کشور	۱۱۰ میلیون نفر
C	هزینه «استهلاک»	$\frac{1}{5}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
D	ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۸۵ میلیارد ریال
E	ارزش «خدمات ارائه‌شده»	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور

۲۳۸- با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر، به ترتیب: «از راست به چپ»:

الف) «تولید کل» به قیمت «جاری» در سال ۱۳۹۲ و ب) تولید کل به قیمت «ثابت» در سال ۱۳۹۲، کدام است؟

۱) (الف) ۱۱۴,۰۰۰ - ب) ۶۵,۴۰۰
۲) (الف) ۱۱۴,۰۰۰ - ب) ۶۴,۵۰۰
۳) (الف) ۱۴۱,۰۰۰ - ب) ۶۴,۵۰۰
۴) (الف) ۱۴۱,۰۰۰ - ب) ۶۵,۴۰۰

(سراسری ۹۴)

کالا	سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۹۲	
	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت
A	۳۰۰	۱۵۰	۷۵	۴۰۰
B	۶۰	۴۰۰	۷۰۰	۱۲۰

۲۳۹- با توجه به مندرجات جدول مقابل، با فرض این که عمر مفید ماشین آلات بیست سال باشد، در این صورت: (سراسری ۹۴)

الف) میزان «هزینه استهلاک» چند ریال است؟
 ب) مقدار «درآمد خالص سالیانه» این بنگاه اقتصادی چه قدر است؟

۱	خرید ماشین آلات	۱۶۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۲	میزان درآمدزایی «سالیانه»	۴۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۲۴۰- با توجه به مندرجات جدول زیر، چنان چه مجموع ارزش اقلام «پوشاک، مواد غذایی و ماشین آلات» در یک جامعه فرضی ۱۴۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت: (سراسری خارج از کشور ۹۴)

A	ارزش «خدمات ارائه شده»	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند
B	هزینه «استهلاک»	$\frac{3}{5}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
C	جمعیت کل کشور	۵۰ میلیون نفر
D	ارزش «تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند»	۴۵ میلیارد ریال
E	ارزش «تولید خارجیان مقیم کشور»	۲۵ میلیارد ریال

۲۴۱- با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر، به ترتیب از راست به چپ: (سراسری خارج از کشور ۹۴)

کالا	سال ۱۳۸۹		سال ۱۳۹۰	
	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت
A	۱۰۰	۵۰	۲۵	۱۵۰
B	۲۰	۱۵۰	۳۰۰	۵۰

الف) تولید کل به قیمت‌های «جاری» در سال ۱۳۹۰ و ب) تولید کل به قیمت «ثابت» در سال ۱۳۹۰ کدام است؟

- ۱) الف) ۱۸,۷۵۰ (ب) ۸,۵۰۰
 ۲) الف) ۱۸,۷۵۰ (ب) ۸۰,۵۰۰
 ۳) الف) ۱۷,۸۵۰ (ب) ۸,۵۰۰
 ۴) الف) ۱۷,۸۵۰ (ب) ۸۰,۵۰۰

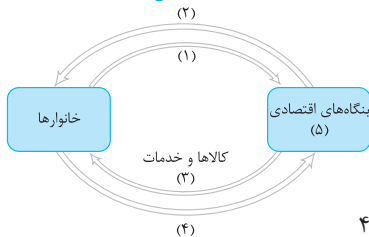
۲۴۲- با توجه به مندرجات جدول زیر، با فرض این که عمر مفید ماشین آلات، «پانزده سال» باشد، در این صورت: (سراسری خارج از کشور ۹۴)

۱	خرید ماشین آلات	۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۲	میزان درآمدزایی «سالیانه»	۳۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

الف) میزان «هزینه استهلاک» چند ریال است؟
 ب) مقدار درآمد «خالص سالیانه» این بنگاه اقتصادی چند ریال است؟

- ۱) الف) ۸,۰۰۰,۰۰۰ (ب) ۲۳,۰۰۰,۰۰۰
 ۲) الف) ۸,۰۰۰,۰۰۰ (ب) ۲۲,۰۰۰,۰۰۰

۲۴۳- با توجه به نمودار زیر که تصویری ساده از «اقتصاد یک جامعه» را نشان می‌دهد:



الف) محاسبه «تولید کل» به روش «درآمدی» مربوط به کدام مسیر است؟
 ب) وجوه پرداختی به «عوامل تولید» چه نام دارد؟
 پ) عناوین عوامل تولید چیست؟
 ت) وجوه پرداختی برای کالاها و خدمات مربوط به کدام مسیر است؟

- ۱) الف) مسیر ۴ - ب) مزد، بهره، سود و اجاره - پ) نیروی کار، سرمایه و منابع طبیعی - ت) مسیر ۱
 ۲) الف) مسیر ۴ - ب) مزد، بهره، سود و اجاره - پ) نیروی کار، سرمایه، منابع طبیعی، مدیریت و تکنولوژی - ت) مسیر ۴
 ۳) الف) مسیر ۲ - ب) مزد، بهره، سود و اجاره - پ) نیروی کار، سرمایه، منابع طبیعی - ت) مسیر ۴
 ۴) الف) مسیر ۲ - ب) مزد، بهره، سود و اجاره - پ) نیروی کار، سرمایه، منابع طبیعی، مدیریت و تکنولوژی - ت) مسیر ۱

۲۴۴- با توجه به مندرجات جدول روبه‌رو، با فرض این که عمر مفید ماشین آلات، «پانزده سال» باشد، در این صورت: (سراسری خارج از کشور ۹۴)

۱	خرید ماشین آلات	۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۲	میزان «درآمدزایی» سالیانه	۳۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

الف) میزان «هزینه استهلاک» چند ریال است؟
 ب) مقدار درآمد «خالص سالیانه» این بنگاه اقتصادی، چند ریال است؟

- ۱) الف) ۸,۰۰۰,۰۰۰ (ب) ۲۳,۰۰۰,۰۰۰
 ۲) الف) ۸,۰۰۰,۰۰۰ (ب) ۲۲,۰۰۰,۰۰۰

۲۴۵- میزان «تولید کل» در یک جامعه فرضی در طی سه سال پیاپی به ترتیب: ۲,۰۰۰، ۲,۲۱۰ و ۲,۵۰۰ هزار میلیارد ریال برآورد شده است. با انتخاب سال اول به عنوان «سال پایه» میزان تولید کل کشور مذکور در سه سال موردنظر برحسب قیمت‌های سال اول یعنی «سال پایه» به ترتیب به: ۲,۰۰۰، ۲,۱۴۰ و ۲,۲۸۰ تغییر یافته است، براساس این محاسبات به ترتیب از راست به چپ: (سراسری ۹۵)

الف) افزایش «قیمت‌ها» «تورم» در سال دوم
 ب) افزایش «مقدار تولید» در سال سوم
 در این جامعه کدام است؟

- ۱) الف) ۷۰ (ب) ۲۸۰
 ۲) الف) ۸۰ (ب) ۲۷۰
 ۳) الف) ۲۸۰ (ب) ۷۰
 ۴) الف) ۲۷۰ (ب) ۸۰

۲۴۶- با توجه به مندرجات جدول زیر و همچنین اگر مجموع ارزش اقلام «ماشین آلات و مواد غذایی و پوشاک» در یک جامعه فرضی، ۱۵۰ میلیارد ریال باشد، در این صورت: الف) تولید خالص «ملی» ب) تولید خالص داخلی «سرانه» پ) تولید «ناخالص داخلی» در این «جامعه»، کدام است؟ (سراسری ۹۵)

A	جمعیت کل کشور	۳۵ میلیون نفر
B	تولید خارجیان مقیم کشور	۴۴ میلیارد ریال
C	هزینه استهلاك	$\frac{2}{3}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
D	خدمات ارائه شده	$\frac{1}{4}$ ارزش تولید خارجیان مقیم کشور
E	تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۴۵ میلیارد ریال

(الف) (الف ۱۷۶ - ب ۵ - پ ۲۰۶) (الف ۱۷۵ - ب ۴ - پ ۲۰۶) (الف ۱۷۶ - ب ۵ - پ ۲۰۵) (الف ۱۷۵ - ب ۴ - پ ۲۰۵) ۲۴۷- در یک جامعه فرضی، چنانچه کشاورزان یک کیلوگرم پنبه تولیدی خود را به ارزش: ۶,۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «ریسندگی» بفروشند، کارگاه‌های «ریسندگی» نیز این مقدار پنبه را به مقداری «نخ» تبدیل کرده و به ارزش ۷,۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «پارچه‌بافی» بفروشند و در کارگاه‌های «پارچه‌بافی» نخ به «پارچه» تبدیل شده و به مبلغ ۱۱,۰۰۰ ریال به کارگاه‌های «تولید پوشاک» فروخته شود و در این کارگاه‌ها «پارچه» به «پوشاک» تبدیل شده و به مبلغ ۱۹,۰۰۰ ریال به دست مصرف‌کنندگان برسد. با توجه به این «داده‌ها و ستاده‌ها»: (سراسری ۹۵)

الف) ارزش افزوده «مرحله دوم و چهارم» چیست؟
 ب) عنوان دیگر این روش محاسبه «تولید کل» کدام است؟
 پ) نام روشی که در آن «کل پولی» که از طرف «بنگاه‌ها» به طرف خانوارها، جریان می‌یابد و همچنین «کل پولی» که از طرف «خانوارها» به سمت «بنگاه‌ها» روانه می‌شود، به ترتیب، کدام است؟
 ت) اقتصاددانان چه روشی را جهت اجتناب از اشتباه در محاسبه «تولید کل» جامعه، ارائه می‌کنند؟

(الف) (الف ۱,۰۰۰ - ۸,۰۰۰ - ب) (الف ۱,۰۰۰ - ۸,۰۰۰ - ب) (الف ۱,۰۰۰ - ۸,۰۰۰ - ب) (الف ۱,۰۰۰ - ۸,۰۰۰ - ب) ۲۴۸- در یک جامعه فرضی یک دستگاه کالای سرمایه‌ای را به قیمت ۸۵ میلیارد ریال خریداری کرده‌ایم و عمر مفید آن، ۵ سال است. در این صورت، به ترتیب از راست به چپ: (سراسری ۹۵)

الف) چنانچه در دو سال آخر عمر مفید، این کالای سرمایه‌ای، ۷ درصد افزایش قیمت داشته باشد، مجموع «هزینه استهلاك» دو سال آخر، چه مقدار خواهد بود؟
 ب) قیمت جدید «کالای سرمایه‌ای» کدام است؟
 پ) هر سال چه مقدار به عنوان «هزینه استهلاكی» باید کنار بگذاریم؟ (توجه: ارقام به «میلیون و میلیارد ریال» است.)
 (الف) (الف ۳۸,۳۶۰ - ب ۹۰,۹۵۰ - پ ۱۸) (الف ۳۸,۳۶۰ - ب ۹۰,۹۵۰ - پ ۱۸)
 (الف) (الف ۳۶,۳۸۰ - ب ۹۰,۹۵۰ - پ ۱۷) (الف ۳۶,۳۸۰ - ب ۹۰,۹۵۰ - پ ۱۷)
 ۲۴۹- به فرض چنانچه یک دستگاه «کالای سرمایه‌ای» را به قیمت ۹۹ میلیارد ریال خریداری کرده باشیم و عمر مفید آن، ۱۱ سال باشد، در این صورت به ترتیب از راست به چپ: (سراسری خارج از کشور ۹۵)

الف) هر سال چه مقدار باید به عنوان «هزینه استهلاكی» کنار گذاشته شود؟
 ب) چنانچه در چهار سال آخر عمر مفید این کالای سرمایه‌ای، ۹٪ افزایش قیمت داشته باشد، مجموع «هزینه استهلاك» چهار سال آخر چه میزان خواهد بود؟
 پ) قیمت جدید این «کالای سرمایه‌ای» کدام است؟ (توجه: ارقام به «میلیون و میلیارد ریال» است.)
 (الف) (الف ۳۹,۲۴۰ - ب ۱۰۷,۹۱۰ - پ ۹) (الف ۳۹,۲۴۰ - ب ۱۰۷,۹۱۰ - پ ۹)
 (الف) (الف ۳۹,۴۲۰ - ب ۱۰۷,۹۱۰ - پ ۸) (الف ۳۹,۴۲۰ - ب ۱۰۷,۹۱۰ - پ ۹)

۲۵۰- با توجه به مندرجات جدول زیر، همچنین اگر مجموع ارزش اقلام «پوشاک، ماشین آلات و مواد غذایی» یک جامعه فرضی ۱۳۵ میلیارد ریال باشد، در این صورت: الف) تولید «خالص داخلی سرانه» ب) تولید «خالص ملی» پ) تولید «ناخالص داخلی» در این جامعه، کدام است؟ (سراسری خارج از کشور ۹۵)

A	خدمات ارائه شده	$\frac{1}{3}$ ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.
B	هزینه استهلاك	۱۴ میلیارد ریال
C	ارزش تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.	۴۵ میلیارد ریال
D	تولید خارجیان مقیم کشور	۱/۵ برابر «هزینه استهلاك»
E	جمعیت کل کشور	۵۰ میلیون نفر

(الف) (الف ۳/۱۴ - ب ۱۵۷ - پ ۱۹۵) (الف ۳/۱۴ - ب ۱۵۷ - پ ۱۹۵)
 (الف) (الف ۳/۱۴ - ب ۱۸۱ - پ ۱۷۱) (الف ۳/۱۴ - ب ۱۸۱ - پ ۱۷۱)

۲۵۱- در یک جامعه فرضی «میزان تولید کل» در طی سال‌های متوالی به ترتیب: سال اول: ۳۵۰۰، سال دوم: ۳۷۰۰ و در سال سوم: ۳۹۵۰ هزار میلیارد ریال بوده است. با انتخاب سال اول به عنوان سال «پایه» میزان تولید کل در این جامعه در سه سال مورد نظر برحسب قیمت‌های سال اول یعنی «سال پایه» به ترتیب به: ۳,۵۰۰، ۳,۶۰۰ و ۳,۴۵۰ تغییر یافته است. براساس این محاسبات:

(الف) افزایش «مقدار تولید» در سال دوم در این جامعه کدام است؟
 (ب) افزایش قیمت‌ها «تورم» در سال سوم

- (۱) الف (۱۰۰ - ب) ۵۰۰ (۲) الف (۲۲۰ - ب) ۴۳۰ (۳) الف (۴۳۰ - ب) ۲۲۰ (۴) الف (۵۰۰ - ب) ۱۰۰

۲۵۲- فرض کنیم، کشاورزان هر یک کیلوگرم «پنبه تولیدی» خود را به ارزش ۵,۰۰۰ ریال به کارگاه‌های «ریسندگی» بفروشند. کارگاه‌های «ریسندگی» هم این مقدار پنبه را به مقداری «نخ» تبدیل کرده و به ارزش ۷,۰۰۰ ریال به کارگاه‌های پارچه‌بافی بفروشند. در کارگاه‌های پارچه‌بافی، «نخ» به «پارچه» تبدیل شده و به ارزش ۹,۵۰۰ ریال به کارگاه‌های «تولید پوشاک» فروخته می‌شود، در این کارگاه‌ها «پارچه» به «پوشاک» تبدیل شده و به ارزش ۱۳,۰۰۰ ریال به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد. با توجه به این «داده‌ها و ستاده‌ها»:

(الف) ارزش افزوده «مرحله اول و چهارم» چیست؟
 (ب) این روش محاسبه «تولید کل» چه عنوان دیگری دارد؟
 (پ) روشی را که در آن «کل پولی» که از طرف «خانوارها» به «بنگاه‌ها» جریان می‌یابد و همچنین روشی که در آن مقدار پول نشان‌دهنده ارزش کل کالاها و خدماتی است که «خانوارها» خریداری و مصرف کرده‌اند، به ترتیب کدام است؟

(ت) از نظر کارشناسان اقتصادی برای جلوگیری از اشتباه در محاسبه «تولید کل جامعه» توسل به چه اقدامی ضروری است؟
 (۱) الف (۲,۰۰۰ - ب) ۲,۵۰۰ (پ) روش درآمدی - روش درآمدی (ت) دو روش به کار می‌گیرند و میانگین این دو را می‌پذیرند.
 (۲) الف (۲,۵۰۰ - ب) ۲,۰۰۰ (پ) روش تولید - روش هزینه‌ای (ت) هر سه روش به کار گرفته می‌شود و میانگین آن‌ها به عنوان پاسخ قطعی مورد قبول قرار می‌گیرد.

(۳) الف (۳,۵۰۰ - ب) ۵,۰۰۰ (پ) روش هزینه‌ای - روش تولید - روش درآمدی (ت) هر سه روش را استفاده می‌کنند و هر کدام بیشتر بود آن را منظور می‌دارند.
 (۴) الف (۵,۰۰۰ - ب) ۳,۵۰۰ (پ) روش تولید - روش هزینه‌ای - روش هزینه‌ای (ت) حداقل دو روش را به کار می‌گیرند و جواب‌ها را با هم مقایسه می‌کنند.
 ۲۵۳- میزان تولید کل کشوری در طی سه سال پیاپی به ترتیب: سال اول: ۳,۰۰۰، سال دوم: ۴,۲۵۰ و سال سوم: ۶,۷۴۰ هزار میلیارد ریال شده است، با انتخاب سال اول به عنوان: سال پایه میزان تولید در این جامعه در سه سال مورد نظر برحسب قیمت‌های سال پایه به: ۳,۰۰۰، ۳,۸۶۰ و ۶,۳۲۰ تغییر یافته است. براساس این محاسبات به ترتیب، از راست به چپ:

(الف) افزایش مقدار تولید در سال دوم و سال سوم، کدام است؟
 (ب) افزایش قیمت‌ها در سال دوم و سال سوم چیست؟
 (پ) کدام اعداد مربوط به پدیده تورم در سال دوم و سال سوم این جامعه است؟

- (۱) الف (۸۶۰ - ب) ۳۳۲۰ (پ) ۳۹۰ - ۴۲۰ (۲) الف (۳۳۲۰ - ب) ۸۶۰ (پ) ۳۹۰ - ۴۲۰
 (۳) الف (۸۶۰ - ب) ۳۳۲۰ (پ) ۳۹۰ - ۴۲۰ (۴) الف (۳۳۲۰ - ب) ۸۶۰ (پ) ۳۹۰ - ۴۲۰

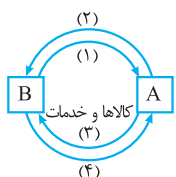
۲۵۴- جدول زیر، مشتمل بر اقلام مختلف درآمدی است که در طول یک سال نصیب یک جامعه فرضی شده است، با توجه به مندرجات این جدول: (سراسری ۹۶)

ارزش	اقلام درآمدی	ردیف
۶۵۶ میلیارد ریال	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	۱
$\frac{۲}{۳}$ درآمد صاحبان سرمایه	سود شرکت‌ها و مؤسسات	۲
$\frac{۲}{۶}$ مجموع درآمد ردیف‌های: ۱، ۲، ۳	درآمد حقوق‌بگیران	۳
۶۹۶ میلیارد ریال	درآمد صاحبان سرمایه	۴
$\frac{۱}{۳}$ مجموع درآمد ردیف‌های: ۴، ۵، ۶	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	۵
۴۶۶ میلیارد ریال	دستمزدها	۶
۵۰ میلیون نفر	جمعیت کل کشور	۷

(الف) کدام ردیف جدول، قیمت خدمات سرمایه و کدام ردیف، اجاره‌بها یا مال‌الاجاره است؟
 (ب) درآمد ملی این جامعه، چه قدر است؟
 (پ) درآمد سرانه آن کدام است؟
 (ت) مفهوم و معنای سرانه چیست؟
 (قابل توجه: درآمد کارمندان و کارگران موضوع ردیف‌های ۳ و ۶ به تفکیک منظور شده است.)

- (۱) الف) ردیف ۱ و ردیف ۴ (ب) ۳۰۴۳ - (پ) ۶۰/۶۸ -
 (ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد جامعه
 (۲) الف) ردیف ۱ و ردیف ۴ (ب) ۲۰۳۴ - (پ) ۶۰/۶۸ -
 (ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید آن جامعه
 (۳) الف) ردیف ۴ و ردیف ۱ (ب) ۲۰۴۳ - (پ) ۶۰/۸۶ -
 (ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید و درآمد آن جامعه
 (۴) الف) ردیف ۴ و ردیف ۱ (ب) ۳۰۴۳ - (پ) ۶۰/۸۶ -
 (ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد و تولید آن جامعه

۲۵۵- با توجه به نمودار روبه‌رو که تصویری از اقتصاد یک جامعه را نشان می‌دهد:



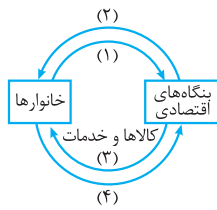
(الف) عنوان روش محاسبه تولید کل جامعه مربوط به مسیر ۴، کدام است؟
 (ب) محاسبه تولید کل جامعه به روش درآمدی، مربوط به کدام مسیر است؟
 (پ) دو مربع A و B به ترتیب جایگاه کدام دو عضو این تصویرند و به لحاظ قانونی عناوین آن‌ها چیست؟

- (۱) الف) روش هزینه‌ای (ب) مسیر ۱ - (پ) خانوارها، بنگاه‌های اقتصادی (۲) الف) روش ارزش افزوده (ب) مسیر ۲ - (پ) بنگاه‌های اقتصادی و خانواده‌ها
 (۳) الف) روش هزینه‌ای (ب) مسیر ۲ - (پ) بنگاه‌های اقتصادی و خانوارها (۴) الف) روش ارزش افزوده (ب) مسیر ۱ - (پ) خانواده‌ها و بنگاه‌های اقتصادی

الف) شاخه‌های از است که به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد. مثلاً میزان تولید کالا و خدمات را در جامعه بررسی می‌کند.
 ب) دربرگیرنده همه فعالیت‌های تولیدی است که در داخل کشور یعنی محدوده مرزهای جغرافیایی آن کشور قرار می‌گیرد، خواه توسط مردم همان کشور و خواه توسط خارجیانی که در آن کشور مقیم‌اند.

پ) فعالیت‌های غیرقانونی و زیرزمینی، نظیر قاچاق:

- ۱) الف) درآمد ملی - علم اقتصاد - ب) تولید ناخالص ملی - پ) در صورت تولید در داخل کشور جزء تولید ناخالص داخلی تلقی می‌شود.
 ۲) الف) مالیه عمومی - علوم اجتماعی - ب) تولید ملی - پ) در صورت کشف و ضبط جزء تولید کشور تلقی می‌شود.
 ۳) الف) بودجه عمومی - علم مدیریت - ب) تولید خالص داخلی - پ) جزء تولید کشور محسوب می‌شود.
 ۴) الف) حسابداری - مطالعات اقتصادی - ب) تولید داخلی - پ) جزء تولید کشور محسوب نمی‌شود.



۲۵۷- با توجه به نمودار زیر که تصویری ساده از اقتصاد یک جامعه را نشان می‌دهد:

الف) وجوه پرداختی به عوامل تولید چه نام دارد؟

ب) وجوه پرداختی برای کالاها و خدمات مربوط به کدام مسیر است؟

ت) کدام مسیر بیانگر روش محاسبه تولید کل به روش «درآمدی» است؟

- ۱) الف) مزد، سود و اجاره - ب) نیروی کار، سرمایه و زمین - پ) مسیری ۴ - ت) مسیری ۲
 ۲) الف) مزد، سود، بهره و اجاره - ب) نیروی کار، سرمایه و زمین - پ) مسیری ۳ - ت) مسیری ۱
 ۳) الف) مزد، سود، بهره و اجاره - ب) نیروی کار، سرمایه، منابع طبیعی، مدیریت و تکنولوژی - پ) مسیری ۳ - ت) مسیری ۲
 ۴) الف) مزد، سود و اجاره - ب) نیروی کار، سرمایه، منابع طبیعی، مدیریت و تکنولوژی - پ) مسیری ۴ - ت) مسیری ۱

۲۵۸- با توجه به اطلاعات مندرج در جدول زیر، الف) استهلاك سرمایه ثابت ب) تولید ناخالص داخلی پ) تولید خالص داخلی ت) تولید خالص داخلی

سرانه، چه قدر است؟

۱	استهلاك سرمایه ثابت به ارزش	$\frac{1}{3}$ تولید ناخالص داخلی (G.D.P)
۲	تولید ۳۰ دستگاه ماشین‌آلات نساجی به ارزش	۴۸۰ میلیون ریال
۳	ارزش مواد غذایی	۰.۶٪ ارزش تولیدات در بخش صنعت
۴	ارزش کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه به کاررفته در بخش صنعت و مواد غذایی	۲۴۰ میلیون ریال
۵	ارزش خدمات ارائه شده به وسیله بخش خصوصی	۰.۵٪ مجموع ارزش بخش صنعت و مواد غذایی
۶	تعداد جمعیت	۲۰ میلیون نفر

- ۲) الف) ۳۴۸ - ب) ۱۲۵۱ - پ) ۸۶۷ - ت) ۳۴ / ۸
 ۴) الف) ۳۸۴ - ب) ۱۱۵۲ - پ) ۸۶۷ - ت) ۳۴ / ۳

- ۱) الف) ۳۴۸ - ب) ۱۲۵۱ - پ) ۷۶۸ - ت) ۳۸ / ۴
 ۳) الف) ۳۸۴ - ب) ۱۱۵۲ - پ) ۷۶۸ - ت) ۳۸ / ۴

۲۵۹- جدول روبه‌رو مبین اقلام مختلف درآمدی است

که در طول یک سال نصیب اعضای یک جامعه فرضی شده است و جمعیت کل این جامعه ۷۵ میلیون نفر می‌باشد. در این صورت: (سراسری قارچ از کشور ۹۶)

الف) کدام ردیف جدول، قیمت خدمات سرمایه و کدام

ردیف، اجاره‌بها یا وجوه مربوط به اجاره است؟

ب) میزان درآمد ملی این جامعه، کدام است؟

پ) درآمد سرانه آن چه قدر است؟

ت) معنا و مفهوم سرانه چیست؟

ردیف	اقلام درآمدی	ارزش
۱	درآمد حقوق‌بگیران	$\frac{1}{4}$ سود شرکت‌ها و مؤسسات
۲	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	$\frac{2}{5}$ درآمد صاحبان سرمایه
۳	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	ریال ۲۴۹,۳۹۶,۲۰۰
۴	دستمزدها	$\frac{1}{3}$ درآمد صاحبان املاک و مستغلات
۵	درآمد صاحبان سرمایه	ریال ۶۸۴,۲۲۵,۰۰۰
۶	سود شرکت‌ها و مؤسسات	ریال ۶۹۸,۹۵۸,۰۰۰

۱) الف) ردیف ۲ و ردیف ۵ - ب) ۲,۲۳۹,۱۷۲,۲۰۰ - پ) ۲۹ / ۸۶ - ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد آن جامعه

۲) الف) ردیف ۲ و ردیف ۵ - ب) ۲,۲۳۹,۱۷۲,۲۰۰ - پ) ۲۸ / ۹۶ - ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد آن جامعه

۳) الف) ردیف ۵ و ردیف ۲ - ب) ۲,۱۷۲,۲۳۸,۷۰۰ - پ) ۲۸ / ۹۶ - ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد و تولید آن جامعه

۴) الف) ردیف ۵ و ردیف ۲ - ب) ۲,۱۷۲,۲۳۸,۷۰۰ - پ) ۲۹ / ۸۶ - ت) سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید آن جامعه

۲۶۰- میزان تولید کل کشوری در سه سال پیاپی به ترتیب، سال اول: ۱,۵۰۰، سال دوم: ۱,۷۰۰ و سال سوم: ۱,۸۷۵ هزار میلیارد ریال بوده است. با گذشتن سال اول به عنوان سال پایه میزان تولید کل در سه سال موردنظر برحسب قیمت‌های سال پایه به ترتیب به: ۱,۵۰۰، ۱,۶۵۰ و ۱,۷۱۰ تغییر یافته است. براساس این محاسبات به ترتیب از راست به چپ:

الف) کدام اعداد مربوط به پدیده تورم در سال دوم و سال سوم در این جامعه است؟

ب) افزایش مقدار تولید در سال دوم و سال سوم، کدام است؟

۱) الف) ۵۰-۱۶۵ - ب) ۱۵۰-۲۱۰ - پ) ۱۶۵-۵۰

۳) الف) ۱۶۵-۵۰ - ب) ۱۵۰-۲۱۰ - پ) ۱۶۵-۵۰

۴) الف) ۱۶۵-۵۰ - ب) ۱۵۰-۲۱۰ - پ) ۱۶۵-۵۰

۱۶۸- گزینه «۲»

(صفحه ۴۰)

کامل‌ترین تعریف ← «حسابداری ملی» شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی است که با ارائه شاخص‌های گوناگون به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد؛ مثلاً میزان تولید کالا و خدمات، صادرات، واردات، مصرف و پس‌انداز کل کشور، حجم نقدینگی و سطح عمومی قیمت‌ها و سایر متغیرهای کلان را در جامعه محاسبه می‌کند.

۱۶۹- گزینه «۲»

(صفحه ۴۰)

بررسی و اندازه‌گیری‌های مرکز آمار، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و یا بانک مرکزی، تصویری روشن از اقتصاد و روند تغییرات آن و رفاه مردم ارائه می‌کند.

۱۷۰- گزینه «۳»

(صفحه ۴۰)

آمارهای اقتصادی در سطوح چهارگانه ۱) خرد (یعنی سطح خانوارها یا شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی)، ۲) شهری ۳) منطقه‌ای و ۴) کلان (ملی) و بین‌المللی) ارائه می‌شود.

۱۷۱- گزینه «۲»

(صفحه ۴۰)

اقتصاددانان برای بررسی وضعیت موجود و اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی و همچنین مطالعه روند تغییرات و یا نتایج سیاست‌های اقتصادی، نیازمند استفاده از آمارها و شاخص‌های اقتصادی هستند.

۱۷۲- گزینه «۴»

(صفحه ۴۱)

تعداد تولید سالانه کالاها و خدمات اهمیت دارد؛ زیرا نشان‌دهنده امکان پیشرفت آن جامعه در آینده است. نشان‌دهنده قدرت و توان اقتصادی آن جامعه است. سطح رفاه و درآمد اعضای جامعه را نشان می‌دهد. میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را نشان می‌دهد. نشان‌دهنده امکان پیشرفت آن جامعه در آینده است.

۱۷۳- گزینه «۴»

(صفحه‌های ۴۱ و ۴۲)

۳ شرط محاسبه فعالیت‌های تولیدی در حسابداری ملی از بازار عبور کند. به تولید کالا یا خدمات نهایی منتهی شود. قانونی و مجاز باشد.

۱۷۴- گزینه «۳»

(صفحه‌های ۳۱ و ۴۲)

۱- فعالیت زنان در خانه در تولید کل محاسبه نمی‌شود.

۲- فروش سی‌دی‌های غیرمجاز جزء فعالیت‌های غیرقانونی است که در حسابداری ملی محاسبه نمی‌شود.

۳- قطعات خودرو کالای واسطه‌ای هستند و از آن‌جا که ارزش کالاهای واسطه‌ای در درون کالاهای نهایی نهفته است، در محاسبه تولید کل جامعه باید از محاسبه ارزش کالاهای واسطه‌ای صرف‌نظر کرد و فقط کالاهای نهایی (خودرو) را محاسبه کنیم.

۱۷۵- گزینه «۳»

(صفحه ۴۱)

یکی از شرایط محاسبه فعالیت‌های حسابداری ملی این است که از بازار عبور کند؛ یعنی در ازای کالا یا خدمت، پول دریافت شود، در نتیجه فعالیت تولیدی خانم‌ها در خانه و کالاها و خدماتی که در قالب پخت غذا، بهداشت و تربیت فرزندان تولید و ارائه می‌کنند، در تولید کل کشور محاسبه نمی‌شود.

۱۷۶- گزینه «۱»

(صفحه‌های ۳۱ و ۴۲)

الف- چرم در این مثال، کالای واسطه‌ای است که چون محصول نهایی محسوب نمی‌شود، در محاسبه تولید کل از آن صرف‌نظر می‌کنیم.

ب- کباب‌هایی که فرد برای مهمانان خود پخته است از بازار عبور نکرده‌اند، بنابراین در تولید کل منظور نمی‌شوند.

پ- کولبران، اجناس قاچاق را به کشور وارد می‌کنند و اقدامات غیرقانونی و قاچاق در تولید کل محاسبه نمی‌شوند.

۱۷۷- گزینه «۴»

(صفحه ۴۱)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های (۱) و (۲): عدم داشتن شرط عبور از بازار، زیرا این افراد پولی در ازای کار خود دریافت نمی‌کنند.

گزینه (۳): فعالیت آقای میرزاجانی به تولید کالای نهایی را منجر نمی‌شود و ارزش کالای تولیدی ایشان در بطن ارزش کالای نهایی (گوشی تلفن) محاسبه می‌گردد.

۱۷۸- گزینه «۲»

(صفحه‌های ۳۱ و ۴۲)

تولید دوچرخه توسط دو فرد چینی در ایران و تعمیر کولر همسایه در ازای دریافت پول، در حسابداری ملی محاسبه می‌شوند زیرا هر سه شرط لازم را دارند: ۱) عبور از بازار ۲) منجر شدن به تولید کالاها یا خدمات «نهایی» ۳) قانونی و مجاز بودن.

این مورد (تولید دوچرخه و تعمیر کولر) در تولید ناخالص داخلی هم محاسبه می‌شوند، چون در داخل کشور انجام شده‌اند.

سه مورد دیگر، به دلایل زیر در تولید ناخالص داخلی و حسابداری ملی محاسبه نمی‌شوند:

فروش رادیوی ماشین سرقتی به مال‌خر ← فاقد ویژگی قانونی و مجاز بودن فروش لامپ تصویر به کارخانه تولید تلویزیون ← فاقد ویژگی منتهی شدن فعالیت به تولید کالا یا خدمات «نهایی»

تولید پوشاک توسط یک ایرانی در هند ← فاقد ویژگی تولید در محدوده مکانی معین (داخل ایران)

۱۷۹- گزینه «۲»

(صفحه ۴۱)

از آن‌جا که ارزش کالاهای واسطه‌ای در درون کالاهای نهایی نهفته است، در محاسبه تولید کل جامعه باید از محاسبه ارزش کالاهای واسطه‌ای صرف‌نظر و فقط ارزش کالاهای نهایی را منظور کنیم، در غیر این صورت، ارزش کالاهای واسطه‌ای در واقع دو بار محاسبه می‌شود؛ یک بار به صورت بخشی از ارزش کالای نهایی و یک بار هم به صورت مستقل.

۱۸۰- گزینه «۲»

(صفحه‌های ۳۱ و ۴۲)

الف- ۵۰ کیلو برنجی که به مصرف خانواده‌های کشاورزان رسیده، چون از بازار عبور نکرده است، در تولید کل جامعه محاسبه نمی‌شود. اما ۵۰ کیلو برنج دیگر که در بازار به فروش رسیده است، با قیمت ۲۵۰۰ تومان در تولید کل جامعه حساب می‌شود: $۵۰ \times ۲۵۰۰ = ۱۲۵,۰۰۰$ تومان

۱۰۰ کیلو شیرینی برنجی نیز جزء تولید کل جامعه حساب می‌شود:

$$۱۰۰ \times ۴۰۰۰ = ۴۰۰,۰۰۰ \text{ تومان}$$

توجه شود که چون شیرینی برنجی در تولید کل محاسبه می‌شود، دیگر ۱۰۰ کیلو آرد برنجی که برای تولید آن خریداری شده به صورت جداگانه در تولید کل محاسبه نمی‌شود، پس در کل، ارزشی که باید در تولید کل جامعه از روش هزینه‌ای محاسبه شود، برابر است با: $۴۰۰,۰۰۰ + ۱۲۵,۰۰۰ = ۵۲۵,۰۰۰$ تومان

ب- کالای واسطه‌ای که در جامعه تولید شده است، ۱۰۰ کیلو برنج با قیمت ۲۵۰۰ تومان است که تبدیل به شیرینی شده است:

$$۱۰۰ \times ۲۵۰۰ = ۲۵۰,۰۰۰ \text{ تومان}$$

۱۸۱- گزینه «۱»

(صفحه ۴۲)

تولید گونه‌های مختلفی دارد؛ اما در حسابداری ملی همه این گونه‌ها با یک تراز و یک معیار سنجیده می‌شود؛ پول.

۱۸۲- گزینه «۴»

(صفحه ۴۴)

الف- تولید ناخالص داخلی، ارزش پولی تمام کالاها و خدمات نهایی است که در طول یک سال، داخل محدوده مرزهای جغرافیایی کشور تولید می‌شود (یعنی تولید خارجیان مقیم کشور و تمام کسانی که در آن کشور هستند).

$$\text{هزینه} = \text{ارزش کل تولیدات} = \text{تولید خالص} + \text{افراد خارجی مقیم} + \text{سالانه کشور} - \text{استهلاک در کشور}$$

ب- تولید ناخالص ملی، ارزش پولی تمام کالاها و خدمات نهایی است که در طول یک سال، توسط یک ملت تولید شده است.

$$\text{هزینه} = \text{ارزش تولیدات همه} + \text{کل تولیدات} = \text{تولید خالص} - \text{استهلاک} - \text{افراد یک ملت} + \text{سالانه کشور} - \text{ملی}$$

در هر کجای دنیا

۱۸۳- گزینه «۱»

(صفحه ۴۳)

خالص یا ناخالص بودن تولیدات ملی و داخلی ناشی از هزینه‌های استهلاک است که باید از تولید ناخالص هزینه جایگزینی سرمایه‌های فرسوده شده کسر شود.

۱۸۴- گزینه «۲»

(صفحه ۴۳)

GDP و GNP از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی هستند که میزان زیاد آن‌ها، بیانگر:

۱) قدرت اقتصادی و تولیدی بیشتر یک کشور

۲) بهره‌وری بالاتر آن کشور

۳) استفاده بهینه کشور از همه عوامل تولید خود است.

در برخی موارد از این دو شاخص به عنوان درجه پیشرفت هر ملت و سطح زندگی اعضای آن نیز استفاده می‌شود.

۱۸۵- گزینه «۳»

(صفحه ۴۳)

تولید ناخالص ملی به اختصار GNP و تولید ناخالص داخلی به اختصار GDP نامیده می‌شود. در برخی موارد، از این دو شاخص به عنوان درجه پیشرفت هر ملت و سطح زندگی اعضای آن نیز استفاده می‌شود.

۱۸۶- گزینه «۴»

(صفحه ۴۳)

دو شاخص GDP و GNP در تعریف با هم تفاوت دارند، اما در عمل، جز در مورد برخی کشورها، که نیروی کار و سرمایه زیادی از آن‌ها در خارج از مرزهایشان کار می‌کنند (مثل لبنان که تولید ملی آن بیشتر از تولید داخلی‌اش است) یا در کشورهایی که حضور چشمگیری از تولیدکنندگان چندملیتی هستند (مثل هنگ‌کنگ) تفاوت فاحشی با هم ندارند؛ بنابراین در کشورهایی مثل ایران به جای یکدیگر به کار می‌روند.

۱۸۷- گزینه «۲»

(صفحه ۴۳)

در کشور لبنان مقدار GDP و GNP بسیار متفاوت است، زیرا نیروی کار و سرمایه زیادی خارج از مرزها کار می‌کنند؛ پس تولید ناخالص ملی لبنان بیشتر از تولید ناخالص داخلی آن است.

۱۸۸- گزینه «۱»

(صفحه‌های ۴۳ و ۴۴)

GDP و GNP در تعریف متفاوت هستند، اما در عمل عموماً به جای هم به کار می‌روند مگر در مواردی استثناً. چون هنگ‌کنگ در سرزمین خود حضور چشمگیری از تولیدکنندگان چندملیتی را شاهد است، تولید ناخالص داخلی‌اش به مراتب بیشتر از GNP است.

۱۸۹- گزینه «۳»

(صفحه ۴۳)

از آن‌جا که نیروی کار و سرمایه از این کشور رفته است، لذا تولید ناخالص یا خالص ملی به مراتب بیشتر از تولید خالص یا ناخالص داخلی است.

۱۹۰- گزینه «۲»

(صفحه ۴۳)

الف عمر مفید ماشین‌آلات ۵۰ سال است، پس هر سال $\frac{1}{50}$ از ارزش آن‌ها مستهلک می‌شود. در نتیجه: درصد استهلاک سالیانه $2\% = \frac{1}{50} \times 100$

ب $\frac{50,000,000}{50} = 1,000,000$ ارزش کل ماشین‌آلات = هزینه استهلاک سالیانه

هزینه استهلاک - تولید ناخالص ملی = تولید خالص ملی

$$981,000,000 - 1,000,000 = 980,000,000$$

۱۹۱- گزینه «۳»

(صفحه ۴۲)

ارزش مواد غذایی $30 \times 200,000 = 6,000,000$

ارزش پوشاک $2000 \times 20,000 = 40,000,000$

ارزش ماشین‌آلات $400 \times 4,000,000 = 1,600,000,000$

خدمات ارائه‌شده $20,000,000$

تولید ناخالص داخلی $6,000,000 + 40,000,000 + 1,600,000,000$

ریال $1,666,000,000 + 20,000,000$

در این گونه مسائل باید در هر مورد $P \times Q$ محاسبه شود؛ یعنی مقدار (تعداد)

\times قیمت؛ بعد همه با هم جمع شود تا تولید ناخالص داخلی به دست آید.

۱۹۲- گزینه «۲»

(صفحه‌های ۴۳ و ۴۴)

ارزش کل مواد غذایی $50 \times 200,000 = 10,000,000$

ارزش کل پوشاک $3000 \times 30,000 = 90,000,000$

ارزش کل ماشین‌آلات $600 \times 5,000,000 = 3,000,000,000$

خدمات ارائه‌شده $50,000,000$

تولید ناخالص داخلی $10,000,000 + 90,000,000$

ریال $3,150,000,000 + 3,000,000,000 + 50,000,000$

نکته: اگر کل تولیدات جامعه را محاسبه کرده باشیم، آن را «تولید

ناخالص» می‌نامیم، اما اگر هزینه‌های استهلاک را از تولیدات ناخالص کسر

کنیم، «تولید خالص» به دست می‌آید.

هزینه استهلاک - تولید ناخالص ملی (داخلی) = تولید خالص ملی (داخلی)

ریال $3,150,000,000 - 150,000,000 = 3,000,000,000$

تولید خالص ملی و داخلی در عمل جز در مورد برخی کشورها، که نیروی

کار و سرمایه‌های زیادی از آن‌ها در خارج از مرزهایشان کار می‌کنند (مثل

لبنان) یا در کشور خود حضور چشمگیری از سرمایه‌گذاری تولیدکنندگان

چندملیتی دارند (مثل هنگ‌کنگ) تفاوت فاحشی با هم ندارند و بنابراین در

کشورهایی مثل ایران می‌توانند به جای یکدیگر به کار روند.

۱۹۳- گزینه «۴»

(صفحه‌های ۴۳ و ۴۴)

هزینه استهلاک \rightarrow ریال $46,000,000,000 \times \frac{1}{100} = 460,000,000$

هزینه استهلاک - تولید ناخالص ملی = تولید خالص ملی

ریال $46,000,000,000 - 460,000,000 = 41,400,000,000$

GNP همان تولید ناخالص ملی است که در صورت سؤال داده شده است و

استهلاک ۱٪ کل تولید ناخالص ملی است که آن را محاسبه می‌کنیم. سپس

از آن‌جا که سؤال، تولید خالص را از ما خواسته است، باید هزینه استهلاک را

از GNP کم کنیم. $GNP = \text{Gross National Product}$

۱۹۴- گزینه «۲»

(صفحه‌های ۴۳ و ۴۴)

الف / ب هزینه استهلاک برابر است با همان پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری جدید سالیانه یعنی ۵ میلیون ریال و چون این هزینه استهلاک برابر است با $\frac{1}{25}$ قیمت اولیه دستگاه بالا؛ بنابراین داریم:

میلیون ریال ۵ = میزان پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری = هزینه استهلاک جدید سالیانه

هزینه استهلاک = قیمت اولیه $\times \frac{1}{25}$

میلیون ریال ۱۲۵ = قیمت اولیه \Rightarrow ۵ = قیمت اولیه $\times \frac{1}{25}$

ب ارزش دستگاه = عمر مفید \Rightarrow ارزش دستگاه = هزینه استهلاک \times عمر مفید

سال ۲۵ = عمر مفید \Rightarrow ۱۲۵ = ارزش دستگاه

ث قیمت افزوده‌شده در ۲ سال آخر + قیمت اولیه = قیمت جدید دستگاه

میلیون ریال ۱۷۵ = ۱۲۵ + ۵۰

میلیون ریال ۷ = هزینه استهلاک سالانه جدید $\frac{175}{25}$

میلیون ریال ۱۴ = ۷ \times ۲ = هزینه استهلاک دو سال آخر

۱۹۵- گزینه «۱»

(صفحه‌های ۴۲ و ۴۴)

ارزش کل مواد غذایی $500 \times 200,000 = 100,000,000$

ارزش کل ماشین $310 \times 3,000,000 = 930,000,000$

ارزش کل پوشاک $5000 \times 20,000 = 100,000,000$

خدمات ارائه‌شده $5,000,000$

$100,000,000 + 930,000,000 + 100,000,000 + 5,000,000$

ریال $1,135,000,000 \rightarrow$ GDP

GDP = Gross Domestic Product

GDP همان تولید ناخالص داخلی است.

حال برای محاسبه تولید خالص داخلی باید هزینه استهلاک را از تولید ناخالص

داخلی کم کنیم. $1,135,000,000 - 100,000,000 = 1,035,000,000$

از آن‌جا که سؤال، تولید داخلی را خواسته، پس تولید ایرانیان مقیم کانادا برایمان

اهمیتی ندارد، زیرا، در تولید داخلی، فقط تولید خارجیان مقیم ایران محاسبه

می‌شود؛ یعنی تولیدات درون یک مرز جغرافیایی مشخص برایمان اهمیت دارد.

تولید ایرانیان مقیم کانادا در محاسبه تولید ملی ارزشمند است.

نکته: اگر مجبور به محاسبه تولید ایرانیان مقیم کانادا در محاسبه تولید کل

بودیم، باید دلار را به ریال تبدیل می‌کردیم، زیرا واحدها باید یکسان باشند.

۱۹۶- گزینه «۳»

(صفحه‌های ۴۲ و ۴۴)

ارزش کل مواد غذایی $300 \times 800,000 = 240,000,000$

ارزش کل پوشاک $4000 \times 40,000 = 160,000,000$

ارزش کل ماشین‌آلات $500 \times 5,000,000 = 2,500,000,000$

ارزش کل خدمات ارائه‌شده $1,000,000,000$

تولید ناخالص داخلی $240,000,000 + 160,000,000 + 2,500,000,000$

ریال $3,900,000,000 + 1,000,000,000 + 6,000,000,000$

نکته: وقتی تولید ناخالص داخلی موردنظر باشد، یعنی تولیدات کل افراد درون

مرزهای جغرافیایی یک کشور در طول یک سال، پس تولیدات خارجیان مقیم

داخل کشور را هم باید حساب کنیم؛ بنابراین در این سؤال، تولید سرمایه‌گذاران

چندملیتی (خارجی) مقیم هنگ‌کنگ را باید در محاسبه GDP منظور کنیم.

نکته: وقتی تولید ناخالص ملی، یعنی تولیدات کل افراد یک ملت در طول یک

سال (حتی اگر در خارج از مرزهای جغرافیایی آن کشور مقیم باشند) موردنظر

باشد، پس تولید هنگ‌کنگی‌های مقیم ژاپن هم باید در محاسبه منظور گردد.

تولید ناخالص ملی $240,000,000 + 160,000,000 + 2,500,000,000$

ریال $3,900,000,000 + 3,000,000,000 + 1,000,000,000$

• حال تولید خالص ملی خواسته شده؛ پس باید هزینه استهلاک را از آن کم کنیم.
 هزینه استهلاک \rightarrow ریال $125,000,000 = \frac{5}{100} \times 2,500,000,000$
 تولید خالص ملی \rightarrow ریال $3,903,000,000 - 125,000,000 = 3,778,000,000$

۱۹۷- گزینه «۳»

(صفحه ۴۴)

درآمد صاحبان سرمایه + درآمد حقوق‌بگیران = درآمد ملی
 (قیمت خدمات سرمایه) + (دستمزدها)
 سودی که نصیب شرکت‌ها + درآمد صاحبان املاک +
 و مؤسسات می‌شود + مشاغل آزاد و مستغلات (اجاره)
 $25,000,000,000 + 3,000,000,000 + 35,000,000,000 =$
 $63,000,000,000$ تومان
 از تقسیم هر پارامتری بر تعداد جمعیت، سرانه آن به دست می‌آید.
 تومان $1,300 = \frac{63,000,000,000}{100,000,000}$ = درآمد ملی / جمعیت

۱۹۸- گزینه «۳»

(صفحه‌های ۳۴ و ۳۶)

الف - برای محاسبه میزان تولید کل، باید همه اعداد مندرج در جدول را جمع بزنیم؛ یعنی:

$19300 = 3850 + (\frac{1}{4} \times 6400) + 3200 + 2450 + 1800 + 6400$ درآمد ملی
ب - تولید کل را از هر کدام از روش‌های «درآمدی»، «هزینه‌ای» و «ارزش افزوده» که حساب کنیم، جواب یکسانی به دست می‌آید.

پ - برای این که بدانیم کدام کشور موفق‌تر عمل کرده است باید میزان صادرات کشورها را بر میزان تولید کل آن‌ها تقسیم کنیم؛ هر کشوری که عدد بزرگ‌تری از این تقسیم به دست آورد، موفق‌تر فرض می‌شود. بنابراین در این جا کشور B که میزان صادراتش $\frac{1}{3}$ حجم تولیدش می‌باشد، موفق‌تر است:

$$\frac{3860}{19300} = \frac{1}{5} = 0.2 = \text{نسبت صادرات کشور A به تولید کل یا درآمد ملی}$$

$$\frac{7720}{15440} = \frac{1}{2} = 0.5 = \text{نسبت صادرات کشور B به تولید کل یا درآمد ملی}$$

$$\frac{19,300,000,000}{50,000,000} = \text{درآمد ملی / جمعیت کل} = \text{درآمد سرانه}$$

واحد پولی = ۳۸۶,۰۰۰

مثلاً می‌پرسی سرولکه این همه صفر بیوه از کجا پیدا شد؟! فب توی صورت سوال اعداد به میلیارد و اهر پولی اون کشور بود، ما این‌ها برای محاسبه درآمد سرانه، اون رو تبدیل به فود واحد پولی کردیم!
ث - درآمد صاحبان سرمایه = قیمت خدمات سرمایه / درآمد صاحبان املاک و مستغلات = اجاره

۱۹۹- گزینه «۱»

(صفحه ۴۴)

برای محاسبه تولید خالص ملی سرانه، باید ابتدا میزان استهلاک را از میزان تولید ناخالص ملی کم کنیم و سپس عدد به دست آمده را بر جمعیت کل کشور تقسیم کنیم؛ بنابراین:

میلیون ریال $9,350 = 1500 - 9,500$ = تولید خالص ملی کشور A

ریال $116,875 = \frac{9,350,000,000}{80,000}$ = تولید خالص ملی سرانه کشور A

میلیون ریال $240,000 = 20,000 - 260,000$ = تولید خالص ملی کشور B

میلیون ریال $320,000 = \frac{240,000,000,000}{750,000}$ = تولید خالص ملی سرانه کشور B

میلیون ریال $5,750 = 2500 - 6,000$ = تولید خالص ملی کشور C

ریال $287,500 = \frac{5,750,000,000}{20,000}$ = تولید خالص ملی سرانه کشور C

میلیون ریال $80,000 = 85,000 - 5,000$ = تولید خالص ملی کشور D

ریال $500,000 = \frac{80,000,000,000}{160,000}$ = تولید خالص ملی سرانه کشور D

$D > B > C > A$ = ترتیب تولید خالص ملی سرانه کشورها

۲۰۰- گزینه «۳»

در «روش هزینه‌ای» نگران اندازه‌گیری تولیدات واسطه‌ای و مواد اولیه نیستیم؛ زیرا ارزش پولی همه آن‌ها را در محاسبه کالاها و خدمات نهایی خود به خود اندازه‌گیری کرده‌ایم.

۲۰۱- گزینه «۱»

بدیهی است که در محاسبه تولید کل جامعه هر سه روش (درآمدی، هزینه‌ای و ارزش افزوده) پاسخ یکسانی به ما خواهد داد. از این رو، برای جلوگیری از اشتباه، متولیان حسابداری ملی کشور، حداقل با دو روش، تولید کل را محاسبه و نتایج را با هم مقایسه می‌کنند.

۲۰۲- گزینه «۴»

باید مبلغ کالا یا خدمت نهایی را حساب کنیم؛ یعنی ۵۰۰۰ ریال.
 ریال $5000 = \text{قیمت کالای اولیه} = \text{ارزش افزوده مرحله اول}$
 ریال $1000 = 5000 - 1500 = \text{ارزش افزوده مرحله دوم}$
 ریال $1500 = 1500 - 3000 = \text{ارزش افزوده مرحله سوم}$
 ریال $2000 = 5000 - 3000 = \text{ارزش افزوده مرحله چهارم}$
 $1500 + 1000 + 5000 = \text{قیمت نهایی کالا} = \text{جمع ارزش افزوده‌های مراحل}$
 ریال $5000 = 2000 +$
 نام دیگر روش ارزش افزوده، روش تولید است.

۲۰۳- گزینه «۱»

با علم به این که هر آن چه در کشور تولید شده و درآمدی که از آن کسب شده، نهایتاً بین عوامل تولید تقسیم شده است، با جمع‌زدن همه اجزای آن (مزدها - سودها - اجاره‌ها)، درآمد همه بازیگران و فعالان در عرصه اقتصاد داخلی یا ملی و تولید کل را محاسبه می‌کنیم. این روش را «روش درآمدی» می‌نامند.
 $2,000,000,000 + 8,000,000,000 + 3,000,000,000 =$
 $13,000,000,000$ تومان

۲۰۴- گزینه «۲»

روش هزینه: جمع ارزش پولی تولیدات نهایی آن‌جا که به خانوارها فروخته می‌شود. روش درآمدی: جمع ارزش مزدها، سودها و اجاره‌ها
 روش ارزش افزوده: جمع ارزش تولیدشده در مراحل مختلف تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی

ب - هر سه روش جواب یکسانی به ما خواهند داد، بنابراین برای جلوگیری از اشتباه متولیان حسابداری ملی کشور، تولید کل را حداقل با دو روش محاسبه و نتایج را با هم مقایسه می‌کنند.

۲۰۵- گزینه «۳»

راه میان بر اصلاً نیازی به انجام محاسبات نیست، زیرا هر سه روش «درآمدی - هزینه‌ای - ارزش افزوده» به ما جواب یکسانی خواهند داد. پس وقتی مجموع ارزش افزوده‌ها ۴۳ میلیارد تومان است، پس میزان تولید کل با روش درآمدی هم به همین میزان است.

۲۰۶- گزینه «۱»

الف - با فرض این که هر تولید ملی (داخلی)، درآمدی را برای تولیدکنندگان آن و عوامل تولید ملی (داخلی) ایجاد کرده است، می‌توان درآمد ملی (داخلی) را نیز، که دقیقاً معادل تولید است به عنوان یکی از شاخص‌های کلان اقتصادی مورد استفاده قرار داد.

ب - اگر به طور متوسط عمر مفید سرمایه‌های فیزیکی کشور ۲۰ سال باشد، سالانه می‌باید معادل ۵٪ ($\frac{1}{20} =$) ارزش آن سرمایه را به عنوان استهلاک در نظر بگیریم و از تولید کم کنیم؛ چراکه بعد از ۲۰ سال کلاً آن وسیله مستهلک و غیرقابل استفاده می‌شود.

پ - درآمد صاحبان سرمایه \leftarrow قیمت خدمات سرمایه
 درآمد صاحبان املاک و مستغلات \leftarrow اجاره

۲۰۷- گزینه «۱»

(صفحه ۴۶)

اندازه صادرات = $\frac{\text{میزان موفقیت در صادرات}}{\text{حجم کل اقتصاد (تولید ملی)}}$
 برای این که راحت تر باشیم به درصد حساب می‌کنیم:

موفق تر $\Rightarrow \frac{5,000,000,000}{100,000,000,000} = 5\%$ ✓ کشور A

کشور B $\Rightarrow \frac{10,000,000,000}{50,000,000,000} = 20\%$

۲۰۸- گزینه «۲»

(صفحه ۴۶)

درآمد یا تولید ملی = $\frac{\text{درآمد سرانه}}{\text{جمعیت}}$
 درآمد سرانه کشور مالزی = $\frac{1,000,000,000,000}{100,000,000} = 10,000\$$
 درآمد سرانه کشور قطر = $\frac{910,000,000,000}{91,000} = 10,000,000\$$ ✓

اختلاف درآمد سرانه قطر و مالزی = $10,000,000 - 10,000 = 990,000\$$
نکته: تعداد معدودی از کشورهای در حال توسعه با داشتن یک ماده گران‌بهای معدنی (مثل نفت) و صادرات مقادیر زیادی از آن امکان دستیابی به درآمد سرانه بالا را دارند. (مثل قطر)

۲۰۹- گزینه «۱»

(صفحه ۴۵)

جریان یافتن پول کالاها و خدمات خریداری شده توسط خانوارها به سوی بنگاه‌های اقتصادی، به روش «هزینه‌ای» اشاره دارد.
 جریان یافتن وجوه پرداختی بنگاه‌ها (تحت عنوان مزد، سود و اجاره) به سوی خانوارها، به روش «درآمدی» اشاره دارد.

۲۱۰- گزینه «۴»

(صفحه ۴۸)

برای پاسخ به این سوال باید توی همه گزینه‌ها به حساب و کتاب انجام بدیم؛ همین پوری نمی‌شه جواب رو پیدا کرد؛ پس:

گزینه (۱): اگر دستمزد کارکنان دولت ۱۲٪ افزایش یابد و در همان زمان تورم ۷٪ باشد، قدرت خرید واقعی کارکنان ۵٪ افزایش یافته است. $12\% - 7\% = 5\%$
 گزینه (۲): اگر تورم جهانی ۲۰٪ باشد و صادرات اسمی ۱۲٪ افزایش یافته باشد، صادرات واقعی ۸٪ کاهش یافته است. $12\% - 20\% = -8\%$
 گزینه (۳): اگر سود اسمی سهام در بازار سرمایه ۱۰٪ باشد و نرخ تورم در همان زمان برابر با ۴٪ باشد، سود واقعی سهام ۶٪ است. $10\% - 4\% = 6\%$
 گزینه (۴): اگر نرخ تورم ۱۵٪ باشد و سود اسمی که بانک به سپرده‌های مردم می‌پردازد ۲۰٪ باشد، سود واقعی ۵٪ است. $20\% - 15\% = 5\%$

۲۱۱- گزینه «۴»

(صفحه‌های ۴۶ و ۴۷)

میزان تولید در سال پایه	-	میزان تولید در سال موردنظر به قیمت ثابت	=	افزایش تولید در سال موردنظر
میزان تولید در سال موردنظر برحسب قیمت پایه	-	میزان تولید در سال موردنظر برحسب قیمت جاری	=	افزایش قیمت‌ها (تورم) در سال موردنظر

میزان رقم تولید ناشی از افزایش قیمت در سال سوم = $3500 - 3300 = 200$
 از این طریق متوجه می‌شویم این قیمت بالاتر، ناشی از تولید بیشتر است یا تورم؛ زیرا اگر جامعه‌ای دچار تورم باشد، تولید کل محاسبه شده در هر سال، رقم بزرگ‌تری را نشان می‌دهد.

۲۱۲- گزینه «۲»

(صفحه ۴۷)

الف- با فرض این که سال مورد سؤال، سال ۹۵ و سال پایه، سال ۹۴ است و بر پایه اطلاعات مندرج در جدول داریم:
 میزان افزایش تولید کل جامعه ناشی از افزایش مقدار تولید در سال ۹۵ تولید کل در سال پایه - تولید به قیمت ثابت در سال ۹۵ =

$$= [(1000 \times 30) + (1500 \times 20)] - [(1000 \times 30) + (1000 \times 20)]$$

تومان $60,000 - 50,000 = 10,000$

با توجه به این که در قسمت (ب) تمام گزینه‌ها، عبارت «افزایش تولید کل در سال ۹۶» به کار رفته است، پس ابتدا باید میزان این تولید را حساب کنیم؛ بنابراین:

تولید کل در سال پایه - میزان تولید کل = افزایش تولید کل به قیمت جاری در سال ۹۶

$$= [(40 \times 1500) + (35 \times 2000)] - [(1000 \times 30) + (1000 \times 20)]$$

تومان $130,000 - 50,000 = 80,000$

حالا وقتشه که میزان افزایش تولید در سال ۹۶ ناشی از افزایش مقدار تولید را محاسبه کنیم:

میزان افزایش تولید کل جامعه ناشی از افزایش مقدار تولید در سال ۹۶

$$= [(1500 \times 30) + (2000 \times 20)] - [(1000 \times 30) + (1000 \times 20)]$$

تومان $85000 - 50,000 = 35,000$

میزان افزایش تولید کل در سال ۹۶ ناشی از افزایش قیمت

تومان $80,000 - 35,000 = 45,000$

۲۱۳- گزینه «۴»

(صفحه ۴۷)

الف- تولید کل به قیمت ثابت در سال ۹۲ برابر است با محاسبه $P_{91} \times Q_{92}$ ؛ یعنی میزان تولید در سال ۹۲ با فرض قیمت ثابت سال ۹۱:

$$(100 \times 1000) + (800 \times 1,200) = 100,000 + 960,000 = 1,060,000$$

ب- تولید کل به قیمت جاری در سال ۹۲ برابر است با محاسبه $Q_{92} \times P_{92}$ ؛ یعنی قیمت سال ۹۲ \times تولید سال ۹۲:

$$(200 \times 100) + (1,500 \times 800) = 20,000 + 1,200,000 = 1,220,000$$

۲۱۴- گزینه «۳»

(صفحه ۴۴)

الف- تولید خالص داخلی موردنظر است؛ پس باید هزینه استهلاک را کم کنیم:

$$20,000,000 + 3,200,000,000 + 80,000,000 + 350,000,000 = 3,650,000,000$$

$$+ \frac{1}{4} \times (80,000,000) = 3,650,000,000$$

$$\frac{1}{16} \times (3,200,000,000) \rightarrow \text{هزینه استهلاک}$$

تولید ناخالص همان GDP است؛ یعنی مجموع تولیدات بدون کسر هزینه استهلاک.

۲۱۵- گزینه «۲»

(صفحه ۴۵)

الف- با توجه به قسمت (الف)، همه گزینه‌ها حذف می‌شوند. \leftarrow انتخاب گزینه (۲)

ارزش افزوده مرحله اول $\rightarrow 6500 - 1000$ \rightarrow کشاورز به ریسندگی

پنبه به نخ $\rightarrow 7500 - 1500$

نخ به پارچه $\rightarrow 9000 - 7000$

پارچه به پوشاک $\rightarrow 16000 - 7000$

ارزش افزوده هر مرحله، اختلاف آن مرحله با مرحله قبل از خود می‌باشد. این روش محاسبه کل را روش تولید یا روش ارزش افزوده می‌نامیم. (حذف گزینه‌های (۱) و (۴))

پ- برای محاسبه ارزش کل کالاها و خدمات، سه روش وجود دارد: هزینه‌ای درآمدی تولید یا ارزش افزوده

ت- کارشناسان برای جلوگیری از اشتباه، حداقل از دو روش برای انجام محاسبات استفاده می‌کنند، اما بدیهی است که با هر سه روش، به جواب یکسانی خواهیم رسید.

۲۱۶- گزینه «۱»

(صفحه‌های ۴۲ و ۴۴)

خدمات ارائه شده \rightarrow ریال $9,000,000 = \frac{1}{9} \times 81,000,000$
 هزینه استهلاک \rightarrow ریال $200,000,000 = \frac{1}{18} \times 3,600,000,000$

مجموع ارزش تمام تولیدات
 $3,600,000,000 + 81,000,000 + 180,000,000 + 9,000,000$
 $= 3,870,000,000$ ریال \rightarrow تولید ناخالص داخلی
 تولید خالص داخلی $3,870,000,000 - 200,000,000 = 3,670,000,000$
 تولید خالص داخلی = هزینه استهلاک - تولید خالص داخلی

۲۱۷- گزینه «۴»

(صفحه ۴۴)

الف) تولید خالص داخلی = تولید ناخالص داخلی پس از کسر هزینه‌های استهلاک

ارزش کل مواد غذایی $15,000,000,000 = 500 \times 30,000,000$
 ارزش کل ماشین‌آلات $250,000,000,000 = 5000 \times 50,000,000$
 ارزش کل پوشاک $7,500,000,000 = 500,000 \times 15,000$
 ارزش خدمات $5,000,000,000 = \frac{2}{3} \times 7,500,000,000$

میلیون ریال $277,500,000,000 = 277,500$ = تولید ناخالص داخلی
 حذف گزینه‌های (۱) و (۲)

هزینه استهلاک $10,000,000,000 = \frac{1}{25} \times 250,000,000,000$
 هزینه استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی
 ریال $267,500,000,000 = 277,500,000,000 - 10,000,000,000$
 میلیون ریال $267,500$ = تولید خالص داخلی

ب) (حذف گزینه (۳))

در صورت سؤال با توجه به حذف گزینه‌ها، دیگر نیازی به ادامهٔ پاسخگویی نیست و گزینه (۴) را انتخاب می‌کنیم.

پ) تولید خالص داخلی سرانه = $\frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{جمعیت}}$
 تولید سرانهٔ خالص داخلی = ریال $5350 = \frac{267,500,000,000}{50,000,000}$

۲۱۸- گزینه «۱»

(صفحه ۴۷)

الف) هزار میلیارد ریال $50 = 1650 - 1700$ = رشد قیمت‌های سال دوم
 هزار میلیارد ریال $165 = 1710 - 1875$ = رشد قیمت‌های سال سوم
 (حذف گزینه‌های (۲) و (۴))

ب) هزار میلیارد ریال $150 = 1650 - 1500$ = رشد تولید سال دوم
 هزار میلیارد ریال $210 = 1710 - 1500$ = رشد تولید سال سوم
 (حذف گزینه (۳))

پاسخ قسمت (پ) نیز همانند پاسخ قسمت (الف) است.

۲۱۹- گزینه «۲»

(صفحه ۴۴)

الف) هزینه استهلاک سالیانه ریال $2,000,000,000 = \frac{13}{6/5}$
 میزان افزایش بهای دستگاه $1300 = 13000 \times \frac{1}{100}$
 ب) قیمت جدید دستگاه با محاسبهٔ ۱۰٪ افزایش بها:
 $13,000 + 1300 = 14,300$

هزینه استهلاک سالانه با محاسبهٔ ۱۰٪ افزایش بها:

$14,300 \div 6,5 = 2,200$
 هزینه استهلاک دو سال آخر $4,400 = 2,200 \times 2$

پ ۱۴,۳۰۰

۲۲۰- گزینه «۴»

(صفحه‌های ۴۲ و ۴۴)

الف) تمام واحدها به ریال محاسبه شده است.

میلیون ریال $7,500,000,000 = 7,500 \times 1,000,000,000$: ارزش پوشاک
 میلیون ریال $250,000,000,000 = 250 \times 100,000,000,000$: ارزش ماشین‌آلات
 میلیون ریال $15,000,000,000 = 15 \times 1,000,000,000$: ارزش مواد غذایی
 خدمات ارائه شده $9,000,000,000 = \frac{3}{5} \times 15,000,000,000$
 هزینه استهلاک $5,000,000,000 = \frac{2}{3} \times 7,500,000,000$
 $250,000,000,000 + 7,500,000,000 + 15,000,000,000$
 تولید ناخالص داخلی $281,500,000,000 = 281,500,000,000 + 9,000,000,000$
 تولید خالص داخلی $276,500,000,000 = 281,500,000,000 - 5,000,000,000$

ب) تولید خالص داخلی = $\frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{جمعیت کل کشور}}$
 $\Rightarrow \frac{276,500,000,000}{50,000,000} = 5,530$

پ) ۲۸۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تولید ناخالص یعنی بدون محاسبهٔ هزینه استهلاک
 (صفحه ۴۴)

۲۲۱- گزینه «۲»

همة واحدها میلیارد ریال است.

الف) هزینه استهلاک سالیانه $4 = \frac{\text{قیمت کالا}}{\text{عمر مفید}} = \frac{28}{7}$

ب) / قیمت جدید با احتساب ۱۵٪ افزایش قیمت
 $28 \times \frac{15}{100} = 4/2$
 $4/2 + 28 = 32/2 = 32,200$
 هزینه استهلاک سالانه با قیمت جدید $4/6 = 32/2$

هزینه استهلاک ۳ سال آخر با قیمت جدید $13/8 = 13,800 = 4/6 \times 3$

۲۲۲- گزینه «۱»

الف) وجوه پرداختی به عوامل تولید تحت عنوان مزد، سود و اجاره به نیروی کار، صاحبان سرمایه و املاک و مستغلات تعلق می‌گیرد.

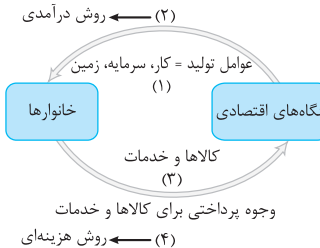
ب) عوامل تولید زمین یا منابع طبیعی سرمایه نیروی کار

پ) وجوه پرداختی برای کالاها و خدمات از سوی خانوارها به بنگاه‌های اقتصادی در مسیر ۴ قرار دارد.

ت) مسیر ۲ بیانگر محاسبهٔ تولید کل به روش «درآمدی» است.

ث) اشخاص حقوقی = بنگاه‌های اقتصادی

خانوارها صاحبان عوامل تولید می‌باشند و بنگاه‌های اقتصادی، اشخاص حقوقی اقتصاداند. وجوه پرداختی به عوامل تولید = (مزد، سود، اجاره)



۲۲۳- گزینه «۱»

تولید خارجیان مقیم کشور \leftarrow تولید داخلی \leftarrow درون مرزهای جغرافیایی

تولید مردم کشور + تعداد خارجیان - تولید ناخالص داخلی = تولید ملی
 مقیم هستند مقیم کشور داخلی ناخالص ملی

میلیارد ریال $10 = x \Rightarrow 255 = 265 - x \Rightarrow x = 10$

۲۲۴- گزینه «۴»

(صفحه‌های ۴۴ و ۴۵)

میلیارد ریال $12 = \frac{2}{3} \times 18 = \frac{2}{3} \times 18$ (ارزش تولید / ارزش خدمات خارجیان مقيم کشور) = $\frac{2}{3} \times 18$ ارائه شده

تولید ارزش خدمات + ماشین‌آلات مواد غذایی پوشاک داخلی = ارزش تولید خارجیان + خدمات + ماشین‌آلات مواد غذایی پوشاک داخلی = ناخالص داخلی مقيم کشور ارائه شده

میلیارد ریال $175 = 145 + 12 + 18 = 175$ = تولید ناخالص داخلی

میلیارد ریال $27 = \frac{3}{5} \times 45 = 27$ = هزینه استهلاك

میلیارد ریال $175 = 175 - 27 + 45 - 18 = 175$ = تولید خالص ملی

هزینه استهلاك - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی

میلیارد ریال $148 - 27 = 175$ = تولید خالص داخلی

ریال $3288/8 = \frac{148,000}{45} = 3288/8$ = تولید خالص داخلی سرانه جمعیت کشور

۲۲۵- گزینه «۲»

(صفحه ۴۵)

ارزش افزوده مرحله ۱ ← ۴۰۰۰ حذف گزینه‌های (۳) و (۴)
ارزش افزوده مرحله ۴ ← ۸۰۰۰

ارزش افزوده		ارزش افزوده
۴,۰۰۰	کاشت پنبه	۴,۰۰۰
۵,۰۰۰	تبدیل پنبه به نخ	۱,۰۰۰
۸,۰۰۰	تبدیل نخ به پارچه	۳,۰۰۰
۱۶,۰۰۰	تبدیل پارچه به پوشاک	۸,۰۰۰

روش ارزش افزوده یا روش تولید ← حذف گزینه‌های (۱) و (۳)

روش هزینه‌ای انتقال پول از خانوارها به بنگاه‌ها

روش درآمدی انتقال پول از بنگاه‌ها به خانوارها

حداقل دو روش را برای محاسبه به کار می‌گیرند و جواب‌ها را با هم مقایسه می‌کنند.

۲۲۶- گزینه «۲»

(ترکیبی)

الف در صورت فقدان یا کمبود درآمد صادراتی، مصرف‌کنندگان یک کشور مجبور می‌شوند بخشی از درآمدهای خود را که قبلاً به کالاهای مصرفی داخلی اختصاص می‌دادند به تولیدکنندگان خارجی بپردازند.

ب آن دسته از ختمشی‌های دولت که با اخذ مالیات تحقق می‌یابد (سیاست مالی) نام دارد. (در فصل‌های بعدی می‌خوانیم).

پ تولید ناخالص ملی = GNP

ت بسیاری از دانشمندان اقتصاد معتقدند که نه فقط هزینه‌های ساخت مدارس، دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها بلکه باید تمامی هزینه‌های تربیت نیروی انسانی را به عنوان هزینه سرمایه‌گذاری منظور کنیم. (در فصل‌های بعدی می‌خوانیم).

۲۲۷- گزینه «۱»

(صفحه‌های ۴۲ و ۴۴)

واحد میلیارد ریال است. $\frac{1}{5} \times 85 = 17$ = هزینه استهلاك

ارزش خدمات ارائه شده $\frac{2}{3} \times 30 = 20$

ب (GDP) تولید ناخالص داخلی $20 + 30 + 185 = 235$

در محاسبه تولید داخلی باید تولیدات داخلی مرز جغرافیایی را محاسبه کنیم، حال چه تعداد اعضای آن ملت باشند چه تولید خارجیان مقيم آن کشور.

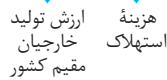
تولید ناخالص داخلی - هزینه استهلاك = تولید خالص داخلی

تولید خالص داخلی $235 - 17 = 218$

تولید خالص داخلی سرانه = $\frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{کل جمعیت}}$

تولید خالص داخلی سرانه $2,564 = \frac{218,000,000,000}{85,000,000}$

پ تولید خالص ملی $243 = (17 + 30) - (185 + 20 + 85)$



در تولید خالص ملی باید تولیدات کل یک ملت را چه در داخل مرزها باشند و چه در خارج از آن باید محاسبه کنیم.

۲۲۸- گزینه «۴»

(صفحه ۴۵)

الف مسیر ۴ ← روش هزینه‌ای (پولی) که خانوارها بابت خرید کالاها و خدمات پرداخت می‌کنند.

ب مسیر ۲ ← روش درآمدی (پولی) که بنگاه‌های اقتصادی به عوامل تولید می‌پردازند.

۲۲۹- گزینه «۳»

(صفحه ۴۵)

ارزش افزوده مرحله ۱ → ۴,۵۰۰

ارزش افزوده مرحله ۳ → ۲,۵۰۰ = ۶,۰۰۰ - ۸,۵۰۰

ب روش ارزش افزوده یا روش تولید

پ هر دو توضیح به روش «درآمدی» اشاره دارند.

ت حداقل دو روش را برای محاسبه به کار گیرند و جواب‌ها را با هم مقایسه کنند.

۲۳۰- گزینه «۲»

(صفحه ۴۴)

واحدها به میلیارد ریال است.

الف هزینه استهلاك سالیانه $\frac{98}{14} = 7$

ب میزان کاهش → میلیارد ریال $98 \times \frac{1}{100} = 98$

پ قیمت جدید → میلیارد ریال $98 - 98 = 882$

ب میلیارد ریال $63 = \frac{882}{14}$ = هزینه استهلاك جدید

میلیارد ریال $252 = 63 \times 4$ = هزینه استهلاك ۴ سال آخر

۲۳۱- گزینه «۴»

(صفحه ۴۴)

$840 \div 12 = 70$

میزان هزینه استهلاك سالیانه $840 \times \frac{12}{100} = 100/8$

ب / پ $840 + 100/8 = 940/8 = 94,800$

میلیون ریال $78,400 = \frac{94,800}{12}$ = هزینه استهلاك با قیمت جدید

میلیون ریال $235,500 = 78,400 \times 3$

۲۳۲- گزینه «۱»

(صفحه‌های ۴۲ و ۴۵)

الف قدرت اقتصادی جامعه و سطح زندگی مردم آن ← میزان تولید کالا و خدمات

ب درآمد ملی = مجموع درآمدهایی است که در طول سال نصیب اعضای جامعه می‌شود.

سودی که نصیب شرکت‌ها و مؤسسات می‌شود + درآمد صاحبان مشاغل آزاد + درآمد صاحبان املاک و مستغلات + قیمت خدمات سرمایه + درآمد حقوق‌بگیران

پ کالای نهایی - کالای واسطه‌ای

ت تولید ناخالص ملی = ارزش پولی کلیه کالاها و خدمات نهایی که اعضای یک ملت در طول یکسال تولید کرده‌اند.

ث هزینه استهلاك

ج روش ارزش افزوده یا روش تولید

۲۳۳- گزینه «۲»

(صفحه‌های ۴۲ و ۴۴)

هزینه استهلاك $10 = \frac{2}{3} \times 15$ خدمات ارائه شده $39 = \frac{3}{5} \times 65$

الف تولید مردم کشور که خدمات + مجموع ارزش = تولید ناخالص در خارج هستند. ارائه شده افزوده‌ها ملی

تولید ناخالص ملی $269 = 165 + 39 + 65$

ب / پ

هزینه استهلاک - تولید ناخالص = تولید خالص ملی
 $\Rightarrow 269 - 10 = 259$

تولید ناخالص داخلی = $165 + 39 + 15 = 219$
 تولید خارجیان مقیم کشور

تولید خالص داخلی = $219 - 10 = 209$

تولید خالص داخلی سرانه = $\frac{209,000,000,000}{65,000,000} = 3,215$

گزینه «۱»

(صفحه ۴۰)

الف حسابداری ملی شاخه‌ای از مطالعات اقتصادی است که با ارائه شاخص‌های متنوع به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد.

ب تولید داخلی

پ که اقتصاد زیرزمینی است جزء تولید کشور محسوب نمی‌شود و در حسابداری ملی محاسبه نمی‌شود.

ت با ۳ روش می‌توان ارزش کل تولیدات جامعه را محاسبه کرد. در روش هزینه‌ای کل پولی را که از طرف خانوارها به سمت بنگاه‌ها جریان پیدا می‌کند، محاسبه می‌شود.

ث به جوبای واحد و یکسان می‌رسیم.

ج این رقم بزرگ‌تر به معنای افزایش تولید نیست بلکه افزایش قیمت را نشان می‌دهد.

گزینه «۳»

(صفحه ۴۳)

تولید خارجیان - (تولید اتباع) = GNP = GDP + X
 مقیم کشور مقیم خارج

$455 = 450 + X - 25$

$455 = 425 + X$
 $\Rightarrow X = 455 - 425$
 $\Rightarrow X = 30$ (تولید اتباع مقیم خارج)

سهم تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند.

گزینه «۴»

(صفحه ۴۵)

مرحله	ارزش افزوده	قیمت فروش
۱	۳,۵۰۰	کاشت پنبه
۲	۲,۰۰۰	تبدیل پنبه به نخ
۳	۲,۰۰۰	تبدیل نخ به پارچه
۴	۶,۵۰۰	تبدیل پارچه به پوشاک

ب روش ارزش افزوده یا روش تولید

پ روش هزینه‌ای، روش هزینه‌ای

ت حداقل ۲ روش از ۳ روش را محاسبه کنند و جواب‌ها را با هم مقایسه کنند.

گزینه «۱»

(صفحه‌های ۳۳ و ۴۴)

ارزش کل تولیدات = $165,000,000,000$

تولید خارجیان مقیم کشور = 30 میلیارد ریال

در تولید داخلی محاسبه می‌شود. \rightarrow

تولید مردم کشور مقیم خارج = 85 میلیارد ریال

در تولید ملی محاسبه می‌شود. \rightarrow

ارزش خدمات = $\frac{2}{3} \times 70,000,000,000 = 20,000,000,000$

هزینه استهلاک = $\frac{1}{5} \times 85,000,000,000 = 17,000,000,000$

الف تولید خالص ملی باید هزینه استهلاک کسر شود.

$(165,000,000,000 + 85,000,000,000 + 20,000,000,000)$

ریال $252,000,000,000 = 17,000,000,000 -$

ب تولید ناخالص داخلی

جمع تولیدات = $165,000,000,000 + 20,000,000,000$

ریال $215,000,000,000 = 30,000,000,000 +$

پ تولید خالص ملی سرانه

تولید خالص ملی جمعیت = $\frac{252,000,000,000}{110,000,000} = 2,300$

(صفحه ۴۷)

گزینه «۲»

قیمت P تعداد Q

تولید کالای A در سال ۹۲ به قیمت پایه = $75 \times 300 = 22,500$

تولید کالای B در سال ۹۲ به قیمت پایه = $700 \times 60 = 42,000$

تولید کل کالای A در سال ۱۳۹۲ = $400 \times 75 = 30,000$

تولید کل کالای B در سال ۱۳۹۲ = $700 \times 120 = 84,000$

الف (حذف گزینه‌های (۳) و (۴))

تولید کل به قیمت جاری در سال ۹۲ = $84,000 + 30,000 = 114,000$

تولید کل به قیمت ثابت در سال ۹۲ = $64,500 + 42,000 = 106,500$

(صفحه ۴۴)

گزینه «۲»

هزینه استهلاک \rightarrow ریال $\frac{160,000,000}{2} = 8,000,000$

درآمد خالص \rightarrow ریال $40,000,000 - 8,000,000 = 32,000,000$
 ماهیانه

(صفحه‌های ۴۲ تا ۴۴)

گزینه «۳»

واحد به میلیارد ریال محاسبه می‌شود.

ارزش خدمات ارائه شده = $\frac{2}{3} \times 45 = 30$

هزینه استهلاک = $\frac{3}{5} \times 25 = 15$

GDP = $145 + 25 + 30 = 200$

تولید خالص داخلی هزینه استهلاک - GDP

تولید خالص داخلی = $200 - 15 = 185$

GNP = $145 + 45 + 30 = 220$

تولید خالص ملی = $220 - 15 = 205$

تولید خالص داخلی = $\frac{\text{تولید کل داخلی سرانه}}{\text{جمعیت کل کشور}}$

$\Rightarrow \frac{185,000,000,000}{50,000,000} = 3,700$

(صفحه ۴۷)

گزینه «۱»

الف تولید کل سال ۹۰ به قیمت جاری

$\Rightarrow (150 \times 25) + (50 \times 300) = 18,750$

ب تولید کل سال ۹۰ به قیمت ثابت

$\Rightarrow (100 \times 25) + (200 \times 300) = 8,500$

(صفحه ۴۴)

گزینه «۳»

هزینه استهلاک سالیانه = $\frac{120,000,000}{15} = 8,000,000$

درآمد خالص سالیانه = $30,000,000 - 8,000,000 = 22,000,000$

(صفحه ۴۵)

گزینه «۳»

الف روش درآمدی مربوط به مسیر ۲ است که در آن بنگاه‌های اقتصادی، اجزای تولید (دستمزد، اجاره، سود) را به خانوارها پرداخت می‌کنند.

ب وجوه پرداختی به عوامل تولید عبارتند از: مزد، سود و اجاره

پ عوامل تولید عبارتند از: زمین (منابع طبیعی)، سرمایه و نیروی کار.

ت وجوه پرداختی برای کالاها و خدمات مربوط به مسیر ۴ است که روش هزینه‌ای را نشان می‌دهد.

۲۴۴- گزینه «۳»

(صفحه ۴۳)

الف ارزش دستگاه = هزینه استهلاک سالانه / عمر مفید دستگاه

حذف گزینه‌های (۲) و (۴) → ریال $8,000,000 = \frac{120,000,000}{15}$

ریال $22,000,000 = 30,000,000 - 8,000,000$ = درآمد خالص سالانه‌بناگاه

۲۴۵- گزینه «۱»

(صفحه ۴۷)

الف تولید در سال - تولید در سال دوم = افزایش تولید کل به مفروض به قیمت - به قیمت جاری

هزار میلیارد ریال $2210 - 2140 = 70$

حذف گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴)

تولید در سال پایه - به قیمت ثابت = افزایش تولید در یک سال

حذف گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) → هزار میلیارد ریال $2280 - 2000 = 280$

۲۴۶- گزینه «۳»

(صفحه ۴۴)

الف تولید خالص ملی: ارزش خدمات + ارزش پوشاک + مواد غذایی + ماشین‌آلات + تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند (این‌ها اعضای یک ملت هستند و تولیداتشان مورد محاسبه در تولید ملی واقع می‌شود).

بهای خدمات → میلیارد ریال $11 = \frac{1}{4} \times 44,000,000,000$

تولید ناخالص ملی → میلیارد ریال $206 = 11 + 45 + 150$

هزینه استهلاک → میلیارد ریال $30 = \frac{2}{3} \times 45,000,000,000$

برای محاسبه تولید خالص ملی، هزینه استهلاک را از تولید ناخالص ملی کم می‌کنیم. تولید خالص ملی → میلیارد ریال $176 = 206 - 30$

حذف گزینه‌های (۲) و (۴)

تولید خالص داخلی → $175 = 205 - 30$

تولید ناخالص داخلی - هزینه استهلاک = تولید خالص داخلی

ریال $5 = \frac{175}{35} = \frac{\text{تولید خالص داخلی}}{\text{جمعیت کشور}}$

حذف گزینه‌های (۲) و (۴)

تولید ناخالص داخلی: ارزش پوشاک + ارزش مواد غذایی + ارزش ماشین‌آلات + ارزش تولید خارجی‌ان مقیم کشور + ارزش خدمات

تولید ناخالص داخلی → میلیارد ریال $205 = 11 + 44 + 150$

حذف گزینه‌های (۱) و (۲)

۲۴۷- گزینه «۲»

(صفحه ۴۵)

الف ارزش پنبه $6,500$ ← مرحله اول

ریسندگی: تبدیل پنبه به نخ $7,500$ ← مرحله دوم

پارچه‌بافی: تبدیل نخ به پارچه $11,000$ ← مرحله سوم

تبدیل پارچه به پوشاک $19,000$ ← مرحله چهارم

حذف گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴)

روش ارزش افزوده یا روش تولید ← حذف گزینه‌های (۱) و (۳)

جریان پول از بناگاه‌ها به خانوارها ← روش درآمدی

جریان پول از خانوارها به بناگاه‌ها ← روش هزینه‌ای ← حذف گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴)

اقتصاددانان برای جلوگیری از اشتباه، حداقل دو روش را برای محاسبه به کار می‌گیرند و جواب‌ها را مقایسه می‌کنند.

۲۴۸- گزینه «۳»

(صفحه‌های ۴۳ و ۴۴)

ریال $17 = \frac{85}{5}$ = هزینه استهلاک سالیانه

حذف گزینه‌های (۱) و (۲)

میزان افزایش قیمت کالا → ریال $85,000,000,000 \times \frac{7}{100} = 5,950,000,000$

ریال $90,950,000,000 = 85,000,000,000 + 5,950,000,000$ = قیمت جدید آن کالا

ریال $8,190,000,000 = \frac{90,950,000,000}{11}$ = هزینه استهلاک سالیانه با قیمت جدید

ریال $36,380,000,000 = 8,190,000,000 \times 2 = 2$ سال آخر

۲۴۹- گزینه «۱»

(صفحه‌های ۴۳ و ۴۴)

ریال $99,000,000,000 = 9,000,000,000 \times 11$ = هزینه استهلاک سالیانه

ریال $8,910,000,000 = \frac{99,000,000,000}{11}$ = میزان افزایش قیمت کالا

ریال $107,910,000,000 = 99,000,000,000 + 8,910,000,000$ = بهای جدید کالا

ریال $9,810,000,000 = \frac{107,910,000,000}{11}$ = هزینه استهلاک سالانه با قیمت جدید

ریال $39,240,000,000 = 9,810,000,000 \times 4$ = هزینه استهلاک ۴ سال آخر

۲۵۰- گزینه «۳»

(صفحه ۴۴)

الف و **پ** تولید خالص داخلی سرانه

تولید کل افراد داخل مرز جغرافیایی مشخص

خدمات ارائه‌شده $15,000,000,000 = \frac{1}{3} \times 45,000,000,000$

تولید خارجی‌ان مقیم کشور $21,000,000,000 = \frac{1}{5} \times 105,000,000,000$

خدمات + تولید خارجی‌ان + ارزش کل پوشاک و ارائه‌شده مقیم کشور ماشین‌آلات و مواد غذایی

ریال $135,000,000,000 = 15,000,000,000 + 21,000,000,000 + 105,000,000,000$

تولید ناخالص داخلی = هزینه استهلاک = تولید خالص داخلی

ریال $171,000,000,000 = 135,000,000,000 + 36,000,000,000$

تولید خالص داخلی → ریال $157,000,000,000 = 171,000,000,000 - 14,000,000,000$

ریال $3/14 = \frac{157,000,000,000}{50,000,000,000}$

تولید خالص داخلی / جمعیت کشور

تولید خالص داخلی سرانه

حذف گزینه‌های (۲) و (۴)

تولید خالص ملی ← تولیدات کل یک ملت چه در داخل و چه در خارج از کشور

خدمات ارائه‌شده + ارزش کل پوشاک، ماشین‌آلات و مواد غذایی = تولید خالص ملی

هزینه استهلاک - (تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند + خدمات ارائه‌شده + ارزش کل پوشاک، ماشین‌آلات و مواد غذایی)

ریال $181,000,000,000 = 135,000,000,000 + 15,000,000,000 + 45,000,000,000 - 14,000,000,000$

تولید خالص ملی ← حذف گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)

۲۵۱- گزینه «۱»

(صفحه ۴۷)

تولید در سال موردنظر = افزایش ناشی از افزایش سال پایه به قیمت ثابت

هزار میلیارد ریال $3600 - 3500 = 100$

افزایش تولید کل ناشی از افزایش تولید در سال دوم

حذف گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) = هزار میلیارد ریال $3950 - 3450 = 500$

افزایش تولید کل ناشی از تورم در سال سوم

تولید در آن سال - تولید در سال سوم = افزایش تولید کل ناشی از به قیمت پایه به قیمت جاری

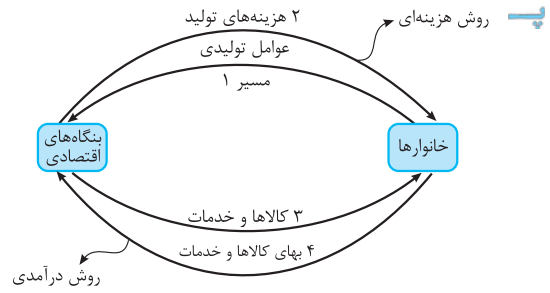
تورم یا افزایش قیمت‌ها

۲۵۲- گزینه «۴»

(صفحه‌های ۲۴ و ۴۵)

مرحله اول { فروش پنبه ۵,۰۰۰ ریال
ریسندگی: تبدیل پنبه به نخ ۷,۰۰۰ ریال }
مرحله دوم { پارچه‌بافی: تبدیل نخ به پارچه ۹,۵۰۰ ریال }
مرحله سوم { تولید پوشاک و تبدیل پارچه به پوشاک ۱۳,۰۰۰ ریال }
مرحله چهارم { ۳,۵۰۰ ریال }
ارزش افزوده در مرحله اول در واقع ارزش اولیه کالاست که این‌جا معادل ۵,۰۰۰ ریال می‌باشد و ارزش افزوده مرحله چهارم در واقع اختلاف قیمت پارچه و پوشاک است که معادل: $13,000 - 9,500 = 3,500$ می‌باشد. ←
حذف گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳)

پ- روش ارزش افزوده یا روش تولید ← حذف گزینه‌های (۱) و (۳)



گاهی ارزش پولی تولیدات نهایی را از آن‌جا که به خانوار فروخته می‌شود، جمع می‌زنیم و تولید کل را به دست می‌آوریم، بدیهی است در این محاسبه، نگران اندازه‌گیری تولیدات واسطه‌ای و مواد اولیه نیستیم؛ چرا که ارزش پولی همه آن‌ها را در محاسبه کالاها و خدمات نهایی خودبه‌خود اندازه‌گیری کرده‌ایم. به این روش «روش هزینه‌ای» می‌گویند.

ت- بدیهی است هر سه روش، جواب یکسانی به ما خواهند داد (روش هزینه‌ای - درآمدی - ارزش افزوده). از این‌رو برای جلوگیری از اشتباه، متولیان حسابداری ملی کشور حداقل با دو روش محاسبه و نتایج را با هم مقایسه می‌کنند.

۲۵۳- گزینه «۱»

(صفحه ۴۷)

الف- افزایش تعداد تولید در سال دوم

تولید در سال پایه - تولید در سال دوم به قیمت پایه

$$3860 - 3000 = 860 \text{ هزار میلیارد ریال}$$

افزایش تعداد تولید در سال سوم

تولید در سال پایه - تولید در سال سوم به قیمت پایه

$$6320 - 3000 = 3320 \text{ هزار میلیارد ریال}$$

پ- افزایش قیمت یا تورم در سال دوم

تولید سال دوم به قیمت پایه - تولید در سال دوم به قیمت جاری

$$4250 - 3860 = 390 \text{ هزار میلیارد ریال}$$

افزایش قیمت یا تورم در سال سوم

تولید در سال سوم به قیمت پایه - تولید در سال سوم به قیمت جاری

$$6740 - 6320 = 420 \text{ هزار میلیارد ریال}$$

پ- افزایش قیمت همان تورم است که در بخش پ- محاسبه شده ← گزینه (۱) پاسخ صحیح است.

۲۵۴- گزینه «۴»

(صفحه ۴۴)

الف- قیمت خدمات سرمایه = ردیف ۴ ← سود صاحبان سرمایه و اجاره‌بها = درآمد صاحبان املاک و مستغلات = ردیف ۱

پ- سود شرکت‌ها و مؤسسات → $\frac{2}{3} \times 696 = 464$ **میلیارد ریال**

د- درآمد حقوق‌بگیران → $\frac{2}{6} \times (656 + 466) = 374$ **میلیارد ریال**

د- درآمد صاحبان مشاغل آزاد → $\frac{1}{3} \times (696 + 466) = 387$ **میلیارد ریال**

درآمد = سود شرکت‌ها و درآمد صاحبان املاک + حقوق‌بگیران + مؤسسات + مستغلات = درآمد ملی

دستمزدها + درآمد صاحبان مشاغل آزاد + درآمد صاحبان سرمایه + درآمد ملی → $3043 = 656 + 466 + 374 + 696 + 387 + 466$ **میلیارد ریال**

پ- ریال $6086 = \frac{3,043,000,000,000}{50,000,000} =$ **درآمد ملی** / جمعیت کشور = درآمد سرانه

ت- مفهوم و معنای سرانه ← سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان تولید یا درآمد آن جامعه

۲۵۵- گزینه «۳»

(صفحه ۴۵)

الف- مسیر ۴ نشان‌دهنده پولی است که خانوارها بابت خرید کالاها و خدمات به بنگاه‌های اقتصادی می‌دهند که روش «هزینه‌ای» نام دارد.

پ- وجوه پرداختی از بنگاه‌های اقتصادی به سمت خانوارها تحت عنوان مزد، سود و اجاره در مسیر شماره ۲ نشان‌دهنده روش درآمدی است.

پ- A = بنگاه‌های اقتصادی ← اشخاص حقوقی

B = خانوارها ← اشخاص حقیقی

۲۵۶- گزینه «۴»

(صفحه‌های ۳۰ و ۳۱)

الف- حسابداری ملی شاخه‌ای از مطالعات اقتصاد است که به بررسی و اندازه‌گیری میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی می‌پردازد. ← حذف گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳)

پ- چون تولید در محدوده مرزهای جغرافیایی صورت گرفته پس به تولید داخلی اشاره می‌کند.

پ- فعالیت‌های غیرقانونی مثل قاچاق و مانند آن جزء تولید کشور محاسبه نمی‌شود؛ زیرا از یک سو اطلاع دقیقی از این فعالیت‌ها در دست نیست و از سوی دیگر محاسبه آن‌ها نوعی مشروعیت‌دادن به آن‌ها تلقی می‌شود.

۲۵۷- گزینه «۱»

(صفحه‌های ۲۶ و ۲۷)

الف- وجوه پرداختی به عوامل تولید

۱ زمین یا منابع طبیعی

۲ عوامل تولید سرمایه

۳ نیروی کار یا نیروی انسانی

پ- وجوه پرداختی برای کالاها و خدمات در مسیر ۴ قرار دارد. این وجوه از خانوارها به سمت بنگاه‌های اقتصادی جریان می‌یابد.

ت- مسیر ۲ بیانگر پرداخت مزد، سود و اجاره از سوی بنگاه‌های اقتصادی به خانوارها یعنی روش «درآمدی» است.

۲۵۸- گزینه «۳»

(صفحه‌های ۴۴ و ۴۶)

ارزش مواد غذایی **ریال** $288,000,000 = \frac{60}{100} \times 480,000,000$

نکته: از آن‌جا که ارزش کالاها و واسطه‌ای در بطن کالاها نهایی لحاظ می‌گردد، در محاسبات تولید کل کشور لحاظ نمی‌گردد.

ارزش خدمات ارائه‌شده **ریال** $384,000,000 = \frac{50}{100} \times (480,000,000 + 288,000,000)$

ارزش مواد غذایی ارزش ماشین‌آلات **ریال** $480,000,000 + 288,000,000 \rightarrow$ تولید ناخالص داخلی ارزش خدمات

حذف گزینه‌های (۱) و (۲) **ریال** $1,152,000,000 = 384,000,000 +$

تولید ناخالص ملی - هزینه استهلاک = تولید خالص داخلی **الف- استهلاک سرمایه ثابت** $\frac{1}{3} \times (GDP) = \frac{1}{3} \times 1,152,000,000$

حذف گزینه‌های (۱) و (۲) **ریال** $384,000,000 \rightarrow$

ریال $768,000,000 = 1,152,000,000 - 384,000,000$

حذف گزینه‌های (۲) و (۴) **تولید خالص داخلی →**

ت- تولید خالص داخلی = تولید خالص داخلی سرانه جمعیت کشور **حذف گزینه‌های (۲) و (۴) ریال** $38 / 4 = \frac{768,000,000}{20,000,000}$

۲۵۹- گزینه «۳»

(صفحه ۴۴)

الف - قیمت خدمات سرمایه = درآمد صاحبان سرمایه ← ردیف ۵
اجاره‌بها یا وجوه مربوط به اجاره = درآمد صاحبان املاک و مستغلات ←
ردیف ۲ { حذف گزینه‌های (۱) و (۲)

ب - میزان درآمد ملی

$$\frac{1}{4} \times 698,958,000 = 174,739,500 \text{ ریال} \quad \text{درآمد حقوق‌بگیران}$$

$$\frac{2}{5} \times 684,225,000 = 273,690,000 \text{ ریال}$$

درآمد صاحبان املاک و مستغلات

$$\frac{1}{3} \times 273,690,000 = 91,230,000 \text{ ریال} \quad \text{دستمزدها}$$

درآمد = سود شرکت‌ها + درآمد صاحبان املاک + حقوق‌بگیران + مؤسسات و مستغلات = درآمد ملی

سود شرکت‌ها + درآمد صاحبان + دستمزدها + درآمد صاحبان + مؤسسات + مشاغل آزاد + سرمایه

$$174,739,500 + 273,690,000 + 249,396,200 + 91,230,000$$

$$+ 684,225,000 + 698,958,000 \Rightarrow 2,172,238,700$$

درآمد ملی → ۲,۱۷۲,۲۳۸,۷۰۰

$$\frac{\text{درآمد ملی}}{\text{تعداد جمعیت}} = \text{ریال سرانه} \Rightarrow \frac{2,172,238,700}{75,000,000} = 28,96$$

حذف گزینه‌های (۱) و (۴)

ت - سرانه ← سهم متوسط هر فرد جامعه در میزان درآمد و تولید آن جامعه

۲۶۰- گزینه «۴»

(صفحه ۴۷)

الف / **پ** - تورم در سال دوم ← تولید در سال دوم به قیمت پایه - تولید

در سال دوم به قیمت جاری

افزایش قیمت‌ها

$$1700 - 1650 = 50 \text{ هزار میلیارد ریال} \quad \text{و (۲) و (۱)}$$

تورم یا افزایش قیمت‌ها در سال سوم ← تولید در سال سوم به قیمت پایه -

تولید در سال سوم به قیمت جاری

$$1875 - 1710 = 165 \text{ هزار میلیارد ریال} \quad \text{و (۲) و (۱)}$$

ب - افزایش تعداد تولید در سال دوم ← تولید در سال پایه - تولید در

سال دوم به قیمت پایه

$$1650 - 1500 = 150 \text{ هزار میلیارد ریال} \quad \text{و (۳) و (۱)}$$

افزایش تعداد تولید در سال سوم ← تولید در سال پایه - تولید سال سوم

به قیمت پایه

$$1710 - 1500 = 210 \text{ هزار میلیارد ریال} \quad \text{و (۳) و (۱)}$$

قسمت **پ** و **الف** سؤال هر دو به یک مسئله اشاره می‌کنند.